دیدبان شفافیت افغانستان
INTEGRITY WATCH AFGHANISTAN

تاراجگران امید؟

اقتصاد سیاسی پنج معدن عمده در افغانستان



www.iwaweb.org

نویسنده این تحقیق مشاور قراردادی دیدبان شفافیت افغانستان است. دیدبان شفافیت افغانستان باور دارد که این پژوهشگر دارای تجارب قابل ملاحظه در سکتور معادن می باشد. اما باید خاطر نشان کرد که دیدبان شفافیت افغانستان اطلاعات ارائه شده و نظریات بیان شده در این تحقیق را به صورت مستقل تدقیق نکرده است. بناءً دیدبان شفافیت افغانستان هیچ مسولیتی را در مقابل صحت و ثقم اطلاعات و پیش فرض های این تحقیق نمی پذیرد. و همچنان دیدبان شفافیت خود را ملزم به روز رسانی اطلاعات این تحقیق نمی داند.

حق کاپی، ۲۰۱۵ دیدبان شفافیت افغانستان. حق نشر این گزارش محفوظ است

از نشرات دیدبان شفافیت افغانستان

کلوله پشته،کابل،افغانستان

ایمیل: info@iwaweb.org

ویب سایت: www.iwaweb.org

جمع آوری معلومات این تحقیق در ماه فبروری ۲۰۱۵ تکمیل شد. نشر راپور در اکتوبر ۲۰۱۵ انجام شده است

تاراجگران امید؟

اقتصاد سیاسی پنج معدن عمده در افغانستان

تهیه شده برای

دیدبان شفافیت افغانستان

دسامبر ۲۰۱۵

امتنان

مولف، ج. نورانی، از همه پیشتر از مسئولین دولتی و شهروندان که بخاطر جمع آوری اطلاعات برای این تحقیق آماده شدند تا با ما گفتگو نمایند، اظهار امتنان می کند. اسامی چندی هستند که باید در اینجا تذکر داده شوند اما به دلایل امنیتی از این کار خودداری میکنم. مؤلف همچنان حمایت و کمک مارین دیورند و فیفی سبانگ در جریان این تحقیق را ارزنده می خواند. و بالاخره، مؤلف خویشرا مدیون نظرات نیک تعداد از همکاران که نظریات و پیشنهاداتی را برای متن نهایی این تحقیق داده اند، میداند.

فهرست مطالب

امتنان ..... ب

خلاصه ۱

مقدمه ۸

روش تحقیق ۱۰

۱. سمنت غوری ۱۱

۱,۱ مکلفیت شرکت قراردادی ۱۱

۱,۲ تطبیق پروژه ۱۳

۱,۳ تناقضات و تخلفات ۱۷

۱,۴ نتیجه گیری ۲۰

۲. طلای قره زاغان ۲۱

۲,۱ مکلفیت های تعریف شده در قرارداد ۲۱

۲,۲ ارتباطات سیاسی در زمان قرارداد ۲۲

۲,۳ تناقضات و تخلفات ۲۳

۲,۴ نتیجه گیری ۲۸

۲,۵ نظرات شرکت ۲۹

۳. کرومایت کوه صافی ۳۱

۳,۱ نقض و تخلفات ۳۳

۳,۲ تأثیرات اجتماعی و زیست محیطی ٤۰

۳,۳ سیاست در سایهٔ تاریخ ٤۱

۳,۴ تفرقه و تنازع ٤۱

۳,۵ نتیجه گیری ٤۲

۴. طلای نورآبه و سمتی ٤۳

۴,۱ روابط سیاسی ٤٤

۴,۲ تغییرات مجدد در قرارداد ٤٦

۴,۳ تناقضات و تخلفات ٤٦

۴,۴ نتیجه گیری ٤۹

۵. ذغال سنگ گرمک غربی ۵۱
۵٫۱ چارچوب قانونی و شایستگی ۵۲
۵٫۲ تطبیق پروژه ۵۲
۵٫۳ تثبیت و استخراج ۵۳
۵٫۴ تناقضات و تخلفات ۵۵
۵٫۵ نتیجه گیری ۵۹
۵٫۶ نظرات شرکت ۵۹
تحلیل و تجزیه، نتیجه گیری و پیشنهادات ۶۲
نتیجه گیری ۶۵
پیشنهادات ۶۸
مآخذ ۷۱

خلاصه

منابع معدنی افغانستان بحیث سکتوری دیده میشود که در آن ظرفیت تولید عواید بزرگ برای دولت در چند دهۀ آینده پیش بینی شده است. از این رو عواید معادن میتواند بسیاری از بخش های دولت را تمویل و در انکشاف کشور سهیم گردد. با این حال، رشد نفوذ افراد دارای روابط سیاسی میتواند منجر به تراکم پول شخصی گردیده و باعث منحرف شدن روند توسعه گردد.

موضوع این مطالعه اقتصاد سیاسی و تاثیرات جنگ در استخراج معادن زیر زمینی افغانستان میباشد. این مطالعه شامل مطالعات موردی (**Case Study**) مفصل در مورد پنج عملیات جاری استخراج معادن میباشد که توسط دولت افغانستان (وزارت معادن و پطرولیم) به شرکت های متعدد افغانی سپرده شده است. فعالیت های استخراجی در مراحل مختلفی از دایره عملیاتی خود قرار دارند که مبنی بر قرارداد های منعقده در جریان سال های ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۲ میباشد.

پنج معدن مطالعه شده در این تحقیق که به افراد متنفذ سیاسی و فامیل های شان داده شده است عبارت اند از: سمنت غوری، طلای قره ذاغان، طلای نورآبه، کرومایت کوه صافی و معدن ذغال سنگ در گرمک غربی دره صوف ولایت سمنگان. معلومات ابتدایی در مورد این پنج معدن در جدول ۱ ذیلا شرح داده شده است. جدول **E1** در زیر نشاندهنده معلومات خلص و بنیادی در مورد پنج مطالعه موردی میباشد.

جدول E1: معلومات بنیادی درمورد پنج پروژۀ استخراج معادن

اسم شرکت	اسم معدن	نوعیت تولید	ولایت	سال قرارداد	ساحۀ قرارداد	مقدارذخیره	مقدارتعرفه (دالر امریکایی)
شرکت سرمایه گذاری افغان	سمنت غوری (کرکر و دودکش)	سمنت و ذغال	بغلان	2007	۲۱۶ هکتار	نامعلوم	هر تن سمنت ۱٫۰۴ دالر ؛ هر تن ذغال ۸ دالر
شرکت تجارتی ویست لند	نورآبه و سمتی	طلا	تخار	2008/ 2012	۱۴ کیلو متر مربع	نورآبه: ۸۰۰ کلوگرام؛ سمتی: ۳۱ تن (ناخالص)	۲۰ درصد LME
شرکت منابع طبیعی افغان کریستال	قره زاغان	طلا	بغلان	2011	۱۲۵۷ هکتار	نامعلوم	۲۶ درصد LME
برادران هیواد	کوه صافی	کرومایت	پروان	2011	۵۴ کیلو متر مربع	نامعلوم	۲۶ درصد بر اساس ۲۱۰ دالر هر تن
برادران خوشک	گرمک غربی	ذغال	سمنگان	2012	۱۲۵۰٫۵ هکتار	نامعلوم	۲۱ دالر هر تن

منبع: مطالعات موردی

با استفاده از مطالعات موردی، این تحقیق توانسته است به عمق آنچه در قرارداد های معادن صورت می گیرد بپردازد و در کنار آن، ما در این گزارش به تعدادی از شیوه ها و رویکرد های حاکم در سکتور معادن را مشخص ساخته ایم. مولف تعدادی از معادن دیگر را نیز مطالعه نموده و در مورد آن آگاهی دارد. معلومات متذکره نتیجه گیری های کلی که در مورد این پنج معدن شده است را

تصدیق و مستحکم تر می کند.

یافته های عمده

یافته های مشخص در این گزارش تحت هشت بخش (مطابق به مراحل قرارداد و روند های تطبیق) تنظیم شده اند تا ازین طریق یافته ها و معلومات بخاطر فهم آسانتر به شکل ساده به نمایش گذاشته شود.

اسناد قرارداد: اسناد داوطلبی اکثر معادن مطالعه شده به طوری ترتیب شده بود که به نوعی به نفع شرکت برنده نهایی داوطلبی تمام شده است. بر علاوه، بعضی از بخش های مشخص این قرارداد ها به از جهتی در تناقض صریح قانون معادن افغانستان قرار داشته اند.

روند داوطلبی: اعمال نفوذ سیاسی در تمام پروسه داوطلبی وجود داشت است. نفوذ سیاسی در پروسه تهیه اسناد قرارداد وکوتاه کردن فهرست (**short-listing**) شرکت‌ها اعمال شده است.

داوطلبی و ارزیابی: شریک سازی اطلاعات با شرکت های برنده قبل از قرارداد در پیشنهادات هر یک از شرکت ها انعکاس یافته است به استثنای سمنت غوری که با وصف بهتر بودن پیشنهادات داوطلبان دیگر، سمنت غوری شرکت برنده اعلان شده است. وعده های حق الامتیاز بزرگ، تعهدات بلند پروازانه در زمینه استخراج معادن بعضا در نبود اطلاعات تفحصاتی و وعده فرصت های کاری برای افغانها در کنار ایجاد عواید دیگر از جمله شیوه های بوده است که با استفاده از آن برنده گان این قرارداد ها مسئولین دولتی را اغفال کرده اند.

نفس قرارداد و تناقض با قوانین: قرارداد سمنت غوری قبل از توشیح و انفاذ قانون معادن افغانستان امضاء گردیده بود و مدت این قرارداد ٤٩ سال ذکر شده است که در تناقض با زمان پیش بینی شده در قانون جدید معادن میباشد. قانون معادن ۲۰۱۰، در "ماده واجدان شرایط" به سیاستمداران، کارمندان دولتی و حکومتی اجازه اخذ هیچ نوع قرارداد معدن را نمی دهد. با این حال، در هر یک از پنج مطالعه موردی دیده میشود که مثال هایی از تداخل منافع چنین افراد دیده میشود، هر چند بعضی از این سهام مخفی نگهداشته میشود.

برآورده کردن شرایط حقوقی قانون معادن: قانون معادن افغانستان که در سال ۲۰۱۰ توشیح گردیده است، قانون محیط زیست افغانستان و قانون جدید معادن که در سال ۲۰۱۴ به توشیح رسید، شرکت های استخراجی را مکلف به مطالعه تأثیرات اجتماعی و زیست محیطی می سازد. در قرارداد های پنجگانه برای قراردادی ها فرصت یک الی سه سال به خاطر مطالعات، ارزیابی تأثیرات اجتماعی و محیطی، بررسی امکان پذیری، برنامه حفاظت محیط زیست وغیره داده شده بود. از استخراج کننده گان معدن در هر یک از موارد متذکره خواسته شده بود تا برنامه کاری خود را برای تایید به وزارت معادن و پطرولیم ارائه نمایند و بعدا از آنها خواسته میشد تا یافته های خود و مطالعات مختلف در مورد مسایل متذکره را نیز ثبت نمایند تا بعد از آن اجازه استخراج به آنها داده شود. در زمان نگارش این گزارش، هیچ یک از پنج شرکت شرایط مندرج در قوانین و قرارداد را برآورده نساخته است. امور ایمنی استخراج معادن را نیز این شرکت ها مدنظر نگرفته اند چون شرکت ها کارگران خود را با پرداخت معاشات پائین و مدت های طولانی به کار می گمارند.

تطبیق قرارداد: بیشتر تناقضات و تخلفات در مرحله تطبیق صورت گرفته است. بعضی از شرکت ها هیچ گزارش تفحصاتی و یا بررسی تاثیرات محیطی و اجتماعی را ارائه نکرده اند. در مجموع، هر پنج شرکت (مندرج در جدول **E2**) بدون ارائه اسناد لازم به

وزارت معادن و پطرولیم، اخذ اجازه نامه برای استخراج و پرداخت حق الامتیاز و مالیات قانونی، دست به استخراج معادن زده اند.

جدول E2: موقعیت کاری پروژه هامطابق جدول زمانی قرارداد و فعالیت های پیشبرده شده در محل

اسم معدن	اسم شرکت	تثبیت	استخراج	قطع کار
سمنت غوری	شرکت سرمایه گذاری افغان	هیچ داده ای موجود نیست.	استخراج جریان دارد	
طلای قره زاغان	شرکت منابع طبیعی کریستال و شرکت طلا و منابع طبیعی افغان[1]	شرکت باید در حال تفحص باشد	استخراج جریان دارد	شرکت فعالیت خود را قطع نموده است
کرومایت کوه صافی	شرکت برادران هیواد	شرکت باید در حال تفحصات باشد	استخراج جریان دارد	
طلای نورآبه و سمتی	شرکت تجارتی عمومی ویست لند	شرکت باید در حال تفحصات باشد	استخراج جریان دارد	
ذغال گرمک غربی	شرکت برادران خوشک	شرکت باید در حال تفحص باشد	استخراج جریان دارد	

منبع: مطالعات موردی

تغییرات در قرارداد ها بعد از امضای آن: قرارداد ها بعد از امضاء نیز دست خوش تغییر بوده اند و پروسیجرهای پیش بینی شده و آگاهی دهی یا شفافیت مردمی مدنظر گرفته نشده. این نمایانگر ادامهٔ اعمال نفوذ سیاسی است؛ چنانچه در مراحل اول قراردادها وجود داشت است.

نظارت توسط وزارت معادن و پطرولیم و ادارهٔ ملی حفاظت ازمحیط زیست: وزارت معادن و پطرولیم و اداره محیط زیست که قانوناً در زمینه اداره و نظارت بر فعالیت های استخراجی مسئول هستند در اجرای مسؤلیت های خویش ناکام مانده اند.

وزارت معادن در سایر موارد نیز نتوانسته مسئولیت های نظارتی خود را به شکل درست آن به انجام برساند. ریاست تفتیش این وزارت نتوانسته است تا فعالیت های هر یک از شرکت ها را نظارت نماید و سطح تولید، یا نصب وسایل و ابزار امنیتی کارگران و عملیات ها را ارزیابی کند. در بعضی از موارد انفجارات نیز بوقوع پیوسته است که در نتیجه آن زیان انسانی به مردم و زیان مالی برای حکومت رسیده است. محاسبه ناخالص از ضرر های احتمالی دولت که در نتیجه کار این پنج شرکت بوجود آمده است حدود ۵۰ ملیون دالر در سال تخمین میشود.

نبود حسابدهی در زمینه عدم رسیدگی به شرایط قرارداد: قانون معادن خطوط سرخ واضحی را در زمینه تخلفات بیان می کند اما در مورد جریمه ها ساکت است. بعضی از قرارداد ها جریمه هایی را در بسا موارد ذکر می کند اما توضیحاتی در مورد این جریمه ها علاوه نمی گردد. قانون و قرارداد ها زمینه های فسخ و عدم شایستگی را مشخص می کند اما تاکنون موردی که در آن این مواد تطبیق گردیده باشد دیده نشده است.

روابط و تشنجات فی مابین شرکت ها و مردمان محلی: شرکت های متذکره مواد قرارداد در زمینه انکشاف اجتماعی در مناطق اطراف معدن را بشکل درست آن تطبیق نکرده اند. همچنان به شکایت ها و مشکلات مردمان محلی نیز گوش داده نشده است. بر عکس، در بسیاری از موارد فعالیت های استخراجی باعث ایجاد و بیشتر شدن تشنجات و اختلافات در این مناطق گردیده است.

[1] شرکت که در سال ۲۰۱۰ ثبت آیسا شده، ملکیت سعادت منصور نادری وزیر فعلی انکشاف شهری میباشد. شرکت حقوق خود در زمینه قره زاغان را به شرکت طلا و معدن افغان بدون آگاهی دهی مردم انتقال داده است. بر اساس معلومات موجود در اداره سرمایه گذاری افغانستان (آیسا) هر دو شرکت ملکیت سعادت منصور نادری میباشد.

ضرر های مالی به دولت: صنایع استخراجی اکثرا بحیث یک منبع درآمد برای دولت تصور می گردد و دلیل اصلی خصوصی سازی این پنج معدن نیز افزایش عواید دولت بوده است. با این حال، موجودیت فساد و استفاده از روابط سیاسی باعث گردیده است تا حدود ۳ ملیارد افغانی (بیشتر از ۵۰ ملیون دالر) ضرر تنها از دو ناحیه عواید (حق الامتیاز و کرایه زمین) به دولت برسد. در در این گزارش ما نتوانسته ایم مقدار سایر مالیات پرداخت نشده توسط این شرکت ها را بررسی نماییم. جدول **E3** درزیر نشاندهندۀ ضرر های احتمالی بوجود آمده از ناحیۀ حق الامتیاز و کرایه زمین میباشد.

جدول E3: **حق الامتیاز طلبات از بابت حق الامتیاز و کرایه تخمینی سالانه ذمت هریک از شرکت ها**

شرکت	تولید پیشبینی شده/ وعده شده	مقدار حق الامتیاز به دالر امریکایی	مقدارکرایه به دالر امریکایی
برادران هیواد کرومایت	130,000تن	7,098,000	67,500
شرکت سرمایه گذاری افغان (ذغال)	1,000,000تن	8,000,000	300,000
شرکت سرمایه گذاری افغان (سمنت)	438,000 تن	455,520	1,000,000
شرکت منابع طبیعی کرستال (طلا)	1,628کلوگرام	17,883,898	31,425
برادران خوشک (ذغال)	88,110تن	1,894,365	۳۱۲٦۲,۵
شرکت تجارتی ویست لند (طلا)	1,700کلوگرام	15,591,040	15,000
مجموع		53,663,572	1,430,175

یاداشت

جمع آوری مؤلف بر اساس معلومات موجود در هر قرارداد (به شمول نرخ های حق الامتیاز ها در جدول ۱)، سطوح تولید تعهد شده یا تخمین شده در پروپوزل های شرکت ها و ویب سایت های بین المللی است. نرخ طلا در این محاسبه ها ٤٥ هزار و ٨٥٦ دالر در کلوگرام گرفته شده است. (منبع: www.usagold.com/dailyqotes.htm).

قیمت ذغال در این محاسبات ۹۰ دالر در تن است (به گفته تاجران دخیل در این زمینه). شرکت منابع طبیعی کرستال نتوانست طلای کافی در محل دریافت نماید و سپس خواهان لغو قرارداد شد. تعهد این شرکت مبنی بر تولید ١٦٢٨ کلو طلا دلیل شد به سنجش بلند عواید از سکتور معادن توسط دولت شد و وعده دولت برای تخصیص آن عواید برای انکشاف کشور.

منبع: مطالعات موردی

نظرخواهی از شرکت های ذیدخل: بعد از نهایی شدن، دیدبان شفافیت افغانستان کاپی الکترونیک و چاپ شده این تحقیق را در جون ۲۰۱۵ برای هر یک از شرکت های ذیدخل فرستاد تا فرصت بیان نظریات متفاوت برای شان داده شود. از جمله پنج شرکت، فقط دو شرکت پاسخ دادند. رییس شرکت برادران خوشک در جون ۲۰۱۵ و رییس اجرایی شرکت طلا و منرال افغان و شرکت منابع طبیعی افغان کرستال در جولای ۲۰۱۵ جوابات شان را به آدرس دیدبان شفافیت افغانستان فرستاند. پاسخ های این دو شرکت در پایان فصل مربوطه شان قرار گرفته است. در ضمن، دیدبان شفافیت افغانستان در سپتمبر ۲۰۱۵ برای شرکت های ذیدخل ایمل و نامه فرستاد و از آنها خواسته شد تا با نویسنده تحقیق و یک نماینده دیدبان شفافیت رو در رو ملاقات کرده و نظریات متفاوت شان را بیان دارند. هیچ یک از پنج شرکت به درخواست پاسخ مثبت ندادند.

پیشنهادات

این پیشنهادات مبتنی هستند بر تحلیل و یافته های گزارش شده در فصل های این گزارش در مورد مطالعات موردی که قبلا در این فصل به شکل خلاصه آن ذکر گردیده است.

وزارت معادن و پطرولیم: دولت باید دورنمای استراتیژیک انکشاف سکتور معادن را طرح نماید تا گرفتار دام خوشباوری عواید زیاد از مدرک معادن نگردیده و اصل مقررات و ایجاد نهاد های موثر را زیرپا نکند. بدون یک دورنمای دراز مدت، افغانستان نمیتواند این سکتور را انکشاف دهد و یا توسعه را در جامعه تضمین نماید.

وزارت معادن و پطرولیم باید قانون معادن که اخیرا توسط ولسی جرگه تصویب و توسط رئیس جمهور توشیح شده است را تعدیل کند. قانون جدید معادن ضعیف بوده و مواد کافی به خاطر جلوگیری از فساد در آن موجود نیست؛ و بدین ملحوظ این قانون نمیتواند ثبات لازم را در سکتور بحران زده معادن کشور بوجود آورد. قانون و مقررات مربوط به معادن باید مجازات مشخصی را برای شرکت ها و افرادی که خلاف قرارداد کار مینمایند و یا به استخراج غیر قانونی دست می زنند پیشبینی نماید.

دولت افغانستان باید سیستم جواز دهی برای استخراج احجار کریمه را مجدداً متمرکز سازد زیرا تمرکززدایی وزیر پیشین معادن در سیستم جواز دهی معادن و تفویض صلاحیت به ریاست های معادن ولایات باعث بروز فساد و محرمیت گسترده شد و در نتیجه بسیاری از کار های استخراجی بدون هیچ گونه عواید به دولت، توسط قراردادی‌ها پیش برده میشود.

اسناد قرارداد باید داوطلبان را مکلف سازد تا مالکیت اصلی شرکت و سهامداران آن را افشا سازد. ازین طریق میتوان با پدیدهٔ مالکان، سهامداران و مستفید شونده گان مخفی مبارزه کرد. این عناصر مخفی میتوانند شامل کارمندان دولتی و اعضای رهبری سیاسی کشور باشند.

روند اهدای قرارداد برای داوطلبان، ارزیابی داوطلبی و چانه‌زنی مربوط به آن باید به یک تیمی از خبرگان سپرده شود و در این زمینه شاخص های حسابدهی که مصؤن از نفوذ سیاسی باشد، وضع گردند. قرارداد نهایی با شرکت برنده باید انعکاس دهنده تعهد های مندرج در پیشنهاد پروژه باشد. روند داوطلبی باید شفاف باشد و پیشنهادات باید در ظرف ده روز پس از امضای قرارداد نهایی به اطلاع مردم افغانستان رسانده شود. این امر باعث می گردد تا جلو مداخلات سیاسی گرفته شود.

تعریف های واضحی برای فعالیت های مختلف در سکتور معادن ارائه گردد. به طور مثال میان تفحص و استخراج تفاوت واضح وضع شود. همچنان شرکت ها باید در مقابل فعالیت های که در متن قرارداد تعهده سپرده اند، مکلف پنداشته شوند و از این کار نظارت به عمل آید.

وزارت مالیه درهمکاری با وزارت معادن و پطرولیم: وزارت معادن و وزارت مالیه باید میکانیزم مشترکی را به خاطر جمع آوری عواید در تاریخ های مشخص از هر شرکت ایجاد نمایند و سپس معلومات راجع به جمع آوری عواید را به مردم نیز شریک سازند. این دو وزارت باید یک تیم مشترکی را بخاطر ارزیابی و نظارت بر فعالیت های هر شرکت در هر مرحله ایجاد کنند.

اداره گمرکات وزارت مالیه باید یک کاپی قرارداد معادن را نیز بدست آورد و باید صادرات شرکت ها را بخاطر تدقیق مکلفیت های قراردادی و قانونی آنها پیگیری نماید.

وزارت های مالیه و معادن باید روی میکانیزمی کار نمایند که در آن درآمد متوقعه از هر معدن (مطابق مواد قرارداد) پیش بینی شود

و از جمع آوری واقعی عواید نیز نظارت شود تا ازین طریق کمبودات و یا تأخیر در جمع آوری مورد بازنگری قرار گیرد.

مشوره با مردم باید از جمله شروط اصلی باشد و شرکت های قرادادی و دولت باید به شهروندان معلومات کافی ارائه نمایند. مشوره با مردم برای انکشاف محل که خود یکی از ملکفیت‌های حقوقی میباشد باید در سطح محلی تطبیق گردد. این یک شیوۀ خوب آگاهی دهی و تقویۀ مردم محل از طریق گفتگو میباشد.

اداره ملی حفاظت از محیط زیست: اداره ملی حفاظت از محیط زیست باید مستقلانه و فعالانه، از شرکت ها بخواهد تا گزارش الزامی تأثیرات محیطی و اجتماعی را تسلیم دهند و اجازه فعالیت فقط بعد از بررسی این گزارش ممکن گردد. تصمیم در مورد هر قضیه باید در ویب سایت این اداره نشر گردد.

ریاست تفتیش ادارۀ ملی حفاظت از محیط زیست باید روند های دخیل در فعالیت های استخراجی را مشخص کند و از فعالیت های کار استخراجی به شکل متداوم نظارت و تفتیش به عمل آورد. این امر باعث خواهد گردید تا شرکت ها مطابق استندرد و پروسیجر کار نمایند و احتمال خطرات و حوادث کمتر خواهد گردید.

اداره ملی محیط زیست باید مطالعات بنیادی محیط زیستی را در مناطقی که معادن در آنجا قراردارند اجرا نماید. این امر باعث می گردد تا برنامه های مدیریت محیط زیست شرکت های فعال در بخش معادن بهتر ارزیابی گردد.

وزارت فواید عامه: وزارت فواید عامه باید از تطبیق پروسیجر های مربوط به کار شرکت ها نظارت کند. فعالیت ها و مصارف انکشاف اجتماعی هر شرکت باید مطابق به تعهدات قرارداد امضاء شده، نظارت و ارزیابی گردد. همچنان سایر تعهدات افغانستان به موسسه بین المللی کار نیز باید مرعی الاجرا پنداشته شود. این وزارت همچنان باید استندرد های حد اقلی مصؤنیت کار واستفادۀ آب را عملی سازد.

وزارت داخله: نیرو های پولیس مستقر در معادن که به خاطر جلوگیری از عناصر شورشی در آنجا مستقر هستند، نباید در معاملات حقوقی میان شرکت و مردمان محلی مداخله کنند. واحد های پولیس مستقر در مناطق دارای معدن باید قبل از استقرار در آن محلات در زمینه مسایل مربوط به حقوق بشر و استندرد های بین المللی تربیه گردند. مداخله پولیس در حمایت از یک شرکت باید یک امر قابل مجازات پنداشته شود.

وزارت امور زنان: وزارت امور زنان باید ارزیابی خود در مورد تأثیرات معادن بالای زنان را داشته باشد تا بتواند تاثیرات منفی معادن را جلوگیری و روی تاثیرات مثبت آن سرمایه گزاری کند.

جامعه مدنی افغانستان: جامعه مدنی افغانستان باید در رابطه به مدیریت منابع طبیعی، مدیریت عواید و تأثیرات اجتماعی و محیطی معادن معلومات و سطح آگاهی خود را افزایش دهد تا بتوانند در همه ابعاد استخراج معادن بشمول اطلاع دهی، دادخواهی و بسیج مردمی از کارآیی بیشتر برخوردار گردد. تغییرات مثبت در سکتور معادن نیازمند تلاش های پیگیر میباشد. تحقیق بیشتر میتواند در فهم شیوه های موجود و تأثیر گذاری پالیسی ها کمک نماید.

شرکای بین المللی: جامعه تمویل کننده بین المللی باید وزارت معادن را تشویق نماید تا برنامه های این سکتور را انکشاف دهد و سپس کمک های مالی هدفمندی را انجام دهد برای بعضی از شرکت های که در زمینه معادن دخیل اند. اجرای بعضی از تفحصات توسط سکتور دولتی، در جلوگیری از سواستفاده و استثمار شرکت ها به بهانه تفحص و استخراج معادن، مثمر واقع خواهد شد.این امر همچنان میتواند کمک کند تا شرکت های استخراج معادن در مراحل اصلی فعالیت های معدن سرمایه گذاری کنند

که شامل انکشاف منطقهٔ معدن میشود، بجای اینکه در مراحل ابتدایی تفحص معدن سرمایه خود را از دست دهند.

جامعه بین المللی باید دولت را در زمینه انکشاف سکتور معادن کمک کند. و فقط روی استخراج سریع منابع معدنی تمرکز نکند. حمایت از حکومتداری خوب میتواند در این زمینه مفید واقع گردد. بر علاوه، شرکای بین المللی میتوانند در تدوین استراتیژی مناسب برای مدیریت این سکتور کمک نمایند و در عین حال میتوانند با حمایت تخنیکی و مالی در راستای ظرفیت سازی و تطبیق این استراتیژی کمک کنند.

مقدمه

افغانستان دارای منابع وسیعی طبیعی میباشد. در مناطق شمالی و جنوبی کشور، چندین نقطهٔ احتمالی ذخایر هایدروکاربن نیز وجود دارد. منابع طبیعی این کشور شامل فلزات (اعم از آهنی و غیر آهنی) می گردد؛ بشمول بعضی از فلزات استراتیژیک که میتواند در امر جذب سرمایه گذاری بین المللی، افغانستان را پیشی دهد. پلاتین، طلا، نقره، مِس، آهن، کرومایت، تنتالم، یورانیم و المونیم از جمله فلزاتی با امکان جدی بهره گیری اقتصادی میباشد.

افغانستان دارای ذخایر وسیعی از احجار کریمه بشمول سنگ های کمیاب عقیق سفید، نارنجی و سبز و ٦٠ نوع دیگر آن، است. همچنان در نتیجه اکتشافات زمین شناسان آلمانی در ولایت بدخشان یک نوع سنگ آبی نیز کشف گردید که به آن اسم "افغانایت" گذاشته شد. تجار و بازار دخیل در معاملات احجار کریمه علاقه مندی خاصی به زمرد، یاقوت، اسپاینل، تورملاین، زمرد کبود، امیتی و انواعی از یاقوت کبود، فیروزه و لاجورد افغانستان نشان داده اند.

زمین شناسان بریتانیایی که در سال های ۱۸۸۰ میلادی به افغانستان سفر کرده بودند نقاطی چندی دارای منابع معدنی در این کشور را کشف کردند. روس ها، آلمانی ها و ایتالیایی ها نیز اکتشافات و کشفیاتی را براه انداختند و نقاط دارای معدن را روی نقشه ها ثبت نمودند. آنها صد ها نقشه از مناطق مختلف افغانستان ارائه نمودند، البته این روس ها بودند که با کار متداول و سیستماتیک در طول سالیان زیادی اولین بستهٔ دقیق اطلاعاتی در مورد منابع طبیعی افغانستان را فراهم ساختند. سروی جیولوژیک ایالات متحده، یک سروی هوایی نیز براه انداخت که در آن برعلاوهٔ شناسایی مناطق جدید ، نقاطی را که روس ها منحیث ساحات بالقوهٔ معدنی شناسایی نموده بودند، و ارزش براه اندازی تفحصات و مطالعات امکانپذیری را داشت، تایید کرد.[۲]

منابع معدنی افغانستان بحیث سکتوری دیده میشود که در آن ظرفیت تولید عواید بزرگ برای دولت در چند دههٔ آینده پیش بینی شده است. از این رو عواید معادن میتواند بسیاری از بخش های دولت را تمویل و در انکشاف کشور سهیم گردد. با این حال، رشد نفوذ افراد دارای روابط سیاسی میتواند منجر به تراکم پول شخصی گردیده و باعث منحرف شدن روند توسعه گردد.

در بیشتر از ۳۰۰ قرارداد معادن و هایدروکاربن که تاکنون امضاء گردیده اند، اکثریت وسیع شان توسط قدرتمندان محلی که تحت حمایت جنگسالاران فعالیت می کنند تصاحب شده اند و مابقی با اعمال نفوذ سیاسی از طریق تبادلهٔ پول، حمایت در دوران انتخابات و انواع دیگر حمایت ها بدست آمده اند. بنا برین، این پژوهش به راه انداخته شد تا اقتصاد سیاسی و پیامد های تنازعات ناشی از استخراج منابع منرالی زیر زمینی افغانستان را تحت مطالعه قرار دهد. در این تحقیق به پنج مورد قرارداد بزرگ و میانه منعقده با تجار محلی که از میان ۳۰ مورد مشابه انتخاب گردیده اند، پرداخته میشود.

این تحقیق نیازمند مصاحبه های عمیق با گروه مختلطی از مردم بود تا پیوند های سیاسی و منافع پوشیده افراد در این پروژه را مشخص نماید. در این میتودولوژی از تحقیق کتابخانه ای بخاطر فهم قوانین، مقررات، پالیسی ها، استندرد ها، قرارداد های پنجگانه و گزارش ها نیز استفاده گردید تا تخطی ها و تناقضات جریان قرارداد و تطبیق پروژه ها مشخص گردند. تحقیق همچنان شامل پیگیری اسناد بخاطر تدقیق آنها جهت انعکاس درست و صحه گذاشتن بر ادعا های مندرج در این گزارش، نیز می گردید.

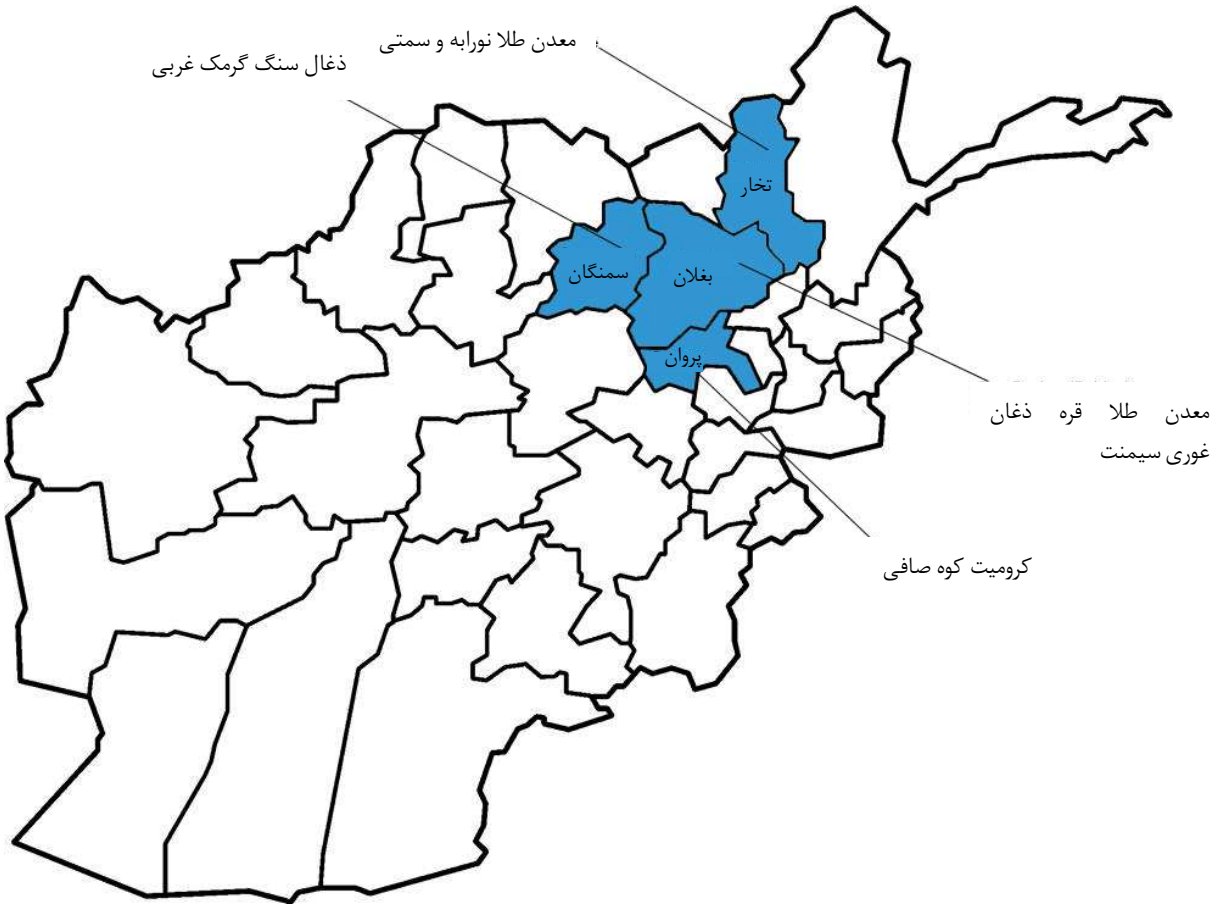
روش های بوجود آمده در نتیجه گسترش نوع سرمایه گذاری فعلی احتمالا تأثیر نامناسب بالای توسعه اقتصاد ملی و سکتور معدن

[۲] سروی جیولوژیکی ایالات متحده (http://www.usgs.gov/newsroom/article.asp?ID=3280#.VBU6sRbg-d8)

در افغانستان خواهد داشت. **یک سوال عمده در این تحقیق این است که: آیا نخبه گان سیاسی افغانستان خود را طوری جابجا نموده اند تا بتوانند از بازار آزاد در فضای متزلزل افغانستان بخاطر حراست از منافع خود و تحکیم قدرت اقتصادی و سیاسی خویش استفاده بعمل آورند؟**

پنج معدن مطالعه شده در این تحقیق که به افراد متنفذ سیاسی و فامیل های شان داده شده است عبارت اند از: سمنت غوری، طلای قره ذاغان، طلای نورآبه، کرومایت کوه صافی و معدن ذغال سنگ در گرمک غربی دره صوف ولایت سمنگان. معلومات ابتدایی در مورد این پنج معدن در جدول ۱ ذیلا شرح داده شده است. نقشه ۱ در زیر نشاندهنده معلومات خلص و بنیادی در مورد پنج مطالعه موردی میباشد و همچنین نشاندهنده موقعیت های جغرافیایی این پروژه ها در افغانستان است.

نقشه ۱: موقعیت های معادن پنجگانه



روش تحقیق

این تحقیق نیازمند مصاحبه های عمیق با گروه مختلطی از مردم بود تا پیوند های سیاسی و منافع پوشیده افراد در این پروژه را مشخص نماید. در این میتودولوژی از تحقیق کتابخانه ای بخاطر فهم قوانین، مقررات، پالیسی ها، استندرد ها، قرارداد های پنجگانه و گزارش ها نیز استفاده گردید تا تخطی ها و تناقضات جریان قرارداد و تطبیق پروژه ها مشخص گردند. تحقیق همچنان شامل پیگیری اسناد بخاطر تدقیق آنها جهت انعکاس درست و صحه گذاشتن بر ادعا های مندرج در این گزارش، نیز می گردید.

در جریان این تحقیق، ۷۰ مصاحبه مفصل با اطلاع دهندگان کلیدی از گروه های مختلفی از افراد ذیدخل و منابع در کابل، پروان، بغلان، سمنگان و تخار صورت گرفته است. هدف از این مصاحبه ها فهم بهتر از روابط سیاسی و ملکیت واقعی شرکت های استخراجی بود و همچنان میخواستیم بفهمیم که قرارداد ها چگونه اخذ می گردند و تصویر درستی از تطبیق پروژه ها بدست آوریم. همچنان میخواستیم درک نماییم که ذهنیت مردمان محل در مورد فواید و ضرر های متصور آن چه میباشد. ابتدا با تعداد اندکی از مصاحبه ها آغاز نمودیم و سپس از طریق نمونه گیری "گلوله برفی"[۳] منابع کلیدی این تحقیق را شناسایی کردیم.

بر علاوه، شواهد مستند مورد بازنگری دقیق قرار گرفته و در تحلیل گنجانیده شده است که این اسناد قرار ذیل اند: (۱) قرارداد های هر پنج معدن (که بدسترس عام از طریق انترنت قرار دارد)؛ (۲) قوانین، مقررات، پالیسی ها، استندرد های مربوطه وغیره؛ (۳) گزارش های موجود در مورد معدن ها تهیه شده توسط دولت، شرکت ها یا دیگران وغیره (۴) گزارش های مطبوعاتی و رسانه ای. روند تحلیل و تجزیه اطلاعات در اوایل یعنی مرحله جمع آوری اطلاعات آغاز گردید تا با استفاده از آن رهنمای سوالات تهیه شده و موضوعات عمده شناسایی گردد.

با استفاده از مطالعات موردی، این تحقیق توانسته است به عمق آنچه در قرارداد های معادن صورت می گیرد بپردازد و در کنار آن، ما در این گزارش به تعدادی از شیوه ها و رویکرد های حاکم در سکتور معادن را مشخص ساخته ایم. مولف تعدادی از معادن دیگر را نیز مطالعه نموده و در مورد آن آگاهی دارد. معلومات متذکره نتیجه گیری های کلی که در مورد این پنج معدن شده است را تصدیق و مستحکم تر می کند.

بعد از نهایی شدن، دیدبان شفافیت افغانستان کاپی الکترونیک و چاپ شده این تحقیق را در جون ۲۰۱۵ برای هر یک از شرکت های ذیدخل فرستاد تا فرصت بیان نظریات متفاوت برای شان داده شود. از جمله پنج شرکت، فقط دو شرکت پاسخ دادند. رییس شرکت برادران خوشک در جون ۲۰۱۵ و رییس اجرایی شرکت طلا و منرال افغان و شرکت منابع طبیعی افغان کرستال در جولای ۲۰۱۵ جوابات شان را به آدرس دیدبان شفافیت افغانستان فرستاند. پاسخ های این دو شرکت در پایان فصل مربوطه شان قرار گرفته است. در ضمن، دیدبان شفافیت افغانستان در سپتمبر ۲۰۱۵ برای شرکت های ذیدخل ایمل و نامه فرستاد و از آنها خواسته شد تا با نویسنده تحقیق و یک نماینده دیدبان شفافیت رو در رو ملاقات کرده و نظریات متفاوت شان را بیان دارند. هیچ یک از پنج شرکت به درخواست پاسخ مثبت ندادند.

---

[۳] نمونه گیری snowball (گلوله برفی) عبارت از نوع نمونه گیری است که در آن مصاحبه شونده افراد لازم برای مصاحبه (های) بعدی را معرفی می کند. گروه نمونه مانند یک snowball یا گلوله برف به معرفی منابع معلوماتی بیشتر برای تحقیق می انجامد.

۱. سمنت غوری

سمنت غوری، یک تصدی دولتی مستقر در شهر پُلخمری مرکز ولایت بغلان، پروژه بزرگی بود که در جریان سال های ۱۹۸۰ پایه گذاری گردیده و در ٢٤ ساعت ظرفیت تولید ۱۲۰۰ تن سمنت را دارا بود. این تصدی با کمک مالی و تخنیکی دولت چک سلواکیا تأسیس گردیده بود. این تصدی به تاریخ ١٤ سپتامبر ۲۰۰٦ بعد از خصوصی سازی به شرکت سرمایه گذاری افغانستان سپرده شد. این قرارداد برای مدت ٤٩ سال[٤] امضاء گردید، و این فیصله بر اساس قانون معادن سال ۲۰۰۵ که در نتیجه یک فرمان تقنینی[٥] ریاست جمهوری توشیح گردیده بود صادر شد. قانون معادن سال ۲۰۰۹ مدت حد اکثر برای قرارداد ها را ۳۰ سال اعلام می دارد؛ البته با امکان تمدید به اساس پروسیجرهای های تشریح شده در قانون معادن. قرارداد سمنت غوری همچنان مشخصآ انتقال حقوق[٦] را تضمین می کند. با این حال، ماده ۷ همین قرارداد می گوید: "اگر شرکت فعالیت خود را که در جز (۲) این ماده مذکور است، قبل از مدت معینه آن آغاز نماید، قراردادی مکلف به پرداخت حقوق کرایه متناسب با مقدار تولید از آغاز این فعالیت می گردد[۷] (این مقدار به اساس استخراج ۳ ملیون تن در سال، مقدار پوُل آن ۰,۳۳ دالر فی تن و یا معادل آن به افغانی می گردد). ظرفیت این تصدی در سال های ۱۹۸۰میلادی، ٤۳۸ هزار تن بوده است.

شرکت سرمایه گذاری افغانستان چندین سهمدار مهم دارد منجمله محمود کرزی (برادر رئیس جمهور اسبق حامد کرزی)، حاجی حسین فهیم (برادر معاون اول فقید مارشال قسیم فهیم) و غفار داوی و عبیدالله رامین (اعضای ولسی جرگه) و چند تن مهم دیگر. در زیر این قرارداد، شیر خان فرنود رئیس عامل شرکت سرمایه گذاری افغانستان و رئیس اسبق کابل بانک که در نتیجه اختلاس های صورت گرفته در کابل بانک دستگیر شده است و ابراهیم عادل وزیر اسبق معادن و پطرولیم امضاء نموده اند.[۸]

۱,۱ مکلفیت شرکت قراردادی

بند اول قرارداد سمنت غوری چنین می نگارد: "این قرارداد میان وزارت معادن جمهوری اسلامی افغانستان و شرکت سرمایه گذاری افغان غرض اجارۀ فابریکه های شماره ۱ و ۲ سمنت غوری و ساخت یک فابریکه جدید در کنار آن تحت شرایط و مواد ذیل امضاء می گردد."[۹]

تصدی سمنت غوری یک پروژه بزرگ در منطقه بود و دارای دو فابریکه تولیدی است که در سال های ۱۹۸۰ به کار آغاز نمود. واحد ۲ احتمالا در سال های ۱۹۹۰ بدلیل نبود پرزه جات از کار افتاده بوده البته واحد ۱ تا زمان واگذاری به شرکت سرمایه گذاری افغان در سال ۲۰۰٦ به کار ادامه داده بود.

تحت این قرارداد، شرکت سرمایه گذاری افغان وعده سپرد تا مقدار ابتدایی ٤٥ ملیون دالر را سرمایه گذاری نماید و از طریق آن

---

[٤] http://MoMP.gov.af/Content/files/Mineral%20Contracts/new_MX-2301N_20121013_183416_lr.pdf.

[٥] مصاحبه با معین وزارت معادن و پطرولیم بتاریخ ۳۱ جنوری ۲۰۱۵.

[٦] ماده ٦ قرارداد سمنت غوری با شرکت سرمایه گذاری افغان.

[۷] ماده ۷ قرارداد غوری با شرکت سرمایه گذاری افغان.

[۸] قرارداد قدیمی امضاء شده میان وزارت معادن و پطرولیم و شرکت سرمایه گذاری افغان تاریخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۰٦.

[۹] همان.

فابریکه های ۱ و ۲ که ظرفیت تولید ۳۳۰ و ۱۰۰۰ تن را در روز داشتند بازسازی کند. بر علاوه، این شرکت پول بیشتری را بخاطر ساخت یک فابریکه (شماره ۳) جدید که ظرفیت تولید ۳۰۰۰ تن در روز را داشته باشد را باید تا ختم سال سوم قرارداد (۲۰۰۹) جلب و جذب می کرد. شرکت سرمایه گذاری افغان وعده سپرد تا مطالعات تخنیکی خود را در ظرف ٦ ماه تکمیل نماید و سپس در ظرف دو نیم سال دیگر فابریکه های ۱ و ۲ را بازسازی کند. این وعده ها در قرارداد سمنت غوری[۱۰] درج میباشد. شرکت سرمایه گذاری افغان همچنان مکلف است تا مقدار ۱ ملیون دالر در سال بحیث کرایه جایداد موجود در تصدی سمنت غوری را پرداخت نماید و در کنار آن مقدار ۱٫۵ ملیون دالر را بحیث تضمین برای تکمیل فابریکه های ۱ و ۲ بپردازد. شرکت همچنان وعده سپرد تا مقدار ۵۰۰ هزار دالر را برای حفاظت از محیط زیست پرداخت کند. و بالاخره، شرکت وعده سپرده تا سرمایه گذاری های اجتماعی را نیز روی دست بگیرد از قبیل ساخت کلنیک ها، کلوپ های ورزشی، یک مرکز تفریحی و فرهنگی، یک کتابخانه و یک کودکستان برای کارگران و اهالی محل.

به گفته وزیر اسبق معادن ابراهیم عادل معادن ذغال سنگ کرکر و دودکش همراه با سمنت غوری به شرکت سرمایه گذاری افغان سپرده شده بود.[۱۱] عادل علاوه می کند که فابریکه ۳ که باید دارای تولید ۳۰۰۰ تن در روز می بود تحت این قرارداد لازمی پنداشته شد. بناءً هر نوع تخلف دراین زمینه باید همراه با فشار لازم بالای شرکت میبود تا تعهدات قرارداد خود را تکمیل می نمود و یا در غیر آن صورت قرارداد فسخ می گردید. شرکت سرمایه گذاری افغان مکلف بود تا در ختم سه سال حق الامتیاز ۴۴۰۰ تن سمنت در هر روز را بپردازد. وزیر اسبق آقای عادل می گوید که افغانستان هر ساله به ۴ ملیون تن سمنت نیاز دارد (چه از منابع داخلی و یا خارجی). این هدف اصلی خصوصی سازی شرکت سمنت غوری بوده است. گزارشگری بنام جوناتن ایس لاندی در جریان کار برای **McClatchy DC** این موضوع را تأیید نموده می گوید که بازار سمنت در افغانستان تحت تأثیر سمنت پاکستانی قرار دارد.[۱۲] افغانستان فعلا سمنت مورد نیاز خود را از پاکستان و ایران وارد می کند. شرکت همچنان مکلف است تا در بدل هر تن ۱٫۰۴ دالر حق الامتیاز بپردازد. این مقدار نیز برای دائم تعیین گردیده که خود به نفع شرکت تمام میشود.

به گفته یکی از کارمندان اسبق وزارت معادن و پطرولیم که پیشنهاد شرکت سرمایه گذاری افغان را مطالعه نموده است، این شرکت تعهد نموده است که مقدار ۱۲ ملیون دالر را در معدن ذغال سنگ کرکر و دودکش نیز سرمایه گذاری نماید البته در این زمینه تاکنون هیچ کاری ننموده است.[۱۳] این در حالیست که ماده ٦ قرارداد ذغال سنگ با شرکت سرمایه گذاری افغان به همین مسئله می پردازد.[۱٤] از این شرکت توقع میرود که در جریان یک سال حد اقل ۱ ملیون تن ذغال از معادن کرکر و دودکش استخراج نماید و با استفاده از آن فابریکه های سمنت را فعال سازد. محقق به یک گزارش تولید شرکت سرمایه گذاری افغان دسترسی یافته است که نشان میدهد این شرکت بخاطر تولید ۴۱۴۰ تن سمنت حدود ۱۲٦۲ تن ذغال مصرف نموده بود. این بدان معناست که با یک ملیون تن ذغال، شرکت سرمایه گذاری افغان میتواند ۳۲۸۰۵۰۷ تن سمنت را تولید نماید. فابریکه سمنت غوری و ظرفیت تولیدی

---

[۱۰] قرار داد سمنت غوری

[۱۱] مصاحبه با ابراهیم عادل ٦ جنوری ۲۰۱۴.

[۱۲] جوناتن ایس لاندی، McClatchy DC ۱۴ نوامبر ۲۰۱۰.

[۱۳] مصاحبه با کارمند اسبق وزارت معادن و پطرولیم که بدلایل امنیتی نخواست اسمش فاش شود. تاریخ ۲۴ جنوری ۲۰۱۴.

[۱٤] ماده ٦ قرارداد ذغال سنگ با شرکت سرمایه گذاری افغان (http://mom.gov.af/Content/files/Mineral%20Contracts/new_MX-2301N_20121013_183327_lr.pdf)

آن توسط متخصصین چک سلواکیایی با در نظر گرفتن ذخایر ذغال سنگ در کرکر و دودکش ساخته شده بود.[۱۵] به گفته ابراهیم عادل، شرکت باید تا حال سمنت مورد نیاز را تولید می نمود. اما این کار هنوز نشده است. [۱۶] با این حال، اتهامات مبنی بر خویش خوری و واسطه بازی و فساد در زمینه این قرارداد وجود دارد.

همانطوری که قبلا ذکر شرکت سرمایه گذاری افغان قرارداد دو معدن ذغال سنگ را نیز بدست آورده است. این شرکت ذغال های استخراج شده ازین معادن را بحیث یک کالا در بازار عرضه می کند و بشکل مواد خام از آن استفاده نمی کند. سمنت غوری را به مشکل میتوان در بازار ها یافت، در حالیکه ذغال کرکر و دودکش در فابریکه های سمنت پاکستان بطور وسیعی استفاده میشوند (سمنت پاکستانی فعلا بازار های افغانستان را در انحصار خود در آورده است).

با در نظرداشت این موضوعات، لازم است تا ضعف های موجود در تهیهٔ قرارداد سمنت غوری را ذیلا ذکر نمود:

- این قرارداد حاوی دو فعالیت متفاوت از یک دیگر است – یعنی تولید سمنت و استخراج معادن ذغال سنگ – همراه با وسایل تصدی سمنت غوری. ذخایر تثبیت شده در هر دو معدن ذغال وجود دارد زیرا در گذشته نیز آنها مورد استخراج قرار گرفته اند. ذغال منحیث مواد خام برای شرکت سرمایه گذاری افغان غرض تولید سمنت فقط در مقابل حق الامتیاز ۸ دالر در تن پیشنهاد شده، در حالیکه شرکت های دیگر غرض عرضه در بازار آزاد تا ۳۵ دالر در تن حق الامتیاز می پردازند. شرکت سرمایه گذاری افغان توانست این ذغال را به قیمت بسیار پائین بدست آورد؛ عمدتا بخاطر داشتن نفوذ سیاسی.
- سقف استخراج ذغال در کرکر و دودکش یک ملیون تن در سال میباشد که برای دو برابر حد اعظمی تولید سمنت در هر سه واحد شرکت سرمایه گذاری افغان، در صورت فعالیت این شرکت، کافی میباشد، اما هیچ نوع جلوگیری از فروش ذغال در بازار های آزاد صورت نمی گیرد.
- ماده ۱۰ این قرارداد به مطالعات تخنیکی و اقتصادی معادن می پردازد در حالیکه این کار قبلا توسط روسها انجام شده.
- ماده ۱۹ به مکلفیت های مالی شرکت می پردازد اما این شرایط بسیار ضعیف است. فقط یک بار به پرداخت های ماهوار اشاره میکند و هیچ ذکری از روز مشخص در جریان ماه نمیکند.
- ماده ۲ قرارداد سمنت در ویب سایت وزارت معادن واضحا فابریکه سوم برای تولید سمنت را ذکر می کند، باید خاطر نشان ساخته شود که ساخت فابریکه سوم مطابق مواد قرارداد لازمی میباشد.[۱۷]
- ماده ۳۱ فروش جایداد را منع می کند البته به موضوع کرایه دهی جایداد ها بخاطر اهداف غیر از تولید سمنت نمی پردازد.

۱,۲ تطبیق پروژه

به گفته یکی از کارمندان ارشد این شرکت، شرکت سرمایه گذاری افغان فعلا ۱۲۰۰ تن سمنت در روز تولید می کند. یکی از کوره های فابریکه ۱ فعال است و کوره دومی آن زیر ترمیم میباشد؛ در عین حال فابریکه ۲ با تمام ظرفیت فعال میباشد.

---

[۱۵] مصاحبه با یک انجینیر ارشد که نخواست نامش افشا شود. تاریخ ۷ جنوری ۲۰۱٤.

[۱۶] همان.

[۱۷] قرار داد سمنت غوری (http://mom.gov.af/Content/files/Mineral%20Contracts/new_MX-2301N_20121013_183416_lr.pdf)

[18] هیچ نوع معلومات در مورد مقدار دقیق تولید سمنت در شرکت سرمایه گذاری افغانستان وجود ندارد و فابریکه ۳ هیچگاه ساخته نشده است. به گفته یکی از کارمندان ارشد این شرکت، شرکت سرمایه گذاری افغان دو کلنیک ساخته است، یکی از این کلنیک ها در نزدیکی معادن کرکر و دودکش قراردارد و کلنیک دیگر در نزدیکی فابریکه سمنت. این شرکت همچنان دو میدان ورزشی ساخته است، یکی از آنها در نزدیکی فابریکه سمنت قرار دارد و دیگری به گفته عده ای از کسان مورد استفاده اختصاصی والی ولایت قرار دارد.[19]

فعالیت های این شرکت نشانگر تخلف در تعهد های این قرارداد میباشد. یک عضو ارشد ریاست معادن بغلان به شرط اینکه نامش فاش نگردد، معلومات ذیل را به ما سپرده است:

> *معادن ذغال کرکر و دودکش و سپس معادن آهن دره و خورد دره در بغلان، توسط وزیر اسبق معادن و پطرولیم به شرکت سرمایه گذاری افغان بحیث منبع مواد خام سپرده شده بود. همچنان جنگلات اطراف این معادن نیز به همین دلیل مورد استفاده قرار می گرفت. این دو قرارداد بدون کدام داوطلبی و یا اینکه از شرکت های دیگر در زمینه دعوت صورت بگیرد توسط وزارت معادن به این شرکت سپرده شد. با این حال، هیچ قرارداد در دینابیس وزارت معادن و پطرولیم در مورد این معادن وجود ندارد.* [20]

کارمندان اسبق وزارت معادن و پطرولیم میگویند که این شرکت اجازه فروش ذغال های کرکر و دودکش را در بازار های آزاد ندارد[21].

در واقع، این شرکت ذغال ها را از کرکر و دودکش استخراج نموده و سپس آن را در بازار های باز به تجار مختلف فروخته است. بر علاوه، این شرکت چوب را نیز قطع نموده و بجای آنکه از آن در معادن ذغال منحیث بدنه استفاده نماید، در بازار های آزاد آن را فروخته است. [22]

یک کارمند دیگر که در شرکت سمنت غوری برای مدت زیادی کار نموده است می گوید که فابریکه ۱ این شرکت از سال های ۱۹۸۰ بدینسو فعال بوده است و در زمان واگذاری آن به شرکت سرمایه گذاری افغان نیز این فابریکه فعالیت می نمود. شرکت سرمایه گذاری افغان در سال ۲۰۰۷ به مقدار ٤٨٠٠٠ تن ذغال استخراج نمود.[23] همچنان شواهد نیز وجود دارد که نشان میدهد شرکت سرمایه گذاری افغان ٤١٤٠ تن سمنت تولید می کند (در سپتامبر ۲۰۰۷) و ۱۲٦۳ تن ذغال را در تولیدات سمنت به مصرف می رساند.[24] این پروژه قبل از واگذاری نیز برای دولت عواید داشت و بعد از واگذاری نیز از همان روز اول برای شرکت عواید آورده است.[25] این شرکت باید بدهی های خود از بابت کرایه و حق الامتیاز ها از سال ۲۰۰٦ را بپردازد. یک کارمند ارشد دیگر از وزارت معادن میگوید که دولت به شکل مخفی برای سه سال مالیات این شرکت را معاف نموده است، این در حالیست که فابریکه سمنت تولیدات داشت و شرکت سرمایه گذاری افغان در آن هیچگونه سرمایه گذاری ننموده است.

---

۱۸ جواب به ایمیل های فرستاده شده به عبدالوکیل، کارمند سمنت غوری، بتاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۳.

۱۹ پاسخ های سوالنامه توسط شرکت سرمایه گذاری افغان، بتاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۳.

۲۰ http://mom.gov.af/en/page/1384 (dated January 30, 2015).

۲۱ مصاحبه با یک کارمند ارشد وزارت معادن و صنایع که نخواست نامش فاش گردد ، ٦ جنوری ۲۰۱۴.

۲۲ مصاحبه با یک کارمند ارشد وزارت معادن، بتاریخ ۱۳ نوامبر ۲۰۱۳.

۲۳ مصاحبه مولف با یکی از کارمندان ارشد تصدی غوری که نخواست نامش افشا شود.

۲۴ اسناد مربوط به تولیدات روزمره از سپتامبر ۲۰۰۷.

۲۵ مصاحبه با یک انجینر ارشد در ولایت بغلان، بتاریخ 20 دسامبر ۲۰۱۳.

به گفته کارمندان ارشد دولتی، شرکت سرمایه گذاری افغان هیچ نوع پول بالای فابریکه ۱ مصرف ننموده و ١٦ ملیون دالر اختصاص داده شده برای فابریکه ۲ را نیز مصرف نکرده. این درحالیست که شرکت متذکره تنها ۲۵ درصد (٤ ملیون دالر) برای بازسازی آن نیاز داشت. به نظر میرسد که شرکت در حجم مصرفی سرمایه گذاری مبالغه نموده درحالیکه مصارف متذکره را شرکت میتوانست با فروش سمنت دوباره بدست آورد اما چنین به نظر می رسد که شرکت میخواست تا با نشان دادن درآمد کمتر از پرداخت درست مالیات طفره برود.

شرکت سرمایه گذاری افغان مدعی است در ابتدا ٤٥ ملیون دالر در این پروژه سرمایه گذاری کرده است. در سال ۲۰۱۲ شرکت سرمایه گذاری افغان در آستانه ورشکست نزدیک شد . طلوع نیوز در اوایل ۲۰۱۲ گزارش داده که این شرکت با مشکل ورشکستگی مواجه است.[٢٦] یک منبع نزدیک به سهمداران ارشد شرکت سرمایه گذاری افغان میگوید که این شرکت فقط ۱۰ ملیون دالر سرمایه داشت و میخواست تا پُول بیشتر بخاطر کار روی این پروژه را بسیج نماید. این شرکت همچنان از عدم همکاری دولت در راستای دریافت قرضه نیز شکایت نموده است. قرارداد شرکت سرمایه گذاری افغان این شرکت را مکلف به سرمایه گذاری ٤٥ ملیون دالر در این پروژه نموده است. ظاهرا همه این شرایط نوع از فریب بخاطر بدست آوردن قرارداد بوده است.

بتاریخ ٦ مارچ ۲۰۱۰، این شرکت مقدار ۱۱ ملیون دالر قرضه از عزیزی بانک دریافت نمود تا فابریکه ۲ را بازسازی نماید. تاکنون این شرکت نتوانسته است تا پُول متذکره را پس دهد. خبرگزاری پژواک چنین شرح می دهد:

> *مقدار ۴۵۰۰۰۰۰ دالر توسط بانک ملی افغان، ۲۲۰۰۰۰۰ دالر توسط افغان یونایتید بانک ، ۲۱۸۵۷۵۰ دالر توسط پشتنی بانک، و مابقی ۲ ملیون دالر قرضه توسط عزیزی بانک پرداخته شده است.*
>
> *اسناد در بانک ملی افغان نشان میدهد که ۴۵۰۰۰۰۰ دالر قرضه تحت شماره ۸۰۱۰۷ بتاریخ ۲۰۱۰/۳/٦ به شرکت سرمایه گذاری افغان پرداخته شده است و قرارداد تفاهمی چنین شرح میدهد که سود از دسامبر ۲۰۱۰ پرداخته شود اما هیچ مقدار پول در جواب آن داده نشده است.*
>
> *طی نامه های ارسال در ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ ، بانک ملی افغان از محمود کرزی و حصین فهیم خواسته بود تا بدیهی ها و سود پول های قرضه را با در نظرداشت قرارداد تفاهم شده بپردازند.*
>
> *یک نامه دیگر از بانک ملی افغان که در تفاهم و مشوره با عزیزی بانک فرستاده شده است میگوید که مقدار ۴۵۰۰۰۰۰ دالر قرضه از سوی بانک ملی افغان تحت شماره ۸۰۱۰۷ به شرکت سرمایه گذاری افغان پرداخته شده است. به نماینده گی از سایر بانک ، عزیزی بانک از شرکت سرمایه گذاری افغان تقاضا نموده است تا قرضه ها را همراه با سود ماهوار آن برگرداند.*[۲۷]

از این شرکت توقع می رفت تا فابریکه شماره ۳ را در ظرف سه سال ایجاد نماید اما چنین نکرد و اکنون این امر از طریق داوطلبی توسط وزارت معادن از سرمایه گذاران دیگر خواسته شده است.[۲۸] این نقض ماده ۱۱ قرارداد میباشد. منابع رسمی در شرکت سرمایه

---

[٢٦] طلوع نیوز ۲۰۱۲ «فابریکه سمنت غوری با مشکل ورشکستگی مواجه است»، تاریخ ۱۲ می ۲۰۱۲
.http://www.tolonews.com/en/business/6196-ghori-cement-plant-faces-bankruptcy

[۲۷] خبرگزاری افغانی پژواک، محمود کرزی، حسین فهیم "هنوز هم باید قرضه های شان را بپردازند" بتاریخ ۹ دسامبر ۲۰۱۳
http://www.mines.pajhwok.com/news/mahmud-karzai-haseen-fahim-yet-return-due-banks%E2%80%99-loan

[۲۸] مصاحبه با انجینیر مجرب و ارشد معادن در تصدی غوری، تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۳.

گذاری افغان میگویند که شرکت ۳۰ ملیون دالر را بخاطر فعال سازی فابریکه ۱ و فابریکه ۲ به مصرف رسانیده است که خود در تناقض با گفته های کارمند ارشد تصدی چنانچه در بالا خواندید میباشد. فابریکه ۳، با ظرفیت ۳۰۰۰ تن تولید در روز، یکی از عوامل مهم در تصمیم دولت مبنی بر واگذاری این قرارداد بود. البته این توافق توسط شرکت سرمایه گذاری افغان مراعات نگردید. لندی در گزارش خود موضوع ذیل را خاطر نشان می سازد:

> *یک مطالعه انجام شده توسط یک نهاد امریکایی تخمین می زند که مصرف مدرن سازی فابریکه سمنت (ساخت شوروی) در حدود بیشتر از نیم ملیارد دالر میباشد اما این شرکت فقط ۲۲،۲۵ ملیون دالر پول را برای این امر هزینه نموده است. سهمداران همچنان مقدار شبیه آن را از کابل بانک وام گرفته اند در جایکه محمود کرزی و حسین فهیم شرکا میباشند. با این حال، کابینه رئیس جمهور کرزی قرارداد اجارهٔ ۴۹ سالهٔ فابریکه و معادن دولتی متذکره را در سال ۲۰۰۶ منظور نمود.*[۲۹]

منابع که نخواستند نام شان افشاء گردند میگویند که مدیریت شرکت سرمایه گذاری افغان با یک ائتلاف تولید کننده گان سمنت (کنسورسیم) پاکستانی توافق نمود تا در مقابل پرداخت پُول کمیشن از ساخت فابریکه شماره ۳ انصراف نمایند تا در نتیجه سمنت پاکستانی بتواند بازار افغانستان را همچنان اشغال نماید. این مساله توسط یکی از تجار ارشد دیگر نیز تأیید گردیده است. وی میگوید که آقایان محمود کرزی و حسین فهیم از هر لاری سمنت که از ایران و پاکستان وارد می گردد مقدار مشخصی کمیشن دریافت می کنند.[۳۰] با این حال، یک تاجر دیگر میگوید که تولید کننده گان خارجی سمنت شرکت سرمایه گذاری افغان را بخاطر عدم ساختن فابریکه شماره ۳ کمیشن میدهند. این شک با گفته های یکی از کارمندان ارشد وزارت معادن و پطرولیم تقویه گردید که میگوید: "اتهام کمیشن بسیار ممکن است زیرا این شرکت با بازسازی ننمودن فابریکه شماره ۳ کیفیت تولید این کالا را به حد پائین آورده است که هیچ کس علاقه مندی به خرید آن را ندارد." [۳۱] حکایت اخذ کمیشن توسط محمود کرزی و حسین فهیم توسط یکی از کارمندان ارشد و بلند پایهٔ وزارت معادن و پطرولیم نیز تأیید گردیده است.

محمود کرزی سپس سهم خود در شرکت سرمایه گذاری افغان را به مالک عزیزی بانک در ربع اول سال ۲۰۱۱ فروخت تا ظاهرا قرضه های خود از کابل بانک را پرداخت کند.[۳۲] مهم است تا خاطر نشان سازیم که محمود کرزی مقدار ۱۱ ملیون دالر قرضه را برای شرکت سرمایه گذاری افغان از عزیزی بانک نیز اخذ نموده بود. این ارتباط نزدیک و حمایت عزیزی بانک از شرکت سرمایه گذاری افغان را میتوان در شراکت این دو نهاد در شرکت ساختمانی اونکس نیز مشاهده کرد که یکی از شرکت های بزرگ شهرک سازی و برج های رهایشی و تجاری در کشور میباشد. این امر، میتواند سوالاتی را در مورد روند داوطلبی این پروژه ها نیز بوجود آورد بخصوص با در نظرداشت اینکه هوتک گروپ یکی از داوطلبان بازنده در قرارداد سمنت غوری مربوط به عزیزی بانک میباشد.[۳۳]

کارمندان ارشد که به پروپوزل شرکت سرمایه گذاری افغان دسترسی دارند و آنانیکه فکر می کنند نفوذ سیاسی در بدست آوردن این قرارداد موثر بوده است میگویند که قراداد تصدی سمنت غوری از طریق روابط سیاسی بدست آمده و اینکه رهبری ارشد حکومت در راستای اعمال نفوذ در این زمینه تأثیر گذار میباشد. اسم چندی از رهبران بسیار ارشد حکومت در آن زمان در جریان تحقیق به

---

[۲۹] جوناتان اس لاندی ۲۰۱۰.

[۳۰] مصاحبه با یکی از تجار ارشد که روابط نزدیک با سهامداران شرکت سرمایه گذاری افغانستان دارد، تاریخ ۲۲ جنوری ۲۰۱۴.

[۳۱] مصاحبه با یک کارمند ارشد وزارت معادن که نخواست نامش فاش گردد، بتاریخ ۹ جنوری ۲۰۱۴.

[۳۲] بیوگرافی های افغانی

(http://www.afghanbios.info/index.php?option=com_afghanbios&id=39&task=view&total=3055&start=54&Itemid=2).

[۳۳] جدول رقبای داوطلبی تصدی سمنت غوری ارائه شده توسط وزارت معادن، سالهای ۱۳۸٤ – ۱۳۸۵.

چشم می خورد. یک منبع دیگر که نخواست نامش افشا شود میگوید که کارمندان ارشد وزارت معادن، در واقع، به شرکت سرمایه گذاری افغان قرارداد سفید را داده بودند تا این شرکت آن را خانه پُری نموده به وزارت بر گرداند. مولف بخاطر تصدیق این امر شخصآ یک کاپی قرارداد سفید سمنت غوری را مطالعه نموده است. این قرارداد شامل خانه های خالی زیادی روی سند بود و در ختم آن امضاء های وزیر معادن و شیر خان فرنود دیده میشد.

افغانستان سالانه ٤ ملیون تن سمنت از پاکستان و ایران وارد می کند. سمنت غوری ظاهرا بدان ملحوظ خصوصی سازی گردیده بود تا جلو واردات سرسام آور سمنت از کشور های همسایه گرفته شود. ظرفیت قبلی سمنت غوری ۱۲۰۰ تن در روز بود و انگیزۀ افزایش این ظرفیت به ٤٤۰۰ تن سمنت در روز این بود تا واردات سمنت حد اقل به ۲,٤ ملیون تن کاهش داده شود.

بعضی از امتیاز های داده شده به شرکت سرمایه گذاری افغان به حدی ست که بسا استندرد های بنیادی را نیز زیر پا می کند. اولین نمونه آن این است که شرکت سرمایه گذاری افغان خواستار سه سال مرحله مطالعاتی قبل از استفاده از فابریکه های تصدی غوری گردید در حالیکه این تصدی قبل از خصوصی سازی نیز ٤۸۰۰۰ تن سمنت در سال تولید می نمود. چنانچه گفته شد، اسنادی است که نشان میدهد این شرکت در هر ماه بین ٤ الی ٥ هزار تن سمنت تولید می نموده است. در پاسخ به یک سوال، اداره این شرکت ادعا می کند که تولید را در سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ آغاز نموده است. این بدان معناست که از سال ۲۰۰٦ الی ۲۰۰۹ این شرکت هیچ نوع حق الامتیاز و پُول در مقابل تولیدات خود نپرداخته است.

۱,۳ تناقضات و تخلفات

مساله فابریکه ۳ چنانچه در بستۀ سمنت غوری وعده داده شده است: ساخت فابریکه ۳ با ظرفیت تولیدی ۳۰۰۰ تن در روز یکی از تعهدات کلیدی قراردادی شرکت سرمایه گذاری افغان بود. اداره این شرکت دولت را در عدم همکاری با شرکت در راستای تهیه قرضه برای پیشبرد این پروژه متهم می نماید. شرکت در پیشنهاد خویش گفته بود که شرکت سرمایه گذاری افغان دارای ٤٥ ملیون دالر سرمایه میباشد. ماده ۱۱ قرارداد میگوید که شرکت در واحدهای موجود و جدید ۱٤۰ ملیون دالر سرمایه گذاری می کند.[۳٤] درج این تعهد بزرگ مالی در پیشنهاد وسیله ای بخاطر برنده شدن از بهترین رقیبان داوطلبی با وعده های سرمایه گذاری بیشتر و آوردن عواید بیشتر برای دولت میباشد. اما در واقع کمتر کاری در این زمینه انجام شده است. چنین بنظر می رسد که تعهد در مورد فابریکه ۳ عنصر جاذب و دلخواه پیشنهاد برای تیم ارزیابی کننده از سوی دولت افغانستان بوده است. ظرفیت مشترک هر سه فابریکه سمنت، چنانچه در این قرارداد آمده است، باید تولید داخلی سمنت را افزایش میداد و از زیان چندین صد ملیون دالر واردات سمنت در کشور جلوگیری می کرد. دولت اکنون فابریکه شماره ۳ را به داوطلبی سپرده است اما شرکت سرمایه گذاری افغان بخاطر تخلف در تعهدات شان را تنبیه ننموده است. وزارت معادن واضح نساخته است که آیا به شرکت سرمایه گذاری افغان بدلیل تخلف در تعهداتش در قبال فابریکۀ ۳، اجازه استفاده از امکانات سمنت غوری را میدهد یا خیر. به گفته ابراهیم عادل، وزیر اسبق معادن، در صورت عدم ساختن فابریکه ۳، قرارداد باید ملغا اعلام می گردید.[۳٥]

نقض حقوق کارگران: در زمان امضای قرارداد شرکت امکانات تصدی سمنت غوری را تصاحب نمود بشمول افرادی که در آنجا کار مینمودند. حل منازعات یکی از مکلفیت های عمده این قرارداد است.

---

[۳٤] قرارداد سمنت غوری.

[۳٥] مصاحبه با ابراهیم عادل، وزیر اسبق معادن و پطرولیم که قرارداد سمنت غوری را در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۳ امضاء نمود.

کارمندان شرکت سرمایه گذاری افغان میگویند که آنها کار با تصدی دولتی سمنت غوری را ترجیح می دادند. بعضی از کارمندان این شرکت بخاطر پائین بودن سطح معاشات شان شاکی هستند. آنها می گویند که مقدار ٦٠٠٠ افغانی در ماه بحیث معاش برای پیشبرد زندگی آنها کافی نیست.[٣٦] تصدی ملی غوری سمنت زمانی که توسط دولت اداره میشد، برای هر کارگر ٢٠٠٠٠ افغانی در ماه معاش تعیین نموده بود.

بعد از امضای قرارداد، شرکت سرمایه گذاری افغان ١٠٠٠ کارگر این نهاد را جبرا به تقاعد سوق نمود بدون اینکه معاوضه ای برایشان بپردازد. در این میان کسانی هم بودند که ٣٠ سال در این نهاد کار نموده بودند و مستحق امتیازات تقاعد میباشند.[٣٧] کارمندانی که مدعی هستند برکناری شان خلاف قانون بوده است دست به تظاهرات زدند تا شرکت را با فشار وادار به پرداخت تقاعدی شان نمایند. در قرارداد آمده است که شرکت سرمایه گذاری افغان مکلف است تا منازعات را مطابق اطمینان خاطر طرفین الی ٦٠ روز حل و فصل نماید.[٣٨] شرکت سرمایه گذاری افغان همچنان از تعهدات خود در زمینه حل بحران طفره رفته است. یکی از منابع نزدیک به شرکت میگوید که مسئولین این شرکت در ابتدا خواستند تا با استفاده از زور کارگران را تهدید نمایند اما زمانیکه موفق به این کار نشدند از موقف خود عقب نشینی نمودند.[٣٩] کارمندان ارشد در ریاست معادن ولایت بغلان میگویند که رسول خان عضو شورای ولایتی که بعدا در نتیجه یک حمله انتحاری به قتل رسید، با جدیت شرکت سرمایه گذاری افغان را تحت فشار قرارداد تا پُول تقاعدی کارگران را بپردازد. و بالاخره در نتیجه این فشار ها پُول این افراد پرداخته شد.[٤٠]

موضوعات مطرح شده توسط وزارت معادن و پطرولیم که در اینجا ذکر گردیده بشکل خوبی مستند میباشد؛ بشمول اینکه چگونه مواد قرارداد توسط شرکت نقض گردیده است. این اسناد توسط کمیته اقتصادی دولتی افغانستان تحت ریاست معاون دوم ریاست جمهوری شریک ساخته شده است و شماره آن ٨٢٦/٦٠٧ تاریخ ١٣٩٠/٢/٧ میباشد. در عین حال، کمیسیون بین الوزارتی جلسه ای با حضور شرکت سرمایه گذاری افغان برگزار نموده بود تا به این مسایل پایان داده شود. این کمیسیون سپس تصمیم مشخص در این زمینه گرفت اما این تصمیم با مردم شریک ساخته نشد.

تعهدات توسعوی و تخلفات: پروژه های انکشافی که شرکت تکمیل آن را وعده سپرده بود، مطابق مواد قرارداد اجراء نشده اند. کلوپ های قدیمی که از جمله املاک تصدی سمنت غوری میباشد، بازسازی گردیده و بحیث پروژه های سرمایه گذاری اجتماعی توسط شرکت سرمایه گذاری افغان به نمایش گذاشته شده بودند. یکی از میدان های ورزشی که این شرکت ادعا ایجاد آن برای کارگران خود را دارد، به گفته منابع، مورد استفاده والی ولایت قرار دارد. کلینیک ها، کتابخانه ها و مراکز تفریحی و فرهنگی شامل در قرارداد که بخاطر رشد ظرفیت در این نهاد پیش بینی شده بود، ساخته نشده است.

املاک کرایی تصدی: ماده ٣١ قرارداد مانع فروش املاک تصدی می باشد. شرکت باید ١ ملیون دالر سالانه بحیث کرایه فابریکه سمنت و وسایل آن همچنان مقدار ٣٠٠ هزار دالر بخاطر زمین و ساحه ذغال سنگ کرکر و دودکش بپردازد. هرچند شرکت از پرداخت مالیه برای سه سال معاف گردیده بود، با این حال مکلف به پرداخت کرایه بخاطر استفاده از زمین و وسایل میباشد.[٤١]

---

[٣٦] طلوع نیوز ٢٠١٢.

[٣٧] مصاحبه با معیین اسبق معادن، بتاریخ ٣١ جنوری ٢٠١٥.

[٣٨] قرارداد سمنت غوری ٢٠٠٦.

[٣٩] کارمند ارشد وزارت معادن که نخواست نامش افشا شود.

[٤٠] مصاحبه با یک کارمند ارشد ریاست معادن ولایت بغلان که نخواست بدلایل حساسیت موضوعات نامش افشا شود، بتاریخ ٢٣ دسامبر ٢٠١٣.

[٤١] ماده ١١، بند ٢. قرارداد سمنت غوری.

البته، بر اساس گزارش سال ۱۳۹۰ که توسط وزارت معادن و پطرولیم در اختیار سکرتریت ابتکار شفافیت صنایع استخراجی افغانستان قرار گرفته است، شرکت سرمایه گذاری افغان حق الامتیاز، کرایه و یا دیگر بدیهی های خود را نپرداخته است.[۴۲]حق الامتیاز استخراج ذغال، تولید سمنت و کرایه املاک از سال ۲۰۰۶ بدینسو نیز از طرف شرکت به دولت پرداخته نشده است. بر علاوه، این شرکت املاک مورد استفاده تصدی اسبق را به شرکت های تجارتی دیگر در مقابل کرایه واگذار نموده است که خود در تناقض با مواد قرارداد میباشد.[۴۳]

مبالغه در حجم سرمایه گذاری: شرکت در حجم سرمایه گذاری صورت گرفته در تصدی سمنت غوری،گزاف گویی نموده است. منابع نزدیک به شرکت سرمایه گذاری افغان میگویند که این شرکت ۱۶ ملیون دالر را بخاطر فعال سازی فابریکه دوم مصرف نموده است در حالیکه در جواب به استعلام، معلومات رسمی ارائه شده توسط کارمندان این شرکت مدعی ست که آنها ۳۰ ملیون دالر در این زمینه مصرف نموده اند.[۴۴] سرمایه گذاری را میتوان توسط عواید از بابت فروش سمنت دوباره بدست آورد. به این شکل پول عواید ۱۴ ملیونی که تابع مالیات میباشد، نشان داده نشده است، و به حساب های شخصی واریز شده است. به گفته یکی از کارمندان ارشد وزارت معادن و پطرولیم، این شرکت هنوز هم ۱۲۰۰ تن سمنت در روز تولید نمی کند، ازینرو ادعای سرمایه گذاری ۳۰ ملیون دالری آن در ذات خود سوال برانگیز است.[۴۵]

تحریف قرارداد: بعضی از تعدیلات در قرارداد وارد شده است که با عامه مردم شریک ساخته نشده است. عدم کارآیی شرکت سرمایه گذاری افغان مورد توجه وزارت معادن قرار گرفته بود و این مسئله به کمیسیون بین الوزارتی نیز گزارش داده شده بود. بجای اینکه شرکت بخاطر عدم پیروی از قرارداد جریمه گردد، معادن ذغال سنگ واقع در آهن دره و خورد دره نیز به این شرکت سپرده شد و در عین حال قرارداد معادن ذغال سنگ کرکر و دودکش از قرارداد اصلی سمنت غوری جدا گردید. کارمندان این شرکت میگویند که تحت شرایط قرارداد جدید، شرکت سرمایه گذاری افغان اجازه فروش ذغال در بازار های باز را دریافت نموده است. به گفتهٔ تاجران ذغال در کابل، نرخ بازاری ذغال کرکر و دودکش ۹۰ دالر در تن میباشد. بر اساس قرارداد تعدیل شده، شرکت اجازه دارد تا یک ملیون تن ذغال را در یک سال از کرکر و دودکش استخراج نموده حدود ۹۰ ملیون دالر درآمد برای این شرکت دریافت کند. مقدار ذغال استخراج شده از آهن دره تاکنون مشخص نشده است.

تناقضات مالی: شرکت سرمایه گذاری افغان یکی از فابریکه های سمنت را از همان روز های اول فعال ساخته بود اما به گفته کارمندان وزارت معادن که نخواستند نام شان افشاء گردد، این شرکت هیچ نوع حق الامتیاز به دولت نپرداخته است. شرکت سرمایه گذاری افغان باید ذغال استخراج شده را بحیث مواد خام در تولید سمنت استفاده میکرد، اما بجای آن این ذغال ها در بازار های آزاد فروخته شده است و دولت هیچ نوع عواید ازین ناحیه نداشته است. تا امروز هیچ نوع نظارت بر آن پروژه صورت نگرفته است و آمار دقیق تولید این تصدی در زمانی که این معدن توسط شرکت سرمایه گذاری افغان مدیریت میشد در دسترس قرار ندارد.

---

[۴۲] معلومات شریک ساخته شده توسط وزارت معادن و پطرولیم با **AEITI**، آگست ۲۰۱۳.

[۴۳] ماده ۳۱ قرارداد سمنت غوری (http://mom.gov.af/Content/files/Mineral%20Contracts/new_MX-2301N_20121013_183327_lr.pdf).

[۴۴] مصاحبه با انجینر استخدام شده در شرکت سرمایه گذاری افغان، بتاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳.

[۴۵] مصاحبه با یک کارمند اسبق ارشد وزارت معادن، بتاریخ 24 نومبر 2014.

۱,۴ نتیجه گیری

خصوصی سازی تصدی سمنت غوری یکی از اولین اقدامات قابل تمجید دولت به نظر می رسید اما تحقیق عمیق تر نشان میدهد که یک گروه کوچکی که از لحاظ سیاسی باهم مرتبط هستند، یکجا شده بودند تا این تصدی و امکانات آن را در اختیار خود بگیرند.

مک کلاچی، یک روزنامه مستقر در ایالات متحده امریکا در مورد پروژه سمنت غوری یک گزارش نشر نموده و از والی وقت ولایت بغلان عبدالمجید چنین نقل می کند: "کسانیکه این فابریکه را در اختیار خود گرفتند، مافیا هستند."[٤٦] گزارش مک کلاچی همچنان می نگارد که چهار تن گفته اند "این خصوصی سازی بخاطر روابط سیاسی با افراد با نفوذ دولتی ممکن شده است". همچنان به نقل از یکی از کارمندان دیگر در وزارت معادن گفته شده است که این قرارداد اشتباه بوده است. این کارمند گفته است که محمود کرزی و سهامداران دیگر در شرکت سرمایه گذاری افغان با کارمندان ارشد وزارت معادن و پطرولیم بخاطر گرفتن قرارداد های غوری و کرکر لابی گری نموده و ارتباطات ایجاد نمودند. تلاش برای گرفتن سمنت غوری توسط وزیر اسبق میر محمد صدیق رد گردیده بود که در نتیجه وی از کار برکنار و بجای وی ابراهیم عادل بحیث وزیر مقرر گردید. عادل سپس در ظرف چند روز بعد از مقرری این قرارداد را امضاء کرد.[٤٧]

این شرکت در موارد متعددی دست به نقض و تخلف زده است و سهل انگاری در تطبیق مواد مهم قرارداد، مورد بازپرس یا تحت فشار نهاد های دولتی غرض رعایت مواد قرارداد، قرار نگرفته است. همچنان حق الامتیاز پرداخته شده توسط این شرکت به مراتب پائین تر از سایر شرکت های دیگر است که در این زمینه فعالیت می کنند. قرارداد سفید این تصدی که توسط شرکت سرمایه گذاری افغان خانه پُری گردیده است خود نشانگر نقش روابط سیاسی در بدست آوردن چنین یک قرارداد بدون داشتن اندک ترین تجربه در زمینه میباشد.

استفاده از روابط سیاسی و شناخت نه تنها در نگارش قرارداد، ارزیابی پروپوزل و بدست آوردن قرارداد هویداست بلکه در جریان تطبیق این پروژه نیز به چشم می خورد. خلاصه مطلب اینکه، سمنت غوری قضیه مداخله سیاسی از سوی عالیترین مقامات در دولت در مسایل تجاری و اخذ منافع اقتصادی میباشد. سمنت غوری باعث گردید تا افراد متنفذ و خانواده های قدرتمند سیاسی تداوم شان را بالای سیستم سیاسی و چوکی های پُرقدرت افزایش دهند و منابع لازم اقتصادی بخاطر این امر را در اختیار داشته باشند.

---

[٤٦] لاندی، جوناتان ایس ۲۰۱۰. «فابریکه، معدن ذغال نشانگر این است که در تجارت افغانی روابط بیشترین اهمیت را دارا میباشند». مک کلاچی آنلاین (accessed on www.mcclatchydc.com/2010/11/14/103393/afghan-business-model-connections.html#storylink=cpy)

[٤٧] همان.

۲. طلای قره زاغان

معدن طلای قره زاغان در دره نیک پای ولسوالی دوشی ولایت بغلان قرار دارد. نیک پایان شامل حدود ۱۰ هزار فامیل در این منطقه میباشد و قره زاغان ۱۵۰ الی ۱۶۰ قریه را دربر میگیرد.[۴۸] در این منطقه اکثرا مردم اسماعیلی مذهب زندگی می کنند. یکی از باشنده گان بنام علی میگوید: "من در این منطقه کار استخراج را از ۱۲ سالگی شروع نموده ام". علی اکنون در سنین ۳۰ سالگی قراردارد. وی میگوید: «ما تکه های کوچک طلا را می یافتیم و سپس سنگی که در آن طلا را یافته بودیم را می شکستیم و سپس بعد از شستشوی مواد اصلی را بدست می آوردیم." معلومات علی از منطقه و تاریخچه کار های استخراجی ابتدایی ابزار خوبی برای شرکت افغانی است که در سال ۲۰۱۱ حق استخراج طلا در قره زاغان را بدست آورد.[۴۹]

قرارداد معدن طلا در قره زاغان بتاریخ ۱۰ جنوری ۲۰۱۱ به شرکت افغانی منابع طبیعی کرستال افغان سپرده شد. مالک این شرکت سعادت منصور نادری پسر رهبر روحانی فرقه اسماعلیه سید منصور نادری میباشد. سید منصور نادری یکی از شخصیت های معروف سیاسی است و از توانایی خوب سیاسی در دریافت راه حل های سیاسی در عمق بحران برخوردار است.

۲,۱ مکلفیت های تعریف شده در قرارداد

این قرارداد برای مدت ۱۳ سال میباشد که در آن ٦ ماه برای آماده سازی، ۲ سال برای تثبیت و ۱۰ سال برای استخراج تعیین گردیده است.[۵۰] قرارداد شرکت کرستال را مکلف میسازد تا مبلغ ۱۰۰ هزار دالر امریکایی تضمین بخاطر مصؤنیت اجتماعی و محیطی بسپارد. شرکت همچنان باید ۵۰ ملیون دالر در معدن سرمایه گذاری نماید و پلان آماده سازی خود را در ظرف شش ماه پس از امضای قرارداد گسیل دارد. تحت این قرارداد، شرکت باید یک پلان تخنیکی تثبیت، پلان مالی و پلان حفاظت از محیط زیست را ارائه کند. این پلان ها اساس پلان استخراج را تشکیل خواهند داد. مجوز استخراج مرتبط است با قبولی پلان استخراج توسط وزارت معادن و پطرولیم. شرکت کرستال همچنان باید یک گزارش تأثیرات محیطی و اجتماعی را به وزارت معادن و اداره محیط زیست بسپارد. دولت افغانستان مسئول است تا امنیت معدن را تأمین کند. این قرارداد اجازه تعدیل را تحت ماده ۵ میدهد. جناح دیگر این قرارداد وزارت معادن و پطرولیم میباشد.

ماده ۲۷، بند ۳ اذعان می دارد که شرکت کرستال نباید در فعالیت های غیر قانونی در منطقه مندرج در قرارداد مبادرت ورزد. وزارت معادن به شرکت اجازه استفاده از آب را بدون توضیح شرایط و مکلفیت های شرکت در زمینه باز پس دهی آب به مردم محل، میدهد. ماده ۳۱ قرارداد، شرکت را مکلف به مصرف ۵۰ هزار دالر امریکایی برای انکشاف اجتماعی می کند البته در مورد اینکه این پول چگونه و چه وقت مصرف گردد توضیحاتی موجود نیست.

[۴۸] مصاحبه با سرحدی، ولسوال دوشی، تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۳.

[۴۹] میرای شاه، نیوز دیسک «تلاش طلا در افغانستان». http://newsweekpakistan.com/gold-rush-in-afghanistan.

[۵۰] http://MoMP.gov.af/Content/files/Sumary-of-QaraZaghan-Gold-Contract-En-16012011.pdf.

۲,۲ ارتباطات سیاسی در زمان قرارداد

سه شرکت داوطلب طرف قرارداد قره زاغان بودند: منابع طبیعی افغان کرستال، منابع کام خیبر و ستاره طلایی. شرکت کرستال برای مرحله نهایی داوطلبی انتخاب گردید زیرا بر اساس جدول که در ذیل است، این شرکت ۸٦,۷۹ امتیاز در مقابل ۷۹,۰۸ امتیاز منابع کام خیبر و ۷۲,٦۳ امتیاز ستاره طلایی بدست آورده بود.

جدول ۱: مقایسه امتیازات داوطلبی قرارداد معدن طلای قره زاغان

شماره	اسم شرکت	سرمایه گذاری به ملیون	تولید سالانه	حق الامتیاز	خدمات اجتماعی	محیط زیست	امتیاز
1	افغان کریستال	US$50	۱,٦۲۸ تن	26%	۵۰ هزار دالر امریکایی	۵۰ هزار دالر امریکایی	86.79
2	کام خیبر	US$20	۵۰۰ کلوگرام	25%	۱۲ ملیون دالر امریکایی	٤۰ هزار دالر امریکایی	79.08
3	ستاره طلایی	US$1.0	تخمین بعد از مطالعه	15%		۱۳ درصد درآمد ناخالص	72.63

منبع: http://MoMP.gov.af/Content/files/Sumary-of-QaraZaghan-Gold-Contract-En-16012011.pdf

جدول نشان میدهد که شرکت افغان کرستال در مقابل دو داوطلب دیگر بیشترین امتیاز را بدست آورده است. لازم است تا به تولید احتمالی سالانه این شرکت، مقدار حق الامتیاز و انکشاف و سرمایه گذاری مردمی آن توجه کرد. این شرکت گفته است که سالانه ۱٦۲۸ کیلوگرام طلا تولید می کند، در حالیکه کام خیبر ۵۰۰ کلوگرام تخمین زده بود و شرکت ستاره طلایی تخمین مقدار تولید را به مرحله بعد از مطالعه و تثبیت واگذار نموده بود. مقدار سرمایه گذاری، تولید سالانه، نرخ حق الامتیاز و تعهد برای حفاظت از محیط زیست واضحا عناصری بود که بر اساس آن این شرکت از داوطلبان دیگر پیشی گرفت.[۵۱] دقتی که با آن، شرکت برنده یعنی افغان کرستال تولید سالانه مقدار طلا در محل را پیش بینی نمود و آمادگی این شرکت برای پرداخت حق الامتیاز ۲٦ درصدی بالای طلا براساس نرخ مبادله فلزی لندن، نشانگر اعتماد آن بوده و در بدست آوردن این قرارداد به آنها کمک نموده است. منابعی که در ارزیابی پیشنهادات هردو شرکت نقش داشتند میگویند که پروپوزل (پیشنهاد) شرکت ستاره طلایی بیشتر واقع بینانه بود زیرا آنها خواستار یک مرحله ٦ ماهه ارزیابی شده بودند، این در حالیست که افغان کرستال مدعی شده بود تا تولید را از زمان بعد از قرارداد آغاز خواهد کرد. [۵۲]

اولین تناقض در مقایسه معلومات جدول بالا و شرایط قرارداد قره زاغان هویدا می گردد. منابع دخیل در ارزیابی کمیسیون بین الوزراتی اذعان داشتند که شرکت از طریق وکلای پارلمان و دیگر شخصیت های دولتی بالای وزارت معادن فشار وارد نمود تا این قرارداد را بدست آورد. [۵۳]

حتی دوسکو جوبوکویچ، زمین شناس افریقای جنوبی که برای شرکت افغان کرستال کار می کرد در سال ۲۰۱۱ گفته است: ما از طریق افراد محل شنیده ایم که طلا موجود است و مطالعات خود ما نیز نشان میدهد اما باید تفحص بیشتر صورت گیرد. [۵٤]

---

[۵۱] http://MoMP.gov.af/Content/files/Sumary-of-QaraZaghan-Gold-Contract-En-16012011.pdf.

[۵۲] مصاحبه با کارمند ارشد وزارت معادن که نخواست نامش افشاء گردد. ۱۳ دسامبر ۲۰۱۱.

[۵۳] مصاحبه با کارمند ارشد وزارت معادن و پطرولیم که نخواست نامش افشاء گردد. تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱.

[۵٤] گزارش از نیوز دیسک.

۲,۳ تناقضات و تخلفات

چندین مورد تناقضات و تخلفات توسط این شرکت صورت گرفته است. این تخلفات باید هر کدام شان اقدامات دولت را در پی میداشت؛ اما شرکت متذکره از هر نوع اقدام قانون مصئون بوده است که خود نشانگر قدرت و روابط سیاسی میباشد. بعضی از تخلفات را میتوان ذیلا بیان کرد:

تثبیت و استخراج: ماده ۱۰ قرارداد با شرکت کریستال میگوید که شرکت باید سطح تولید خود را پس از مطالعات ابتدایی مشخص کند و ماده ۳ قرارداد برای شرکت فرصت شش ماه برای آمادگی و فرصت دو ساله برای تثبیت می دهد. با این حال، چنانچه در جدول مقایسوی دیده میشود، شرکت کرستال متعهد شده بود تا ۱٦۲۸ کلوگرام طلا را در سال اول استخراج نماید. در حالیکه این شرکت تولید سالانه خود را در پروپوزل ذکر نموده بود، چرا زمان بیشتر برای آن داده شده است؟ در جریان مذاکرات در مورد قرارداد شرکت توانسته بود مهلت ۳۰ ماه برای آماده گی و تثبیت دریافت نماید. [۵۵] یک کارمند ارشد که در کمیسیون بین الوزراتی حضور داشته است تأیید می کند که فشار دو تن از وزراء باعث گردید تا شرکت افغان کرستال برنده گردد. [۵٦]

بر اساس یک گزارش سی ان ان در مورد قرارداد طلای قره زاغان، نادری به شریک احتمالی تجارتی خود ایان هنام گفته است"من یکی از اولین افغانهایی هستم که توانستم جواز استخراج طلا را بدست آورم." گزارش شده است که هنام با شنیدن این چشمانش روشن شد. چنانچه بعدا مشاهده می گردد، نادری قبلا نیز یک معدن طلا در بغلان داشته است. فامیل وی یک فعالیت پیشه وری استخراج طلا در منطقه داشته است و حتی برای چند سال سکه نیز هک می نموده. سید سعادت منصور نادری از گرفتن جواز معدن طلا در سال های ۲۰۰۸ سخن گفت. یک منبع میگوید که در سال ۱۹۹۰ سید منصور، سکه طلا با نمای چهره خود صادر می کرد. وی حقوق قانونی آن را از طریق داوطلبی رسمی در سال ۲۰۰۸ بدست آورد. بخاطر انکشاف این محل، وی نیازمند مشوره تخنیکی، وسایل و سرمایه بود.[۵۷] قرارداد بطور رسمی در جنوری ۲۰۱۱ امضاء گردید در حالیکه سعادت منصور نادری قبلا به ایان هنام گفته بود که در سال ۲۰۰۸ جواز استخراج را با خود دارد. یک کارمند ارشد دولتی می گوید: "این یک تجارت سیاسی بود تا رئیس جمهور حمایت و رأی بیشتر در سال ۲۰۰۹ کسب نماید."

بسیاری از منابع مختلف گفته اند که نادری در این منطقه از اوایل دهه ۱۹۹۰ بدینسو طلا استخراج می کند. استخراج در قره زاغان سی سال قبل توسط معدن کاران پیشه ور آغاز گردید. آنها از وسایل سنتی برای استخراج مقادیر کوچک طلا استفاده می نمودند و این فعالیت تا زمان اطلاع حاصل نمودن نادری ادامه یافت. وی با یک گروهی از ایرانی ها تماس گرفت و آنها انجینرانی را از بنیاد خمینی فرستادند تا در استخراج و پروسس طلا با وی همکاری نمایند.[۵۸] سید منصور نادری ماشین آلات لازم برای پروسس طلا را به منطقه کیهان که در ۲۵ کیلو متری قره زاغان قراردارد خریداری نموده و انتقال داد. در آن زمان طلا ناخالص به کیهان بخاطر پروسس انتقال داده میشد. بعد از تبدیل نمودن طلا به سکه، نادری آن را به خارج از کشور انتقال میداد. یکی از منابع می گوید که «در حدود ۱۵۰ الی ۲۰۰ تن روی این معدن فقط در منطقه قره زاغان کار می نمودند. اما در کیهان تعداد زیاد

---

[۵۵] بخش سوم قرارداد طلای قره زاغان.

[۵٦] مصاحبه با کارمند ارشد حکومتی که در ارزیابی داوطلبی های قره زاغان اشتراک داشت، وی نخواست نامش افشا گردد. بتاریخ ۲۰ فبروری ۲۰۱٤.

[۵۷] بندلر جیمز، ۲۰۱۱. "تلاش جی پی مورگان برای طلا در افغانستان" سی ان ان ۲۵ جنوری ۲۰۱۴.
.http://management.fortune.cnn.com/2011/05/11/jp-morgan-hunt-afghan-gold

[۵۸] مصاحبه با یکی از باشنده گان محل در قره زاغان که نخواست نامش افشا شود، بتاریخ ۱۵ آگست ۲۰۱۴.

تری از افراد در بخش های مختلف پروسس آن کار میکردند. بصورت کُل در حدود ۱۰۰۰ تن در بخش های استخراج و پروسس فعالیت می نمودند.[۵۹]

بسیاری از مصاحبه شونده گان میگویند که خانواده نادری در استخراج معادن از سال ۱۹۹٤ بدینسو فعال بوده است. در جریان یکی از سفر های مطالعاتی مولف، چهار منبع مختلف گفتند که شرکت متذکره در استخراج طلا طول سال های ۱۹۹۰ و اوایل سال های ۲۰۰۰ فعال بوده است. یک مردی که نخواست بدلایل امنیتی نامش افشاء گردد میگوید: "من با سید کیهان (سید منصور نادری) در بخش استخراج طلا برای سه سال کار نموده ام. وی طلا را برای ۲۰ سال استخراج نمود. این در زمان طالبان بود که من با وی کار می کردم. در آن زمان من متعلم در مکتب کلان گذر قره زاغان بودم. من نصف روز درس می خواندم و نصف دیگر روز برای سید منصور بطور رایگان طلا استخراج می کردم .من و افراد دیگر مثل من کار های شاقه را انجام می دادیم و تصفیه و تخلیص طلا مربوط به دو تن از افراد معتمد شان بود هر یک بنام های میرزا نظر و هلال عمار بود."[۶۰]

فرد دیگری میگوید که در سال ۱۹۹۰ بحیث سرکارگر برای سید منصور نادری کار می نمود و ادعا می کند که این طلا را پس از استخراج در قره زاغان و پروسس در کیهان به دوکان های خود در تاجکستان می فرستاد. خبرگزاری پژواک به نقل از یکی از کارمندان وزارت احیا و انکشاف دهات میگوید که مردمان محل گزارش داده اند که حد اقل روزانه ۱ کلوگرام طلا از محل توسط افراد زورمند استخراج می گردد.[۶۱] یک منبع که با خانواده نادری از نزدیک به تماس بود میگوید که هر زن در خانواده نادری ۱۰ کلوگرام طلا دارد. منابع دیگر میگویند که سید منصور ده باب طلا فروشی در تاجکستان دارد.[۶۲]

تصویر ۱: تنصیبات در قره زاغان در جریان ۵ سال گذشته



تصویر: ج. نورانی

[۵۹] مصاحبه با یکی از باشنده گان محل در قره زاغان که نخواست نامش افشا گردد. بتاریخ ۱۵ آگست ۲۰۱٤.

[۶۰] ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۳. مصاحبه با یک کارمند جوان در یکی از موسسات قره زاغان.

[۶۱] مصاحبه با یکی از قوماندانان اسبق نادری که نخواست نامش افشا گردد، بتاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۲.

[۶۲] فیضی، فرشته «معادن طلای افغانستان به شکل ناشفاف واگذار می گردند و در آنجا استخراج غیر قانونی صورت می گیرد. خبرگزاری پژواک، کابل، بتاریخ ۲۵ فبروری ۲۰۱٤.

معلومات در مورد استخراج طلا توسط یک فرد دیگر در این دره نیز تأیید گردید. وی میگوید که نادری با سوء استفاده از احترامی که مردم به او داشتند، مریدان خود را مجبور به کار رایگان در معادن طلای خود می نمود.[۶۳]

شرکت کرستال بر اساس گزارش ها، فعالیت های تفحصاتی را در سه سال گذشته بعهده داشته است. مولف کاپی از گزارش فعالیت های تفحصاتی این شرکت از تاریخ ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۲ را بدست آورده است. منابع متعدد میگویند که در سال ۲۰۱۳، فعالیت های استخراجی معدن از شرکت کرستال به شرکت منابع طبیعی و طلای افغان انتقال یافته است اما تاکنون در این باره اعلام نشده است. در دیتابیس های آیسا، شرکت طلا و منابع طبیعی افغان و کرستال بحیث شرکت های قابل اعتبار شناسایی شده اند[۶۴] و قرارداد هنوز هم بنام شرکت کرستال میباشد.

بخاطر معلومات بیشتر، این بحث با زمین شناسانی که در این ساحه از اوایل سال ۱۹۸۰ کار نموده اند نیز شریک ساخته شد. به گفته این متخصصین گزارش ارائه شده توسط شرکت طلا و منابع طبیعی افغان ترجمه های گزارش های زمین شناسان روسی در دهه ۸۰ میلادی میباشد. منابع می گویند که در گزارشات خود شرکت طلا و منابع طبیعی افغان ادعا نموده است که ۵۰ مورد حفریات را در جریان کار های تفحصاتی خود انجام داده است. گزارش تفحصاتی ارائه شده توسط شرکت طلا و منابع طبیعی افغان نشان میدهد که بتاریخ ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۲، این شرکت مقدار ۹٫۸ ملیون دالر سرمایه گذاری نموده بود.[۶۵] یک گزارش ارائه شده توسط کارمندان ارشد سه ریاست وزارت معادن در مورد گزارش تفحصاتی شرکت طلا و منابع طبیعی افغان نشان میدهد که میتود های استفاده شده در کار تثبیت و تحلیل نمونه ها کاملا غیر معیاری بوده است. نظریات ارائه شده توسط وزارت معادن و پطرولیم نشانگر تخلفات آشکار در این مرحله میباشد. در سال ۲۰۱۳ و بدون اطلاع دهی عامه، شرکت تمدید ۲ ساله ای را برای فعالیت های تفحصاتی خود دریافت.[۶۶] در ابتدا شرکت افغان کرستال (شرکت طلا و منابع طبیعی افغان) با ارائه پیشنهاد که همه داوطلبان دیگر را شکست داد و آن مبنی بر آغاز تولید در شش ماه اول بود. اما بعد از شروع کار تا اکنون نتواستنه است که گزارش کامل و حقیقی از تفحصات ارائه بدارد.

دولت افغانستان و بسیاری از کارمندان دولتی در مورد کار های استخراج طلا توسط شرکت طلا و منابع طبیعی افغان اطلاع دارند، اما یکی از کارمندان ارشد برای ما گفت که افراد عالی رتبه ولایتی به وی دستور داده اند تا در کار های این شرکت مداخله نورزد[۶۷]. همچنان گزارش شده است که وزارت معادن و پطرولیم بدون مشوره با ریاست ولایتی هیئتی نظارتی ای را از کابل فرستاده بودند؛ البته به هدایت مستقیم وزیر معادن. و این هیئت گزارشی در حمایت از کار های این شرکت ارائه نموده است.[۶۸] یک کارمند ارشد وزارت معادن و پطرولیم که روابط نزدیک با وزیر اسبق معادن وحید الله شهرانی داشته است میگوید که وزیر متذکره در چندین مورد گزارشات ناظرانی که بالای کار های افغان کرستال نظارت نموده بودند را مطابق میل خود و به نفع این شرکت تغییر داد.[۶۹] یک کارمند ریاست تفتیش می گوید: "زمانیکه ما در مورد استخراج طلا در این ساحه سخن می گفتیم، شهرانی ما را توهین می کرد." شهرانی به ما می گفت: "شما خیلی افراد بی کفایت هستید و نمی دانید که گزارش چگونه نگاشته میشود." وی سپس

---

[۶۳] مصاحبه با یکی از باشنده گان قره زاغان که نخواست نامش افشا گردد، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۳.

[۶۴] **http://www.aisa.org.af/onlinedirectory/**.

[۶۵] گزارش تثبیتی ارائه شده توسط شرکت افغان کریستال، تاریخ ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۲.

[۶۶] مصاحبه با کارمندان ارشد وزارت معادن و پطرولیم در بغلان که نخواستند نام شان افشا گردد. بتاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۳.

[۶۷] مصاحبه با کارمند وزارت معادن و پطرولیم که نخواست نامش افشا شود بتاریخ ۲۶ جنوری ۲۰۱۴

[۶۸] کارمند ارشد وزارت معادن و پطرولیم که نخواست نامش افشا شود، بتاریخ ۲۶ جنوری ۲۰۱۴.

[۶۹] کارمند ارشد تفتیش که نخواست نامش افشاء شود. بتاریخ ۲۴ اپریل ۲۰۱۴.

گزارشی را می نوشت که در آن هیچ ذکری از استخراج در این ساحه نمیبود.

چندین شرکت معدن در افغانستان فعال هستند که توسط تفنگ سالاران قدرتمند اداره میشوند و آنها ملیشه های طرفدار خود را در قالب وزارت داخله بخاطر حفاظت ازین معادن گماشته اند. این ملیشه های اسبق در لباس پولیس میباشند و معاش شان توسط دولت پرداخته میشود اما در واقع آنها در خدمت تفنگ سالاران میباشند. این ملیشه ها عمدتا بخاطر خاموش نگهداشتن مردمان محلی به کار برده میشوند. تامین امنیت برای شهروندان یکی از وظایف اصلی دولت بر مبنای "قرارداد اجتماعی" و "اعمال قدرت" میباشد اما در اینجا دیده میشود که شرکت با استفاده از "اعمال قدرت" در مقابل شهروندان از فعالیت های غیر قانونی خود حفاظت می کند. امنیت معدن طلا توسط افراد نادری فراهم شده است و بسیاری از باشنده گان قره زاغان گزارش داده اند که آنها تحت فشار قرار گرفته اند و افراد مسلح از منطقه معدن حفاظت بعمل می آورند.

یک گزارش سی ان ان موضوع ذیل را گزارش داد:

> *ایان هنام با اولیگارک ها (گروه سالارها) و ملیشه و همچنان گروه های جدایی طلب مانند کرد ها معامله نموده است تا پول بدست آورد. خانواده نادری در طول سالیان متمادی در جنگ ها و نقض حقوق بشر دخیل بوده است. نادری فعلا ۸۰ الی ۱۰۰ تن از افراد خود را از طریق تشکیلات وزارت داخله بخاطر نگهداری معدن مقرر نموده است. در واقع این افراد بخاطر تحت فشار قراردادن افراد محلی به کار میروند.*[۷۰]

تخلف در تادیهٔ پول: شرکت متذکره کار استخراج را با استفاده از جواز "تفحصاتی" انجام می دهد. در جریان تفحصات، شرکت ها باید حفریات تفحصاتی انجام دهند؛ نمونه هایی از نقاط مختلف ساحه جمع آوری نمایند و این نمونه ها را در پلان استخراجی خود استفاده نمایند تا ازین طریق تخمین درست از ذخایر طلا بدست آورند. در مرحلهٔ تفحصات شرکت بخاطر این کار مصارفی را انجام میدهد زیرا این مرحله احتمالا سالها طول میکشد. چنانچه تذکر بعمل آمد، شرکت افغان کرستال مهلت دو سال را بخاطر کار های تفحصاتی بدست آورد و سپس این مدت برای دو سال دیگر نیز تمدید گردید. اما این شرکت از منطقه قره زاغان طلا استخراج می کند بدون اینکه هیچ نوع حق الامتیاز ای به دولت بپردازد.

در این اواخر، شرکت بعد از سه سال کار تفحصاتی عریضه لغو قرارداد خود را تقدیم نمود زیرا به گفته مسئولین شرکت، آنها قادر به دریافت طلا نگردیده اند. یک تیمی از کارمندان وزارت معادن و پطرولیم که به ساحه سفر نموده اند میگویند که واقعا طلا وجود ندارد و ماشین آلات از محل بیرون کشیده شده است.[۷۱] به گفته شاهدان در این ساحه استخراج طلا صورت گرفته است اما هیئت فرستاده شده توسط وزارت معادن اعلام نموده است که در این منطقه هیچ طلایی وجود ندارد.

تهدید و تنازعات: ماده **۳۲** قرارداد طلای قره زاغان از شرکت می خواهد تا منازعات را در ظرف ٦٠ روز حل و فصل کند.[۷۲] با این حال، شواهدی وجود دارد که شرکت متهم به استفاده از زور بالای مردمان محلی گردیده است. بطور مثال، شرکت قبل از آغاز کار در این ساحه با مردمان محل مشوره ننموده است. یکی از باشنده گان منطقه تجربه خود را چنین شرح می دهد: «"شرکت با مردم مشوره ننموده است و هیچ کاری بخاطر بهبود وضعیت مردمان محل انجام نداده است. بعضی از افراد برای سید منصور نادری جاسوسی می کنند تا افرادی را که با او مخالفت می کنند را شناسایی نمایند و اگرمخالفین از کار خودصرف نظر نکنند، سید

[۷۰] باندلر جیمز، ۲۰۱۱ "تلاش جی پی مورگان برای طلای افغانستان" فورچُن؛ ۱۱ می ۲۰۱۱.

[۷۱] مصاحبه با کارمند ارشد **AGS**.

[۷۲] ماده **۳۲** معدن طلا، قره زاغان.

منصور حتا شاید آنهارا از بین ببرد."[۷۳] در حدود ۸۰ الی ۱۰۰ تن از وفاداران سرسخت نادری در این منطقه تحت چتر وزارت داخله فعال هستند تا امنیت منطقه را برای وی فراهم کنند. یکی از طرفداران نادری بنام سید زمان بحیث مدیر امنیت ولسوالی مقرر گردیده بود. مسئول امنیت ساحه معدن نیز یکی از نزدیکان نادری میباشد. یکی از باشندگان محلی می گوید: "سید دقیق مسئول امنیت ساحه معدن یک بار زن متأهلی را اختطاف و مورد تجاوز گروهی قرار داد و سپس کارمندان خارجی فعال در معدن قره زاغان را نیز مقصر این عمل قلمداد نمود. مردم بر علیه شرکت تظاهرات نمودند. سید منصور با استفاده از نیرنگ این تظاهرات را خاموش نمود زیرا از طریق بزرگان محلی به فامیل آن خانم هشدار داد که اگر بیشتر از آن عکس العمل نشان دهند، ضرر بیشتر متوجه آن خانم خواهده گردید. شوهر و پدر خانم متذکره را در پروژه وظیفه داد و مقدار ۳۵۰ هزار افغانی نیز برای آنها پرداخته شد تا این مسئله خاموش گردد".[۷٤] این موضوع توسط یکی از باشنده گان محلی دیگر بنام خان محمد نیز تأیید گردید البته تعداد زیادی از افراد نخواستند دراین مورد گفتگو نمایند زیرا مسئله ناموسی بود.[۷۵]

سایر افراد وابسته به نهاد های امنیتی در ساحه قره زاغان با سید منصور مرتبط هستند و در نگهداری محل بخاطر فعالیت های غیر قانونی وی همکاری می نمایند. شرکت با استفاده از افراد مسلح خود مردم را تهدید نموده و آنان را مجبور به پیروی از اوامر خود گردانیده است. یکی از بزرگان محلی می گوید: "معدن در ساحه زراعتی قراردارد که در آن زنان و دختران کار می کنند. افراد محلی از شرکت خواسته بود تا افراد مسلح خود را از منطقه بیرون کند زیرا مردم در مقابل مردان بیرون از منطقه شان حساس هستند. در پاسخ به این خواسته مردم، شرکت افراد مسلح خود را امر نمود تا بالای مردم شلیک کنند و برای وزارت داخله نیز گزارش داد که مردم بر علیه ما قیام نموده اند. بخاطر این مسئله دو تن از باشنده گان محلی به نام نور علی و فیض علی دستگیر و برای ده روز به زندان برده شدند. تا اواسط سال های دهه اول ۲۰۰۰، سید کیهان بین ۲۰۰ الی ۳۰۰ تن از افراد را مجبور به کار رایگان بخاطر استخراج طلا نموده بود.[۷٦] یکی از افرادیکه در مقابل سید منصور نادری بخاطر حق یک زن و مشکل زمین که با نادری داشت ایستاده بود چنین حکایت می کند: "سید کیهان (سید منصور) مرا دستگیر نمود بخاطریکه از حق آن زن دفاع نموده بودم. بسیاری از افراد متنفذ از وی خواست تا مرا رها کند اما او به جواب آنها گفت که باید من دو گوسفند برایش بیاورم و دستش را بوسیده از وی معذرت بخواهم."[۷۷] یک مثال دیگر قضیهٔ دلاور است که در قره زاغان زندگی می کند و منزلش در مسیر سرکی بود که شرکت قصد ساختن آن را داشت. وی جایداد خود را بدون دریافت هیچ نوع خساره از سوی شرکت، از دست داد.[۷۸]
هویداست که شرکت طلا و معدن افغان بجای اینکه به مشکلات و تکالیف مردم گوش دهد، با استفاده از زور میخواهد آنها را سرکوب نماید. این برخورد در مغایرت با استندرد های بین المللی و اصول سازمان ملل برای حقوق بشر درساحه تجارت میباشد.
واقعیت های توسعه اجتماعی: ماده ۳۱ قرارداد، شرکت را مکلف به مصرف ۵۰ هزار دالر امریکایی در زمینه انکشاف اجتماعی می کند. شرکت همچنان مکلف است تا در استخدام کارمندان خود به افغانها ترجیح دهد. اعضای شورای انکشاف محلی میگویند که سعادت منصور نادری همراه با وزیر اسبق معادن، پروژه های مختلفی را وعده دادند اما خیلی اندک آن را عملی ساختند. جدول ۲ نشانگر پروژه های وعده داده شده و پروژه های تطبیق شده میباشد.[۷۹]

---

[۷۳] مصاحبه با گل نظر، یکی از باشندگان قره زاغان، بتاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۳.
[۷٤] مصاحبه با یکی از باشندگان محلی قره زاغان که نخواست بدلایل امنیتی اسمش فاش گردد. تاریخ ۱۵ آگست ۲۰۱٤.
[۷۵] مصاحبه با خان محمد، باشنده قره زاغان، تاریخ ۳۰ جنوری ۲۰۱۵.
[۷٦] مصاحبه با ارباب های منطقه قره زاغان که نام های شان بخاطر مسایل امنیتی افشا نمی گردد. بتاریخ ۱٤ اکتوبر ۲۰۱۳.
[۷۷] مصاحبه با یکی از بزرگان محلی که نخواست نامش افشا شود. ۱۵ اکتوبر ۲۰۱۳.
[۷۸] مصاحبه با دلاور باشنده قره زاغان، تاریخ ۲۷ اپریل ۲۰۱۳.
[۷۹] مبحث گروه کاری با اعضای شورا های انکشاف محلی در قره زاغان، بتاریخ ۲۷ اپریل ۲۰۱۳.

جدول ۲: وعده ها داده شده و ارائه آن به مردمان محلی

پروژه وعده داده شده	پروژه تطبیق شده توسط شرکت افغان کرستال
پمپ های آبی برای فراهمی آب	دو دسته پمپ آب
دیوار استنادی در کنار دریا	دیوار استتنادی نامکمل در کنار دریا
اعمار مکتب مدرن و مجهز	اعمار تعمیر برای مسئولین امنیتی
مسجد	اعمار پوسته های امنیتی
کلنیک برای قریه جات نزدیک	افراد مسلح فقط برای افراد وابسته به منصور نادری
٤٠ باب تشناب برای قریه جات	استخدام افراد تنها برای استخراج طلا
خساره به مردم	خساره داده نشده است
سرک	هیچ سرک ساخته نشده است
کاریابی برای مردمان محلی	کار فقط برای وفاداران محلی

منبع: مطالعه بنیادی قره زاغان توسط دیدبان شفافیت افغانستان سال ۲۰۱۳

یک منبع دیگر میگوید که شرکت یک واسطه بس را بخاطر انتقال متعلمین دختر از مکتب تا خانه شان و بر عکس تهیه دیده است. با وصف این، کل مصرف شرکت برای انکشاف اجتماعی بیشتر از ۲۵ هزار دالر نمی باشد.

باشنده گان محل همچنان میگویند که این شرکت هیچ کسی را ازین منطقه بخاطر کار در این پروژه آموزش نداده است. شرکت همچنان متهم است که افراد وابسته به سید کیهان را استخدام می کند و افراد دیگر یکه وفاداری شان با آغا خان میباشند برای کار ها مناسب پنداشته نمیشوند.

۲,۴ نتیجه گیری

شرکت افغان کرستال متهم به سوء استفاده از روابط سیاسی بخاطر بدست آوردن قرارداد قره زاغان میباشد، حتی در زمانیکه این قرارداد امضاء هم نشده بود. استخراج طلا در جریان مرحله مطالعات، اعطای تمدید دو ساله بخاطر این کار و همچنان معاف بودن شرکت از پرداخت مالیات تجارتی همه شان نشانگر سوء استفاده های این شرکت از روابط سیاسی شان میباشد. شرکت افغان کرستال فعالیت های خود را در منطقه کاری متوقف نموده است و وزارت معادن میگوید که هیچ طلا در آنجا وجود ندارد. این درحالیست که افرادی در داخل وزارت معادن به این نظر اند که کم کاری توسط این وزارت صورت گرفته است و کار های مطالعاتی در واقع پوششی برای کار های استخراجی غیر قانونی این شرکت بوده است. ناکامی وزارت معادن و پطرولیم بخاطر رسیدگی به تخلف های این شرکت در قبال قانون معادن افغانستان نشانگر پیچیدگی روابط سیاسی میان جنگ سالاران و نخبه های سیاسی افغانستان مستقر در کابل میباشد.

معدن طلای قره زاغان که به شرکت افغان کرستال داده شده بود (که بعدا به شرکت منابع طبیعی و طلای افغان انتقال یافت) فعلا خالی گردیده است و شرکت خواهان لغو جواز خود میباشد. وزارت معادن و پطرولیم نیز بدلیل نبود (ظاهری) طلا در منطقه جواز را لغو نموده است. این امر خود نقض واضح قانون معادن و مواد قرارداد میباشد.

۲،۵ نظرات شرکت

به جواب نامه ماه جولای ۲۰۱۵ دیدبان شفافیت، رئیس اجرائیوی شرکت AGMC و AKNR چنین نگاشته است:

- در جواب مکتوب شما مبتنی بر پروژه تحقیقاتی در مورد صنایع استخراجی افغانستان که در آن ملحوظ به شرکت معدن طلا افغان (Afghan Gold & Minerals Company (AGMC شرکت منابع طبیعی کریستال افغانستان (Afghan Krystal Natural Resources Company (AKNR نیز گفتنی وسواالات را مطرح نموده بودید اینک در رابطه میخواهیم جوابات خویش را ارایه داشته باشیم. قبل از اینکه به جواب سواالت مطرح شده شما بپردازیم بهتر خواهد بود که معلومات خلص را در محتوا این دوشرکت، قرارداد و نحو کاری مان برای شما عرض بداریم و بعدا به جواب سواالت بپردازیم :
- شرکت منابع طبیعی کرستال افغانستان (AKNR) که به تاریخ 13 اکتوبر 2010 توسط سید سعادت نادری ایجاد و ثبت دولت افغانستان گردید بعدا به تاریخ 10 جنوری 2011 برنده قراداد شماره G001-89 معدن طلا قره ذغن شد. بعد از دلچسپی سرمایه گذران خارجی مبنی بر سرمایه گذاری در سکتور معادن افغانستان، شرکت سرمایه گذرای مشترک (Joint Venture) را بنام شرکت معدن طلا افغان (AGMC) را به تاریخ 25 برج می 2011 تاسیس نمود که بعد از موافقه و تایید وزارت محترم معادن صلاحیت اجرائیوی این پروژه به شرکت جدید واگذار گردید.
- هدف از ایجاد شرکت سرمایوی مشترک (AGMC) را میتوان در نکات ذیل خلص نمود:
  - سرمایه گذاری درازمدت در داخل کشور با تطابقت با قوانین نافذه کشور، قوانین بین المللی و عملکرد ستندرد جهانی.
  - ترکیب قوه کاری کارگران افغان با تخصص مسلکی و تخنیکی کارمندان خارجی.
  - ایجاد سیستم عصری و دقیق راپور دهی مالی.
  - ایجاد روابط حسنه با مردم محل ساحه کاری.
- شرکت (AGMC) با در نظر گرفتن حلقه دورانی معادن (اکتشاف، تثبیت ذخایر انکشاف، بهره برداری و بستن) و اتخاذ جواز اکتشاف در برج می 2011 عمالاً در ساحه به کار آغاز نمود.
- بعد از سپری نمودن تقریبا 3 سال و تطبیق برنامه وسیع اکتشافی که مشمول نکات تخنیکی ذیل است: جیو فزیکس، جیو کیمکل، حرفیات، تحلیل و تجزیه منرال ها.
- در برج اپریل **2014** به کار عملی خویش در ساحه اختتام دادیم که دقیقا **2** ماه بعد از اختتام کار ساحوی راپور نهایی را به وزارت معادن و پطرولیم عرضه نموده و درخواست الغا قرارداد قره ذاغان را نمودیم.

در رابطه نقاط قابل بحث در گزارش، رئیس اجرائیوی شرکت AGMC و AKNR چنین نگاشته است :

- فعالیت های استخارجی: شما متذکر گردیدید که ما در این جریان کار مصروف عمل های استخراجی بودیم ، در جواب میخواهیم واضح بداریم که شرکت AGMC و AKNR و در زمان فعالیت کاری خویش هیچ وقت و به هیچ نوع مصروف جز کار های استخراجی و بهره برداری نبوده است.
- استخراج بعد از قطع فعالیت : شرکت های متذکره AGMC و AKNR فعالیت خویش را در برج اپریل 2014 عملاً در ساحه اختتام داده.فعلاً هیچ نوع حضور در آن ساحه ندارد و نه جز کدام فعالیت استخراجی در این ساحه میباشد.
- واگذاری بدون اذهان حکومت: طوریکه قبلا نیز ذکر گردید شرکت AKNR بعد از اخذ تایید و توافق وزارت محترم

معادن و پطرولیم صلاحیت اجرایوی پروژه معدن قره ذغن را به شرکت AGMC در مطابقت و پیروی از ماده 22 قانون معادن 2010 واگذار نمود.

- ضرر های مالی رسیده به دولت : از همه اولتر میخواهیم واضح بداریم اینکه تمام ذمت ها از درک کرایه زمین معدن که مبلغ سالانه آن 31425 دالر امریکایی میباشد بدون کدام تعطل بطور سالانه به حساب دولت پرداخت گردیده و میتوان تعرفه های پرداخت آنرا از معینیت مالی و اداری وزارت معدن بدست آورد. ثانیا در رابطه به پرداخت تعرفه حق الامتیاز Royalty Fee چون شرکت ما دارای جواز استخراج نبود و ما هیچ نوع استخراج از ساحه نداشیم بنا مکلف به هیچ پرداخت بنام حق الامتیاز نمی باشیم.
- مکلفیت های تعریف شده در قرارداد : متذکر گردیده اید اینکه ما باید در زمینه معدن مبلغ **50** میلیون دالر امریکایی سرمایه گذاری نماییم میخواهیم یاد آور گردیم که در متن قرارداد اینگونه ماده و فقره موجود نمی باشد علاوتاً ما به مراتب بیشتر از مبلغ **50000** هزار دالر که باید صرف انکشاف اجتماعی میگردید پول به مصرف رسانده ایم.
- شرایط سیاسی در زمان قرارداد:
  - در رابطه به وارد نمودن فشار های مختلف بر وزارت جهت اخذ قرارداد صریحا این مسله را رد مینمایم.
  - در رابطه به نقل قول شما از اداره **CNN** ما باورمندیم که معلومات ارایه شده در این مقاله دقیق نمیباشد.
  - در ملحوظ انجام عمل معدن کاری توسط اشخاص قبل از عقد قرارداد نمیخواهیم ابراز نظر کنیم چون ما قانوناً صلاحیت آن را نداریم و موضوع به شرکت ما کدام ربط ندارد.
  - در رابطه به تولید **1628** کیلو گرام طلا در سال میخواهیم واضح خاطر سازیم که رقم **1628** کیلو گرام که در پروپوزل ما ذکر گردیده بود ناشی از مطالعات مسلکی جیو فیزیکی فعلی و گذشته معدن میباشد، که یک رقم تخمینی بوده وتولید اصلی محموله آن صرف و صرف بعد از اکتشاف تثبیت میشود.
- معلومات ذکر شده شما که مشمول ارقام مالی نیز میباشد و ماخذ آنرا گزارش تثبیتی شرکت AGMC ذکر نموده اید کاملا نادرست میباشد و جهت بدست آوردن معلومات دقیق باید به اصل گزارش تثبیتی ما مراجعه نماید.
- تهدیدات: ما این مسله را که از زور و جبر بالای مردم محل استفاده گردیده است آنرا کاملاً و یکسره رد مینمایم بلکه در حقیقت شرکت ما در تعهدات قرارداد خویش درزمینه بهبود زندگی محل کار های عملی را نیز انجام داده که در همین راستا در کدر های امنیتی خویش بیشتر از **80** فیصد از کارمندان امنیتی راجستر شده وزارت داخله محافظت عامه (مردمان سه قریه محل) جم سید، قره ذاغان، سربند و قریه جات نزدیک ساحه معدن استخدام گردیده بودند که هویت شان با وزارت داخله ثبت میباشد.
- واقعیت های انکشاف اجتماعی : یاد آور گردیده اید که در زمینه انکشاف اجتماعی طبق قرارداد **50** هزار دالر امریکایی مصرف نکرده ایم در حالیکه مصارف حقیقی که شرکت ما آنرا بسر رسانده به مراتب بیشتر از این رقم میباشد و باید متذکر گردیم که شرکت ما از اول وقت در حصه انکشاف محل و بلند بردن سطح زندگی مردم متهعد بوده و در این راستا گام های عملی نیز برداشته ایم.

۳. کرومایت کوه صافی

قرارداد معدن کرومایت کوه صافی بتاریخ ۱۹ مارچ ۲۰۱۱ با شرکت برادران هیواد امضاء گردیده است. ماده ۳ این قرارداد مدت آن را ۱۸ سال بیان می کند که در آن سه سال اول مختص به سروی و مطالعات و مابقی ۱۵ سال به مرحلهٔ استخراجی تخصیص داده شده است ؛البته با تأیید وزارت معادن و پطرولیم.[۸۰] قرارداد، ساحهٔ ٥٤،۱۲۲ کیلو متر مربع دارای منرال را به شرکت برادران هیواد واگذار می کند، که این ساحه دو برابر زمینی ست که به قرارداد مِس عینک در ولایت لوگر سپرده شده بود. ساحه قرارداد در بین دو ولسوالی ولایت پروان، یعنی کوه صافی و بگرام واقع شده است و جمعیتی که در ساحه ای که مربوط شرکت برادران هیواد قرار گرفته است، به اساس گفته های یکی از افرادی که با اداره ولسوالی کار نموده است ٤۲۰۰۰ نفر میباشد. البته قرارداد فقط از کوه صافی بحیث نقطه ای که در آن باید کار استخراج و مطالعات صورت بگیرد یاد می کند.[۸۱] یکی از زمین شناسان ارشد در سروی جیولوژیکی افغانستان که در مورد معادن معلومات داشت میگوید که کرومایت منطقه گدی خیل دارای ذخایر تیتانیم، وانادیم و بوکزاید نیز میباشد.[۸۲]

لسان مورد استفاده در قرارداد دارای ابهام هایی میباشد که برای شرکت فرصت گریز و فرار را میدهد. تعریف کرومایت در بخش ۱،۳ بسیار باز میباشد که راه های استفاده از فلزات موجود در مواد خام کرومایت را فراهم می کند. این چنین یک تعریف در مغایرت با قانون معادن ۲۰۰۹ میباشد که به وضوح استخراج معادن متفاوت در یک ذخیره را منع می کند. این قانون میگوید که مواد دارای کرومایت باید کرومایت گفته شوند. مطالعه دقیق تر قرارداد منجر به سوالات زیادی در مورد مواد دیگر قرارداد شد و این باعث شد که محقق مطالعه میدانی بیشتر انجام دهد. در اثر مطالعات میدانی چندین مورد نقض قرار داد مشاهده شد.

ماده ۳، بند ٤ قرارداد میگوید که هر نوع تأخیر غیر مجاز در تطبیق کار های مطالعاتی بدون تفاهم با وزارت معادن میتواند باعث گردد تا حق الامتیاز معدن مجددا به وزارت معادن و پطرولیم تعلق بگیرد.

منابع موجود در سروی جیولوژیکی افغانستان میگویند که این شرکت نمونه ها را در پاکستان تحلیل و تجزیه نموده است که این امر برای دولت افغانستان قابل قبول نمیباشد. برادران هیواد یک پلان مطالعاتی و استخراجی را ارائه نموده است که تا اکنون توسط وزارت معادن و پطرولیم تأیید نشده است. (منبع: یکی از کارمندان ارشد در وزارت).[۸۳]

مردمان محلی بر علیه معدن تظاهرات نمودند و در نتیجه شرکت مجبور شد تا افراد محلی را بخاطر حفاظت از معدن به کار بگمارد. اولین گروه ۱۵ نفری از نازدره استخدام گردیده و در نتیجه مردمان جلال قلعه شکایت نمودند که تبعیض صورت گرفته است. بزرگان جلال قلعه خواستار استخدام محافظین بیشتر ازین قریه شدند. شرکت برادران هیواد بعد از مباحث زیاد، وظایف امنیتی را به این مردم سپرد. دو ماه پس از تغییر محافظین، شش تن از محافظین اسبق شرکت نازدره در نتیجه خشونت پلان شده از بین برده شدند.

---

[۸۰] قرارداد کرومایت گدی خیل. (**http://MoMP.gov.af/Content/files/Mineral%20Contracts/File_206_Gahah_Khail_Chromite.pdf**).

[۸۱] قرارداد معدن کرومایت گدی خیل.

[۸۲] مصاحبه با یکی از زمین شناسان ارشد سروی جیولوژیکی افغانستان که نخواست نامش فاش گردد. بتاریخ ۲۸ جنوری ۲۰۱٤.

[۸۳] مصاحبه با نبی، یکی از باشنده گان نعمان خیل، بتاریخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۴.

جدول ۳: قربانیان هدف قرارداده شده و کشته شده[۸۴]

اسم	ولد	محل سکونت
گل زمان	عبدالستار	نازده
جبار	عبدالستار	نازده
احمد الله	انحر گل	نازده
نورالله	ظفر خان	نازده
احمد علی	رحمت خان	نازده
احمد خان	رحمت خان	نازده

در سال ۲۰۱۲، قربانیان بخاطر خریداری لوازم عید سفر می کردند. آنها از موتر پائین گردیده و در مقابل مسافران دیگر از بین برده شدند. بزرگان نازده باور دارند که مردم جلال قلعه این شش تن را بخاطر تظاهرات و خواهش شان مبنی بر مقرر شدن بحیث گارد کشته اند. دو ماه بعد از این قضیه، یک باشنده جلال قلعه بنام ملا سلام همراه با ملا کبیر در حمله پلان شده کشته شدند. همزمان با این وقایع، برادران هیواد افراد محلی را خلع سلاح نموده با حمایت از پولیس محلی، ٤٠ تن از افراد مسلح جدید را بخاطر تأمین امنیت معدن گماشت[۸۵].

این جناح ها تلاش نموده اند تا بحران را از طریق غیر رسمی حل و فصل نمایند و از نقش میانجگرانه دولت افغانستان استفاده نکنند اما تاکنون در این امر موفق نگردیده اند. بر علاوه، این شرکت متهم به پرداخت پول بخاطر تأمین امنیت به عناصر شورشی نیز گردیده است.[۸٦] این چنین تادیه پول گفته میشود که در بی ثبات سازی امنیت منطقه نیز تأثیر گذار بوده و باعث شده است تا ازنفوذ دولت در این منطقه کاسته شود.

شرکت همچنان گفته میشود که مواد خام کرومایت را که بشکل غیر قانونی از نقاط دیگر افغانستان استخراج شده، خریداری نموده و بعد از شکستن، این مواد خام را به پاکستان انتقال داده است و این کار عملا در تناقض با مواد قرارداد میباشد. شرکت در بعضی موارد الی ۳۰۰۰ تن مواد خام کرومایت نیز خریداری نموده است.[۸۷] حکومت افغانستان در زمینه جلوگیری از قاچاق کرومایت تاکنون نیز مشکلات داشته است و چنین فعالیت های این شرکت باعث کندی بیشتر در این زمینه می گردد. این امر همچنان میتواند استخراج غیر قانونی را افزایش دهد و باعث ایجاد درز های بزرگ در اقتصاد قانونی کشور گردد و در نتیجه زیان ها در عواید دولت نیز افزایش پیدا کند.

نمونه های متعدد از تخلفات انجام شده توسط معدن کاران وجود دارند اما وزارت معادن هیچگاه شرکت را به رعایت مواد قرارداد مجبور ننموده و یا هیچ نوع حق الامتیاز، کرایه، مالیه و یا دیگر بدیهی ها را دریافت ننموده است[۸۸].

---

[۸٤] مصاحبه با یک معلم محلی که بدلایل امنیتی خود را پنهان نمود.

[۸۵] باشنده محل که نخواست نامش افشا شود

[۸٦]باشنده محل که نخواست نامش افشا گردد.

[۸۷] مصاحبه با تاجر محلی کرومایت که شرکت برادران هیواد در زمینه فراهمی مواد خام کرومایت فعالیت داشته است. ۱۵ دسامبر ۲۰۱٤.

[۸۸] همان

شرکت از اولین هفته بعد از عقد قرارداد، استخراج را ازین ساحه آغاز نموده است. بند ۲ ماده ۲۵ میگوید: «در هیچ شرایطی کار استخراجی آغاز نگردد مگر اینکه بعد از تکمیل کار مطالعاتی و اینکه شرکت دارندۀ قرارداد، جواز فعالیت استخراجی را مطابق مواد قانون دریافت نموده باشد.[۸۹] شرکت هیچ گاه کار مطالعاتی را انجام نداد بلکه یک گزارش مطالعاتی را به وزارت معادن ارائه نمود، که به گفتۀ سروی جیولوژیکی افغانستان هنوز هم تأیید نشده است. موارد دیگر تخلفات شرکت نیز وجود دارد، لازم است تا در سطور ذیل به آنها پرداخته شود[۹۰].

۳,۱ نقض و تخلفات

شرکت برادران هیواد نقض و تخلفات جدی را در جریان سه سال بعد از عقد قرارداد انجام داده است. بعضی از این تخلفات باید باعث ایجاد عکس العمل جدی و عینی دولتی میگردید بخصوص بمنظور جلوگیری از خسارات جانی به مردم و ضرر بیشتر به معادن .

استخراج در مرحله اکتشاف: ماده ٤ میگوید که شرکت باید قبل از کار استخراجی، تأیید وزارت معادن و پطرولیم را با خود داشته باشد که خود یک استندرد معمول میباشد. بر اساس قرارداد موجود و زمان بندی بوجود آمده، فعالیت برادران هیواد باید در مرحله نهایی مطالعاتی باشد و شرکت باید مطالعات خود را با وزارت معادن شریک سازد. البته، مصاحبه ها با مردمان محل در قریه گدا خیل نشان میدهد که شرکت یک هفته پس از عقد قرارداد فعالیت های استخراجی را آغاز نموده بود.[۹۱] شرکت روزانه با استفاده از یک اسکواتور ۸ الی ۱۲ بار لاری کرومایت که هر کدام ۲۵ الی ۳۰ تن مواد خام کرومایت را انتقال می دهند، استخراج می کند.[۹۲] یک بار لاری کرومایت خام که در آن ٤٥ درصد کرومایت وجود داشته باشد در مقابل ۳۵ هزار دالر امریکایی در کراچی فروخته میشود.[۹۳] فعالیت های موجوده شرکت الی ۳۵۰ هزار دالر امریکایی در روز درآمد دارد[۹٤].

شرکت همچنان انجینران پاکستانی را در مارچ ۲۰۱۱ به منطقه آورد تا نقاط غنی کرومایت را تثبیت نماید و شرکت از همان زمان مطابق هدایات آنها کار می کند.[۹۵] در جریان دو سال گذشته، شرکت در استخراج، شکستن و صادرات کرومایت خام به پاکستان بدون هیچ نوع قیودات و یا ارزیابی اینکه چه چیزی را صادر می کند فعالیت داشته است.[۹٦] در این معدن ظاهراً بعضی از مواد معدنی قیمتی دیگر نیز موجود میباشد. قیمت فعلی تیتنانیوم در بازار بین المللی ٦۰۰۰ دالر در تن میباشد و در عین حال قیمت ونادیم ۲۵ هزار دالر فی تن، فروکروم (مواد نهایی موجود در مواد خام کرومایت) ۲٤۲۰ دالر فی تن.[۹۷]

به گفته بعضی از کارمندان، این شرکت در جریان سه ماه اول مواد خام را از منطقه گدا خیل و نعمان خیل کوه صافی جمع آوری

---

[۸۹] قانون معادن افغانستان.

[۹۰] مصاحبه با یک شهروند منطقه گداخیل که نخواست نامش افشا شود

[۹۱] مصاحبه با یکی از باشنده گان محلی گدا خیل، ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳.

[۹۲] مصاحبه با کارمندان اسبق دولتی که در این منطقه زندگی می کند و فعالیت های این شرکت را از نزدیک تعقیب می نماید. ۹ جنوری ۲۰۱٤.

[۹۳] مصاحبه با تاجر محلی که فهم درست از بازار کرومایت در پاکستان داشت، بتاریخ ۲۰ نوامبر ۲۰۱٤.

[۹٤] وزارت عدلیه .http://moj.gov.af/content/files/OfficialGazette/01001/OG_01007.pdf (accessed December 2015)

[۹۵] همان.

[۹٦] مصاحبه با زمین شناس ارشد در سروی جیولوژیکی افغانستان که نخواست نامش افشا گردد. ۲۷ جنوری ۲۰۱٤.

[۹۷] http://www.infomine.com/investment/aluminum/.

می کرد و بخاطر پروسس نمودن به کابل انتقال می داد. سپس شرکت حفریات را در گدا خیل و نعمان خیل برای یک سال انجام داده که در نتیجه آن ۱۸۰۰ الی ۲۰۰۰ بار لاری کرومایت را انتقال داده است. (تصویر را مشاهده کنید).
شرکت فعلا یک فابریکه کوچک که دارای چهار کرشر (شکننده) در کابل میباشد را ایجاد نموده است (به تصویر مراجعه کنید)، از این ماشین آلات بخاطر پودر سازی سنگ کرومایت استفاده میشود.

تصویر ساحه مورد استفاده قرارگرفته در گدا خیل (مارچ ۲۰۱٤)



تصویر: ج. نورانی

تصویر فابریکه برادران هیواد در کابل



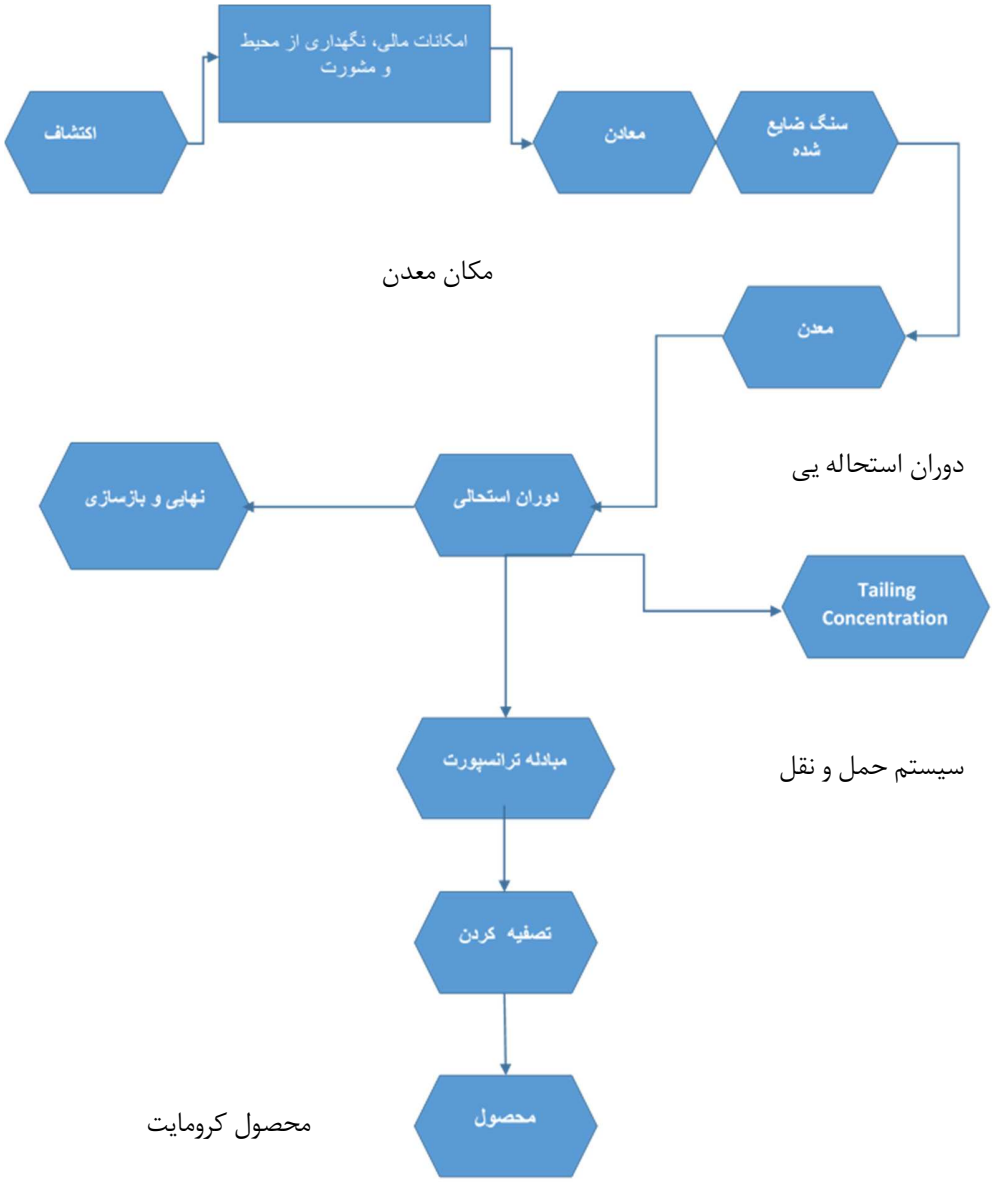
تصویر: ج. نورانی

این پودر سپس به کراچی پاکستان از طریق تورخم انتقال داده میشود. سپس این پودر ها به فروکروم تبدیل میگردد که یکی از تولیدات نهایی کرومایت میباشد که در آن مقدار مواد کرومایت ٤٠ درصد یا بیشتر است. این روند در داخل داش های بسته برقی با درجه حرارت ۱۷۰۰ درجه سانتیگراد صورت می گیرد. در نتیجه این روند مواد مایع فروکروم بوجود می آید که به آن متی **(Matte)** گفته میشود.[۹۸] مراحل مختلف پروسس نمودن کرومایت را در تصویر ۵ مشاهده کنید.

شکل ۱: مراحل پروسس کرومایت

[۹۸] پروسس نمودن سنگ کرومایت

(http://www.cliffsnaturalresources.com/EN/aboutus/GlobalOperations/chromite/Documents/Chromite_Mining_Process.pdf)



منبع: www.quarryplantprice.com/plant/chromite-ore-refining-process-flow-diagram.htm

این شرکت بر اساس بند ۸ ماده ۷ قرارداد امضاء شده با دولت افغانستان باید مواد خام کرومایت استخراج شده را تا ٦٠ درصد خالص در افغانستان پروسس کند که منطبق است با نقطه ٤ "پروسس مواد" چنانچه در شکل ۱ پروسس را نشان میدهد، در حالیکه شرکت صرفآ سنگ کرومایت را میده میکند بدون آنکه بقیهٔ محتویات آنرا اظهار کند، انرا صادر میکند.

شرکت بدون اینکه مطالعات تأثیرات اجتماعی و محیطی لازم را انجام دهد و یا مطالعات را تکمیل کند، در ظرف یک هفته بعد از عقد قرارداد اسکواتور ها را در منطقه فعال ساخت.[۹۹] شرکت ۸ نفر از ساکنین محل را غرض جمع آوری و بار نمودن کرومایت در لاری ها، استخدام نمود.

[۹۹] مصاحبه با کارمند ارشد وزارت معادن که نخواست نامش افشا گردد. سال ۲۰۱٤.

این شرکت مورد حمایت رهبری وزارت معادن قرار داشت. یکی از کارمندان ارشد وزارت معادن و پطرولیم میگوید که وزیر اسبق وحید الله شهرانی بعضی از زمین شناسان را هدایت نموده بود تا شرکت را در امور کاری اش حمایت نمایند باوجود که وی میدانست که این شرکت به شکل غیر قانونی در استخراج و صدور مواد خام کرومایت در مرحله مطالعاتی دخیل میباشد.[۱۰۰]

وقتیکه در مورد پروسس مواد کرومایت در افغانستان از کارمندان ارشد در داخل وزارت معادن و پطرولیم پرسیدیم، آنها تأیید نمودند که شرکت متذکره توانایی تخنیکی برای پروسس نمودن کرومایت را در داخل کشور دارا نمیباشد زیرا پروسس نمودن مواد خام کرومایت نیازمند فعالیت های کیمیایی است تا در آن مواد خالص و ناخالص در حد ٦٠ درصد از هم جداگردند. ساختن چنین فابریکه در افغانستان نیازمند سرمایه گذاری زیاد میباشد همچنان توانایی تخنیکی، تجارب و سرمایه انسانی آن موجود نیست.[۱۰۱] شرکت فقط یک چند کرشر بخاطر پودر سازی این سنگ ایجاد نموده است. ازینرو مواد قرارداد مبنی بر پروسس کرومایت غیر واقع بینانه بوده و از همان آغاز با سرنوشت ناکامی مواجه بوده است.

عدم پرداخت بدیهی ها: صنعت استخراجی یکی از سکتور های پیچیده و تخصصی میباشد که در آن باید سرمایه گذاری بزرگ و سپس مدت انتظار طولانی و منافع دراز مدت در نظر گرفته شوند. کرایه منابع و کرایه اضافی نقاط جالب توجه عمده برای سهامداران میباشد و اکثر رقابت در اطراف این ابعاد می چرخد. یک دولت مسول تلاش می کند تا سهم خود از عایدات کرایه را به حد اکثر افزایش دهد و در عین حال شرکت های خصوصی علاقه مند در پروژه ها خواهان آن میباشند تا این نوع مصارف را به حداقل آن برسانند.

ماده ۵ قرارداد به پلان مالی شرکت می پردازد اما به جزئیات پلان سرمایه گذاری نمی پردازد. قبل از این که شرکت قراردادی به حفر زمین بخاطر استخراج معدن بپردازد، مطالعه و تأیید پلان مالی باید صورت گرفته باشد. این امر بخاطر آن است تا از تورم مصارف در مراحل انکشاف یا سرمایه گذاری جلوگیری به عمل آید. برادران هیواد استخراج را بدون ارائه پلان مالی و یا تأیید دولت آغاز نموده بود.

ماده ۱۳ قرارداد شرکت را مکلف می سازد تا حساب های خود را مطابق به استندرد های بین المللی گزارشدهی مالی (IFRS) نگهدارد زیرا این استندرد ها در سطح جهانی پذیرش دارند. همچنان لازم است تا پلان و مصارف کاری باید شریک ساخته شود همچنان سایر حوادث و اتفاقات مربوط به این فعالیت ها گزارش داده شود.

شرکت متعهد شده است تا ٢٦ درصد از حق الامتیاز بالای استخراج مواد خام را مطابق به نرخ بین المللی بپردازد. بعضی از منابع در داخل وزارت معادن و پطرولیم میگویند که نرخ حق الامتیاز بر اساس نرخ پایه ۲۱۰ دالر در تن کرومایت خام برای سال ۲۰۱۳ تعیین گردیده است.[۱۰۲] نرخ کرومایت تغییر می کند اما شرکت باید حق الامتیاز را مطابق به پائین ترین نرخ پایه کرومایت بپردازد. نرخ متی Matte در بازار بین المللی ۲۴۲۰ دالر در تن میباشد. البته، شواهد در کادستر وزارت معادن و پطرولیم نشان میدهد که این شرکت کرومایت ناخالص را از منطقه مربوطه در طول سه سال گذشته استخراج می نماید. بر اساس یافته ها در مارچ ۲۰۱۴، آرشیف وزارت معادن نشان میدهد که شرکت ۵۰۵۰ تن کرومایت را بعد از امضاء قرارداد استخراج نموده است اما این آمار مبنی بر نظارت محدود بوده است. یکی از کارمندان ارشد در وزارت معادن و پطرولیم میگوید که این شرکت بدیهی های یک لاری را می

[۱۰۰] مصاحبه با یکی از زمین شناسان ارشد که نخواست نامش افشاء گردد ۲۸ جنوری ٢٠١٤.

[۱۰۱] مصاحبه با یکی از کارمندان وزارت معادن و پطرولیم. ۱۰ مارچ ٢٠١٤.

[۱۰۲] مصاحبه با یکی از کارمندان وزارت معادن و پطرولیم. ۱۰ مارچ ۲۰۱۴.

پردازد و سپس ۱۰ لاری را به خارج از مرز انتقال میدهد. در این امر نهاد های گمرک و پولیس سرحدی نیز با آنها همکاری دارند.[۱۰۳]

ماده ۲۱ قرارداد به کرایه استفاده از زمین می پردازد. ارقام نشان میدهند که هیچ نوع کرایه برای زمین پرداخته نشده است.[۱۰۴] اسناد در وزارت معادن نشان میدهد که هیچ نوع حق الامتیاز در مقابل تولید معدن الی اواخر سال ۲۰۱٤ پرداخته نشده است و کرایه ٥٤ کیلو متر مربع زمین شرکت که بخاطر تولیدات معدن در نظر گرفته شده است نیز پرداخته نشده است.

ریاست مالیه دهنده گان متوسط در وزارت مالیه طی یک مکتوب نگاشته است که شرکت برادران هیواد غیر فعال میباشد.[۱۰۵] این در حالیست که در همان روز امضای این مکتوب، مولف به چشم خود فعالیت فابریکه های برادران هیواد در کابل را مشاهده نموده است. این بدان معناست که شرکت هیچ نوع حق الامتیاز، کرایه و یا مالیه نمی پردازد و این بدان معناست که ارتباطات شرکت با کارمندان وزارت مالیه نیز موجود میباشد.

کارمندان کادستر در وزارت معادن میگویند که آنها توان مقابله با این شرکت را ندارند زیرا یکی از قدرتمند ترین جنگ سالاران کشور ازین شرکت حمایت می کند. منابع در وزارت معادن می گویند که این شرکت از طریق فرد قدرتمند دولت را تحت فشار قرار داده است تا مقدار حق الامتیاز را از ۲۱۰ دالر امریکایی به ۱۷۰ دالر امریکایی در تن کاهش دهد.[۱۰٦] در اواسط ۲۰۱٤ این شرکت موفق به انجام این امر شد و شرکت برادران هیواد ازین تاریخ به بعد مقدار ۱۷۰ دالر در مقابل فی تن حق الامتیاز می پردازد. به گفته کارمندان دلیل این امر همانا وضع نمودن مصرف ترانسپورتی قبل از محاسبهٔ حق الامتیاز میباشد. با این حال، تا کنون در افغانستان هیچ شرکتی چنین امتیازی را کسب ننموده است.

شرکت از قانون سرپیچی می کند و بالای دولت و کارمندان دولتی بخاطر طفره رفتن از پرداختن پول فشار وارد می کند. جنگ سالار متذکره برادر قوماندان امنیه منطقه ایست که در آن فابریکهٔ کرومایت شکن قراردارد که این امر خود باعث مصئونیت بیشتر برای فعالیت های غیر قانونی این شرکت می گردد. این در حقیقت نشانگر اشغال اقتصادی کشور توسط اولگارک ها (گروه سالارها) و مافیای کاروبار غیر قانونی میباشد.

کارمندان ارشد در وزارت معادن میگویند که شرکت برادران هیواد کرومایت استخراج شده بصورت غیر قانونی از ولایات لوگر و میدان وردک را خریداری می کند و اینکه کرومایت لوگر دارای مقادیر پلاتین میباشد. دوسیه اسناد مربوط به بدیهی های برادران هیواد همه روزه چاق تر میگردد و با این حال شرکت متذکره صلاحیت دولت را به چالش کشیده و تعهدات قراردادی خود را عملی نمی کند.

ماده ۲۰ قرارداد میگوید که شرکت باید بدیهی های خود را بپردازد اما زمان آن را مشخص نمی کند که خود نشانگر ضعف ها و خلا ها در متن قرارداد میباشد.[۱۰۷] شرکت باید سایر بدیهی ها و وام های خود به دولت افغانستان را بپردازد اما تا حال هیچ حق الامتیاز نپرداخته و فقط مقدار ناچیز ۲۹۰۰ دالر جریمه بخاطر عدم پرداخت حق الامتیاز بالای آن اعمال گردیده است.[۱۰۸] فعالیت های این شرکت باعث ایجاد گودال ۲۰۰ در ۷۰ در ٦۰ متر در کنار کوه گدا خیل و ۱۰ در ۲۰ در ۲۰ متر حفره در کوه نعمان خیل گردیده است. برادران هیواد سپس منطقه قلعه جلال و نازدره را برای یک سال مورد فعالیت های معدن کاری قرار دارند و به گفته

---

[۱۰۳] مصاحبه با کارمند ارشد وزارت معادن و پطرولیم که نخواست نامش افشاء گردد. بتاریخ ۱ جنوری ۲۰۱۵.

[۱۰٤] مصاحبه با یکی از کارمندان وزارت معادن و پطرولیم که نخواست نامش افشاء گردد. بتاریخ ۱۵ فبروری ۲۰۱۴.

[۱۰٥] مکتوب شماره R-81168 بتاریخ ۱۳۹۲/٥/۱٦ از ریاست مالیه دهنده گان متوسط به امضای سبحان الله فهیمی.

[۱۰٦] مصاحبه با کارمند وزارت معادن که نخواست نامش افشاء گردد و یا تاریخ مصاحبه اش، نگران ازینکه احتمالا سرنخ به او برگردانده شود.

[۱۰۷] متن قرارداد.

[۱۰۸] مصاحبه با کارمند ارشد وزارت معادن که نخواست نامش افشا گردد، بتاریخ ۲۳ جنوری ۲۰۱٤.

باشنده گان محل که نخواستند نامشان افشا گردد، این شرکت در حدود ۷۰۰ بار لاری را از نازدره بدست آورده است. شرکت اکنون در منطقه گدا خیل دوباره آغاز به کار نموده است و به تعداد ۲ الی ٤ لاری از منطقه آم چینه هر روز بدست می آورد.

به اساس شواهد از منابع مختلف شرکت برادران هیواد در طول سالیان متمادی معدن را استخراج نموده است و پول دولتی آن را نیز تحویل نداده است. استخراج احتمالی سالانه این شرکت در حدود ۵۰ هزار تن میباشد. با این حال، این شرکت هیچ نوع حق الامتیاز به دولت در طول سه سال گذشته نپرداخته است. قیمت فیروکروم در بازار بین المللی ۲٤۲۰ دالر امریکایی در هر تن میباشد. در طول سه سال گذشته این شرکت در نقاط مختلف کوه صافی دست به کار های استخراجی زده و در حدود ۱۲۰ الی ۱٤۰ هزار تن کرومایت استخراج نموده است. به استثنای یک مقدار اندک پُول گمرک، این شرکت هیچ نوع پول به دولت نپرداخته است. محاسبه ناخالص از درآمد این شرکت به حدود ۵۰ الی ٦۰ ملیون دالر میرسد. این شرکت تعهد نموده است تا ۲٦ درصد حق الامتیاز را به نرخ ۲۱۰ دالر در تن بپردازد. بر اساس این قیمت و نرخ حق الامتیاز قرارداد شده، این شرکت مقدار ۷ ملیون و ۹۸ هزار دالر امریکایی به دولت بدهکار است.

عده ای از کارمندان دولتی در وزارت معادن میگویند که شرکت هنوز هم در مرحله مطالعات قرار دارد در حالیکه عده دیگر شان که نخواستند نام شان افشاء گردد میگویند که وزیر اسبق شهرانی بعد ازینکه تحت فشار شرکت قرار گرفت، در بارهٔ پرداخت ها و نظارت لازم بر این شرکت انعطاف نشان داد[۱۰۹] عده ای از کارمندان دیگر در وزارت معادن میگویند که شرکت متذکره با استخراج معادن کرومایت در دیگر نقاط کشور توانسته است تا این سکتور را کاملا در انحصار مطلق خود در آورد.[۱۱۰] یکی از تجارانی که نخواست نامش افشاء گردد میگوید که اخیرا با جنگسالار شریک در شرکت برادران هیواد تماس گرفته بود تا با وی در انتقال کرومایت از محمد آغه و بابوس ولایت لوگر به کابل بخاطر پروسس در فابریکه این شرکت همکاری کند. سپس این جنگ سالار با وزیر معادن اکبر بارکزی تماس می گیرد و در نتیجه این تاجر جواز فعالیت را بدست می آورد.[۱۱۱]

وزارت معادن در مورد کار های استخراجی و عدم پرداخت حق الامتیاز و کرایه توسط این شرکت آگاه است اما هیچ اقدامی در این زمینه ننموده است. در تضاد مطلق با واقعیت های موجود، شرکت اخیرا درخواست تمدید مرحله مطالعات را دائر نموده است. سکرتریت **AEITI** نتوانسته است هیچ نوع ارزیابی در مورد این شرکت بر اساس سیستم گزارشدهی خود انجام دهد.

نقض قانون محیط زیست: قانون معادن افغانستان (۲۰۱۰) واضحا میگوید که فعالیت های استخراجی باید همراه با ارائه گزارش تأثیرات محیطی و اجتماعی (ESIR) باشد. قانون معادن تکمیل نمودن این گزارش را الزامی قلمداد می کند.[۱۱۲] شرکت برادران هیواد این گزارش را هیچگاه ارائه نکرده است با وجودیکه مصروف استخراج است. کار در یکی از معادن که نزدیک قریه گداخیل است سه سال می شود جریان دارد. پروژه باعث بی خانمان شدن اهالی منطقه شده است. مردم منطقه بصورت غیر رسمی مقدار پول دریافت کردند اما حقوق شان به صورت کامل داده نشده است. هیچ میکانیزم برای دریافت شکایات مردم وجود ندارد تا از آن طریق نگرانی های خود را به سمع مسولین شرکت برسانند. و همچنان تأثیرات دیگر این فعالیت ها نیز هویدا میباشد که در مغایرت با قانون معدن و قانون محیط زیست در کشور می باشد.

---

[۱۰۹] دو تن از کارمندان ارشد وزارت معادن که نخواستند نام شان افشاء گردد، ۱۴ جنوری ۲۰۱۴.

[۱۱۰] کارمند ارشد وزارت معادن که نخواست نامش افشاء گردد، ۱٦ اپریل ۲۰۱٤.

[۱۱۱] مصاحبه با یک از تاجرانی که نخواست نامش افشا گردد، ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۴.

[۱۱۲] ماده ۳۰ قانون معادن افغانستان ۲۰۱۰.

۳,۲ تأثیرات اجتماعی و زیست محیطی

موفقیت یک پروژه معدن میتواند در زندگی اطراف آن تغییرات بزرگی را ایجاد کند. بسیاری از قرارداد ها، شرکت ها را مکلف به استخدام افراد محلی بخاطر انجام وظایف پروژوی میکند.

بعضی از ماده های قرارداد کوه صافی واضحا مسئولیت های اجتماعی و زیست محیطی شرکت را بر ملا می سازد. ماده ۱۸ قرارداد به مسئولیت های شرکت در قبال محیط زیست می پردازد و در مورد تأثیرات اجتماعی آن نیز بر مشورت با مردم محلی تأکید می کند.

ماده ٤ قرارداد از شرکت میخواهد تا حدود ۱ ملیون دالر را بحیث تضمین مالی محیط و مصئونیت کارمندان شرکت به دولت بپردازد. بند ٤ همین ماده شرکت را مکلف به مصرف ۲۰ هزار دالر در امر انکشاف جوامع محلی و قریه جات اطراف معدن می کند.

شرکت متذکره هیچ نوع بودجه مصرفی برای وزارت معادن و پطرولیم جهت تأیید ارائه نکرده است. یکی از شاهدان در منطقه میگوید که این شرکت هیچ پولی را بالای انکشاف جوامع محلی در منطقه گداخیل مصرف نکرده است.[۱۱۳] در جریان بازدید از محل، نویسنده مشاهده نموده است که هیچ نوع پروژه انکشافی در این منطقه توسط شرکت متذکره اجراء نگردیده است.

ماده ١٤ قرارداد میگوید که شرکت باید شهروندان افغان را بخاطر پیشبرد کار ها استخدام نموده آنها را مورد آموزش قرار دهد. البته قرارداد شرکت را به هیچ نوع تعهد مکلف نمی سازد و هیچ زمان بندی و یا جدول دیگری در زمینه ارائه نمی کند. هشت تن از افغانهای اطراف محل استخدام شده اند که همه شان افراد غیر مسلکی و برای کار های شاقه میباشند که در مقابل ۳۰۰ دالر در ماه کار می کنند.[۱۱٤] این شرکت بر اساس مکلفیت های قرارداد خود هیچ کاری برای مردمان محلی انجام نداده است. بر عکس این شرکت مردم را تهدید نموده است که در صورت کوشش و ایجاد سکتگی در کار پروژه از زور استفاده خواهد کرد.

ماده ٢٦ قرارداد میگوید که شرکت باید سایر منازعات را در ظرف ٦٠ روز حل و فصل نماید.[۱۱۵] بسیاری از استندرد های بین المللی از شرکت های فعال در بخش معادن میخواهد تا میکانیزمی را ایجاد کند که در آن، آنها با مردمان محل ارتباط دو طرفه داشته باشند و در صورت بروز مشکلات بزودی مسایل خود را حل و فصل نمایند. یکی از بزرگان محلی میگوید که قبل از آغاز به کار نمودن، شرکت متذکره هیچ نوع مشورتی با مردمان محل نداشته است. یک تن دیگر میگوید که وی یک بار به شرکت بخاطر رفع مشکل خود به نسبت ایجاد ضرر در نتیجه کار های شرکت مراجعه نموده بود اما با تهدید مواجه گردید.

برادران هیواد نه تنها میکانیزمی بخاطر رسیدگی به شکایات مردم ایجاد نکرده است بلکه هیچ نوع افراد ارتباطی با مردمان محلی نیز تعیین ننموده است. در حالیکه ماده ۱۸ قرارداد شرکت را مکلف به انجام چنین امر می کند. بر عکس شرکت با استفاده از زور و تهدید و تعدادی از افراد متنفذ توانسته است که در این مدت کار های استخراجی خود را در منطقه متذکره ادامه دهد. در جریان این تحقیق نام چندین متنفذ منطقه که در امر استخراج شرکت را کمک می کند به میان آمد اما از ذکر آن در اینجا خودداری می شود.

---

[۱۱۳] مصاحبه با فعال مدنی در محل، بتاریخ ۲۳ جنوری ۲۰۱۴.

[۱۱٤] مصاحبه با کارمند اسبق حکومتی که در منطقه کوه صافی مستقر بود و نخواست نامش افشا گردد. اواخر ۲۰۱۳.

[۱۱۵] قرارداد کرومایت در منطقه گدا خیل ۲۰۱۱.

۳,۳ سیاست در سایهٔ تاریخ

کوه صافی یکی از مناطق استراتیژیک جنگ در دهه های ۱۹۸۰و ۱۹۹۰ میلادی بود. این زمانی است پایگاه بگرام مستقر در این منطقه در اختیار نیروهای شوروی قرار داشت و از منطقه کوه صافی مورد تهدید گروه های جنگجوی متعلق به حزب اسلامی، جمعیت اسلامی و دعوت اسلامی قرار می گرفت. عده ای از بزرگان جهادی آن زمان هنوز هم در منطقه موجود هستند و عده ای سیاستمداران از همان افراد به خاطر رقابت در استخراج معادن کرومایت استفاده می کنند.

بحران در اطراف معدن متذکره بر محور دو گروه افراد که درواقع شبکه هایی از افراد هستند می چرخد. برادران هیواد مربوط به یکی از فرماندهان پُر قدرتی هست که شبکه متفاوت خود را دارد. در سوی مقابل یکی از فرماندهان رقیب و جنرال اردوی ملی افغانستان است که از مدتی خواهان سهم خود در منافع این شرکت میباشد. این اختلافات یک بار به یک جرگه ارجاع گردیده بود. بر اساس توافق این جرگه که در آن اعضای ولسی جرگه و مشرانو جرگه نیز حضور داشتند، تصمیم گرفته شد که شرکت برادران هیواد باید ۱۰ درصد از سهم خود را به این رقیب بپردازد. البته این توافق دیر نپایید. همچنان این توافق و جرگه نمودن نشان میدهد که افراد در سطوح بالای حکومت از فعالیت های فرا قانونی این شرکت آگاه هستند.

۳,۴ تفرقه و تنازع

در متونی که در مورد معادن نگاشته میشوند توجه خاصی به خطرات و بحران های ناشی ازعدم وجود چارچوب قانونی و نهاد های لازم، شفافیت، موثریت در جمع آوری عواید و داشتن یک دید استراتیژیک شده است.

بحران روی این معدن در این اواخر یک چرخش خونینی را به خود گرفته است. مردمان محلی در مقابل فعالیت های این شرکت دست به تظاهرات زدند و در نتیجه شرکت افراد دیگری را از مناطق دیگر استخدام نمود. اولین گروه ۱۵ نفری از نازده استخدام گردید که در نتیجه افراد قلعه جلال در مقابل آن احساس تبعیض نمودند. بزرگان قلعه جلال به شرکت گفتند که مردمان محلی از منطقه آنها نیز باید بحیث محافظ استخدام گردند. شرکت برادران هیواد بعد از مباحثه مردمان قلعه جلال را نیز در این کار شامل ساختند. دو ماه بعد از این، شش تن از محافظان که همه شان از نازده بودند و در خدمت این شرکت قرار داشتند در نتیجه یک حملهٔ پلان شده از بین برده شدند. در نتیجه این کشتار، بزرگان نازده مدعی شدند و احساس نمودند که حتما این کار مربوط افراد قلعه جلال است. دو ماه بعد از این قضیه، دو تن از افراد قلعه جلال در نزدیکی ولسوالی بگرام در مقابل خانه های شان کشته شدند. همزمان با این حوادث، برادران هیواد مردمان محلی را خلع سلاح نمود و با استفاده از پولیس محلی ٤٠ تن از افراد شدیدا مسلح را بخاطر حفاظت معدن موظف نمود.

با این حال برادران هیواد به منطقه نازده بخاطر استخراج کرومایت مراجعه نمود و مردم منطقه را جهت تأمین امنیت مسلح نمود. یک گروه دیگر از شورشیان در هفته دوم ماه اگست بر نازده حمله نموده دو تن از محافظان شرکت معدن را کشته و دیگری را زخمی ساخته و سایر سلاح های شان را با خود بردند. شورشیان در حمایت از مردم قلعه جلال که دارای ۱۸۰ فامیل وارد عمل شده اند و در مقابل نازده که دارای ۱۳۰ فامیل میباشد، قراردارند و نازده خود را در این میان تنها یافته است.[۱۱٦]

اکنون مردم نازده به قوماندان پُرقدرت منطقه بخاطر حفاظت جان خود مراجعه میکنند. البته آنچه این قضایا را واضح میسازد این است که شرکت متذکره بجای اینکه بر اساس مواد قرارداد به رفع اختلافات فی مابین مردم بپردازد، مشکلات شان را با اختلاف

[۱۱٦] مصاحبه با باشنده کوه صافی که نخواست نامش افشاء گردد، بتاریخ ۲۲ اگست ۲۰۱۴.

افگنی ها بیشتر می سازد. مادۀ ۱۷ قرارداد شرکت را مکلف به پرداخت معاوضه در صورت وقوع مرگ یا جراحت بالاثر فعالیت اش مینماید اما مقدار آنرا مشخص نمی سازد.

اختلافات میان این دو گروه بر سر جمع آوری کرایه معدن به شکل یک مظاهرۀ محلی دیگر نیز نمایان گردید. جنگ سالاران نماینده خود را به مظاهره کنندگان محلی فرستادند و گفتنند که به شش تن از بزرگان این تظاهرات ٦۰۰ دالر امریکایی در ماه می پردازند تا اجازه به فعالیت های شرکت داده شود. این امر باعث ایجاد تفرقه در میان مردم گردید اما به هیچ وجه باعث پایان یافتن تظاهرات دیگران نشد. تظاهرات ادامه یافت و بعد از چند وقت یکی از لاری های مربوط به شرکت برادران هیواد در نتیجه اصابت با ماین کنار جاده انفجار نموده و ۱۰ تن در این حادثه کشته و ٤ تن دیگر زخمی شدند.[۱۱۷] این قضیه در مطبوعات محلی و بین المللی انعکاس فوق العاده یافت.[۱۱۸] والی مسؤلیت را بر طالبان وارد کرد. طالبان مسئولیت این حمله را نپذیرفتند و مالک شرکت نیز گفتۀ طالبان را تائید کرد.

به گفته منابع محلی، مسئولین این شرکت با تماس گرفتن با والی موازی طالبان ملا مناف از وی خواسته بود تا در مقابل پرداخت پول، توازن قدرت را به نفع شان تغییر دهد.

۳،۵ نتیجه گیری

معدن کرومایت کوه صافی یکی از بزرگترین عملیات های استخراج معدن در افغانستان است زیرا ٥٤ کیلو متر مربع در حیطه فعالیت این پروژه قرار دارد. با این وصف، تعجب آور است که چنین پروژه ای بزرگی در یک قرارداد میانه گنجانیده شده است. کارمندان وزارت معادن میگویند که یکی از فرماندهان محلی که عضو ولسی جرگه نیز است سهم بزرگی در این معدن دارد. این در حالیست که قانون معادن افغانستان افراد متنفذ دولتی از قبیل اعضای ولسی جرگه را از گرفتن قرارداد های معادن منع می کند.[۱۱۹]

قابل توجه است که این قرارداد تحت فشار زیاد سیاسی و یا تطمیع فرا قانونی بدست آمده است و وزارت معادن و پترولیم منحیث پاسبان و مجری قانون معادن در قبال اجرای مسؤولیت های قانونی خویش ناکام مانده است. با در نظرداشت اینکه شرکت مطابق به مواد قرارداد عمل ننموده است، فعالیت های آن فراقانونی و غیر قانونی میباشد. فعالیت های شرکت باعث ایجاد منازعات شده است که خود منجر به مرگ مردم محل گردیده است. شرکت کرومایتی که به شکل غیر قانونی از لوگر و میدان وردک استخراج می گردد، را به شکل غیر قانونی صادر می کند. شرکت همچنان بعضی از ماده های این قرارداد را بخاطر افزایش منافع شرکت و کاهش سهم دولت تغییر داده است. بصورت کُل، این پروژه نشانگر یکجا شدن منافع شخصی افراد و نخبه گان سیاسی است که در آن منافع علیا و قوانین کشور پایمال شده است.

---

[۱۱۷] همان.

[۱۱۸] آژانس صدای افغان.

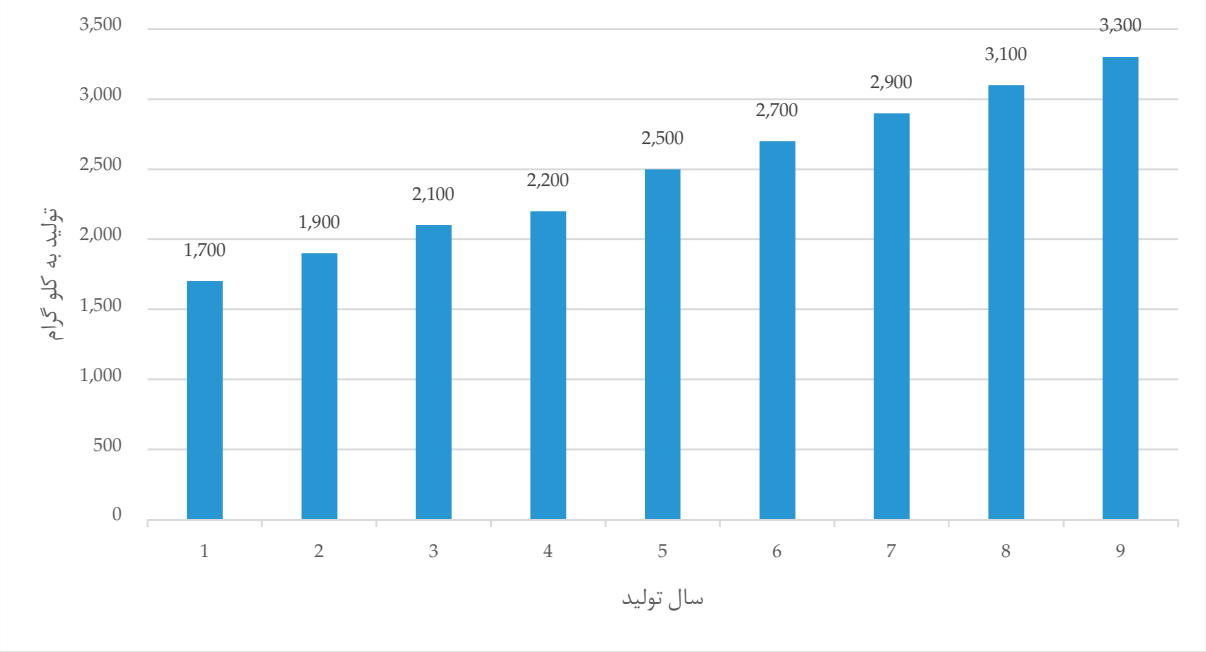
[۱۱۹] ماده ۱۴ (۲) قانون معادن ۲۰۱۰ افغانستان.

۴. طلای نورآبه و سمتی

معادن طلا نور آبه و سمتی در منطقه چاه آب ولایت تخار، در جنوب مرز با کشور تاجکستان قراردارد. این ساحه قبلا توسط روسها کشف و سروی گردیده بود. قرارداد این معادن با شرکت تجارتی ویست لند (WLGT) بتاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۰ امضاء گردیده بود.[۱۲۰] با این حال، دو قرارداد برای همین معدن طلا با همین یک شرکت وجود دارد که در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ جداگانه امضاء گردیده است. قرارداد بعدی در حقیقت نتیجهٔ بازنگری، مذاکره و موافقهٔ مجدد بالای قرارداد سال ۲۰۰۹ میباشد.

مادهٔ ۱ قرارداد اول (۲۰۰۹) شرکت را مکلف می کند تا تقریبا ۱ ملیون دالر امریکایی در جریان سروی و مرحله مطالعات مصرف کند تا مقدار ذخیره این معدن را مشخص نماید. ماده ۳ میگوید که شرکت مهلت یک ساله برای مطالعات و ۹ سال برای استخراج طلا دارد. ماده ٦ شرکت را مکلف به پرداخت ۲۰ درصد حق الامتیاز بر تولید خالص طلا (۸۵ درصد نرخ LME) می کند البته بر اساس تاریخ تولید آن.[۱۲۱] بخش دوم مادهٔ ٦ به پیشنهاد شرکت قرارداد کننده میپردازد که اندازه تولید سالانه طلا توسط شرکت WLGT را قرار گراف ۱ تعیین مینماید.

گراف ۱: تولید طلا بر اساس پیشنهاد شرکت ویست لند[۱۲۲]



بخش سوم همین ماده میگوید که شرکت باید همه حق الامتیاز را، حتی در صورتیکه کمتر از مقدار پیشنهاد شده تولید می کند، نیز باید بپردازد. بطور مثال، شرکت ویست لند باید حق الامتیاز ۲۰ درصدی برای ۱۷۰۰ کلوگرام طلا را در سال اول خود بپردازد.

[۱۲۰] قرارداد معدن طلای نورآبه و سمتی، تاریخ ۱۳۸۷.

[۱۲۱] کارمند ارشد در وزارت معادن، بتاریخ ۲۳ مارچ ۲۰۱۴

[۱۲۲] قرارداد معدن نورآبه و سمتی ۲۰۰۸ / ۲۰۰۹.

شرکت همچنان در صورتیکه بیشتر از مقدار پیشنهاد شده تولید کند، باید مقدار پوُل اضافی را نیز به دولت بسپارد. ماده ۸ میگوید که مطالعات شرکت باید در ظرف یک سال تکمیل گردد و گزارش آن به وزارت معادن ارائه شود. ماده ۹ بخش ۳ قرارداد میگوید که در صورتیکه شرکت می بیند که مقدار کافی طلا وجود ندارد باید مطالعات را متوقف سازد. ماده ۲۲ میگوید که هیچ ماده این قرارداد قابل تغییر نمی باشد.[۱۲۳] ماده ١٦ حکم می کند که شرکت باید یک فابریکه پروسس طلا را در افغانستان ایجاد نماید و این پروسه در داخل کشور باید صورت بگیرد.

۴,۱ روابط سیاسی

صاحب شرکت ویست لند کسی است بنام حاجی عبدالکبیر که در سال های ۱۹۹۰ از بخارا مهاجرت نموده و در ولسوالی آقچه جوزجان مستقر شده است. برادر وی که خواست در مسکو مستقر شود، فعلا یکی از اعضای پارلمان در روسیه میباشد. حاجی کبیر در بخش معادن افغانستان فعال بوده است و برای مدت ۷ الی ۸ سال در خوست بدون هیچ نوع تصفیۀ بدیهی های خود در استخراج کرومایت فعال بوده است. شرکت وی قبلا توسط گمرک ولایت خوست متهم به قاچاق کرومایت به پاکستان از طریق وزیرستان گردیده بود.[۱۲٤]

قرارداد طلای نورآبه و سمتی در سال ۲۰۱۳ مورد بازنگری قرار گرفت. نه تنها شرکت بخاطر عدم پرداخت بدیهی ها مورد مجازات قرار نگرفت بلکه مواد قرارداد سهل تر گردانیده شد. در نتیجه شرکت ویست لند با یک قرارداد جدید و شرایط آسان تر وارد عمل گردید.

شرکت ویست لند در این معدن از سال ۲۰۰۹ بدینسو فعال بوده و هیچ نوع بدیهی های خود در زمینه این قرارداد را نپرداخته است. حاجی عبدالکبیر دارای تجارت چای نیز است که مقر فعالیت آن از دوبی می باشد. وی در شراکت با پهلوان یحیی شرکتی بنام گنج حضور داشته است که قرارداد سه ساله استخراج کرومایت در ولایت خوست را در سال ۲۰۰۷ بدست آورده است. بر اساس این قرارداد شرکت حق استخراج ۷۳ هزار تن کرومایت و صادرات آن را بدست آورد و بر اساس قرارداد مکلف به پرداخت ٤۳۰۰ افغانی (۸۵ دالر) در تن بحیث حق الامتیاز گردید. روزنامه محور بتاریخ ۱۳ آگست ۲۰۱٤ گزارشی را نشر کرد که در آن گفته شده بود، گنج حضور الی ۱۵۰ هزار تن کرومایت را استخراج نموده اما هیچ نوع حق الامتیاز ای به دولت نپرداخته است.[۱۲۵] اسناد گمرکی در ولایت خوست نشان میدهد که این شرکت در قاچاق کرومایت به پاکستان ملوث میباشد.[۱۲٦] اسناد همچنان نشان میدهد که ریاست گمرکات سه لاری مربوط به این شرکت را نیز به تصرف خود در آورده است و از وزرات معادن خواسته است سوابق شرکت را برای شان ارسال کنند. گنج حضور کار روی این معدن را در یکی از ناامن ترین ولایات افغانستان با حمایت وزرا و جنگ سالاران به پیش برده است. میتیو دوپی در مقاله فبروری ۲۰۱۲ خود در نشریۀ مرکز مبارزه با تروریزم می نویسد که در نتیجۀ همکاری بین شورشیان و مجرمین از ذخایر کرومایت در خوست بشکل غیر قانونی استفاده میشود.

گنج حضور بعد از استخراج غیر قانون کرومایت، مواد را به پاکستان قاچاق می کرد. و ظاهرا پول تضمین رعایت قرارداد از بانک کشیده است. وزیر معادن این کار شرکت را با گفتن اینکه شرکت ضرر مالی کرده است، مورد عفو قرارداد. گنج حضور هیچ نوع تجربه کار در معادن را در گذشته نداشته است و منابع میگویند که کارمندان وزارت معادن آنها را تشویق به کار در این بخش نموده

---

[۱۲۳] ماده ۲۲ قرارداد ۲۰۰۷.

[۱۲٤] اسناد ریاست گمرکات.

[۱۲۵] روزنامه مهوار، ۱۳ آگست ۲۰۱۴.

[۱۲٦] مکتوب ریاست گمرکات به وزارت معادن، تاریخ ۱۳۸۷/۸/۵.

است. حاجی کبیر با استفاده از امکانات دوستان خود در حکومت و پارلمان قرارداد دو معدن دیگر را نیز بدست آورده است که عبارت اند از قرارداد کرومایت در میدان وردک که بر ساحه ۲٤۹ کیلو متر مربع حاویست و دیگر نیز قرارداد نمک در تخار. حاجی کبیر قرارداد طلای نورآبه و سمتی در تخار را بدست آورده در حالیکه ماده ١٤ قانون معادن افغانستان وی را فرد شایسته ای نمی بیند زیرا او قبلا بدیهی های لازم در معدن کرومایت خوست را که سالها از آن استخراج نموده بود،نپرداخته بود.

حاجی کبیر روابط عمیقی با کارمندان وزارت معادن دارد و گفته میشود که آنها درگرفتن این قرارداد ها با وی همکاری نموده اند. یکی از منابع میگوید که بعضی از کارمندان معادن بخاطر بدست آوردن منافع از این قرارداد عجله نموده بودند که مثال واضح آن ارایه کواردینات ها به شرکت بود که بعداً ثابت شد که کواردینات های ارایه شده در تاجکستان موقعیت داشت.

با وصف اینکه شرکت در این معدن برای ۵ سال فعالیت داشته است، یک قرارداد دیگر برای همین معدن و برای مدت سه سال غرض اجرای مطالعات بحیث تمدید به آن داده شده است.[۱۲۷] منابع نزدیک به موضوع میگویند که حاجی عبدالکبیر با استفاده از وکلای پارلمان بالای وزیر معادن فشار وارد نمود تا به او اجازه دهد بدون پرداخت حق دولت به کار استخراج ادامه دهد.[۱۲۸] حاجی عبدالکبیر خود نیز گفته است که وحید الله شهرانی از وی رشوت میخواست. حاجی عبدالکبیر گفته است که با استفاده از کارمندان نزدیک به وزیر اسبق بشمول یکتن خارجی، توانسته بود وزیر متذکره را وادار به موافقه نمایند و قرار گزارش های مذکور اکثرا در مقابل فشار و تطمیع گردن می نهاد.[۱۲۹] حاجی عبدالکبیر همچنان از وکلای پارلمان استفاده نموده است تا وزارت معادن را مجبور سازد از وی درخواست بدیهی ها را نکند. بر علاوه، حاجی عبدالکبیر پسر میر احمد قاسمی رئیس ولایتی معادن را نیز در شرکت خود استخدام نموده است. گفته میشود که پسر میر احمد قاسمی بسیاری از مشکلات کاری حاجی عبدالکبیر و شرکت وی را حل می کند.

پروپوزل اول که توسط شرکت ویست لند در سال ۲۰۰۸ ارائه شده بود نشان میدهد که شرکت وعده استخراج مقادیر بزرگ را در نه سال قرارداد می سپارد (به گراف ۱ مراجعه گردد). اطلاعات جمع آوری شده توسط روس ها سه نقطه را در نورآبه و دو نقطه را در سمتی (جدول ۴)که دارای مقادیر طلا میباشند نشاندهی نموده بود.

جدول ۴: ساحات دارای ذخایر طلا[۱۳۰]

اسم معدن	اسم ساحه	طلا در کلو
نورآبه	حصار	437
نورآبه	نورآبه	210
نورآبه	انجیر	155
سمتی	دو ساحه	۳۰ تن (ناخالص)

مقایسه گراف ۱ که نشانگر تولید پیشنهاد شده توسط شرکت در جریان مراحل مندرج در قرارداد با جدول ۴ که نشانگر مقدار تخمینی طلا در نورآبه و سمتی است نشان می دهد که شرکت در پیشنهاد خود برای استخراج هزاران کیلوگرام طلا از اعداد و ارقام تصادفی و خود ساخته استفاده نموده است. در واقع، نورآبه طلای چندانی نداشته است و سمتی بر اساس تخمینات دارای ۳۰ تُن

[۱۲۷] ماده ۳ قرارداد جدید در سال ۲۰۱۳.

[۱۲۸] مصاحبه با کارمند ارشد وزارت معادن که نخواست نامش افشاء گردد، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۳.

[۱۲۹] مصاحبه با کارمند ارشد وزارت معادن که نخواست نامش افشاء گردد، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳.

[۱۳۰] جدول بر اساس معلومات قدیمی جمع آوری شده توسط روس ها میباشد، ترجمه شده توسط سروی جیولوژیکی بریتانیا.

طلای ناخالص میباشد. اینکه قرارداد مملو از تخمینات مبالغه آمیز در مورد مقدار طلا است احتمالا به این دلیل است که شرکت میخواست تا با وعدهٔ عواید بیشتر دولت را ترغیب به اعطای این قرارداد نماید. کارمندان ارزیاب در تفویض این قرارداد از مقررات و استندرد های لازم عدول نموده اند. یکی از کارمندان اسبق که در شرکت WLGT دارای موقف بالایی بوده است میگوید که شرکت قصد داشت تا با استفاده از استخراج های صورت گرفته در نورآبه امکانات آن را بخاطر استخراج معدن سمتی استفاده نماید. رئیس شرکت فرصت آن را دریافت تا اول کار تفحصاتی انجام دهد سپس گزارش امکان سنجی را تهیه نموده بعداً قرارداد جدید برای استخراج را امضاء کند.

۴,۲ تغییرات مجدد در قرارداد

قرارداد دوم با شرکت ویست لند توسط کمیسیون بین الوزراتی در جون ۲۰۱۳ مورد بازنگری قرار گرفت. تعدیل مجدد قرارداد بخاطر حفظ منافع بیشتر برای شرکت در اواخر ۲۰۱۲ صورت گرفت، البته پس از آنکه شرکت استخراج را الی چهار سال ادامه داده بود. شرکت ویست لند، تحت قرار داد جدید، سه سال بیشتر برای مطالعات دریافت می نماید با وصف اینکه مولف این گزارش از یک گزارش تفتیشی دریافته است که شرکت متذکره بین آگست ۲۰۱۲ و جنوری ۲۰۱۳ مقدار ۱۲ کلوگرام طلا ازین ساحه حاصل نموده است.

با این حال، وزارت معادن و پطرولیم تحت رهبری وحیدالله شهرانی و حاجی عبدالکبیر بحیث رئیس شرکت، قرارداد را در جون ۲۰۱۳ امضاء نمودند. قانون معادن در سال ۲۰۱۰ مرحله تفحصات را شامل سروی، حفر، نمونه گیری برای مطالعه و نقشه کشی تشکیلات زیر زمینی معدن قلمداد می کند. این همچنان مرحله ایست که در آن معدن کاران پول را سرمایه گذاری می کنند. در این مرحله شرکت ها از فعالیت های استخراجی تجارتی بر حذر داشته میشوند. این قرارداد شرکت ویست لند را مکلف می کند تا مطالعه تأثیرات محیطی و اجتماعی خود را تکمیل نموده آن را بخاطر تایید به وزارت معادن و پطرولیم تسلیم نماید تا جواز استخراج را بدست آورد.[۱۳۱] شرکت همچنان مکلف است تا سروی امکان پذیری را تکمیل نموده به وزارت معادن و پطرولیم تحویل دهد.

قرارداد جدید با چندین سوال جدید مواجه است. اولا چرا باید این قرارداد را بازنگری کرد؟ آیا شرکت بدیهی های خود را پرداخته است؟ مطالعه اجتماعی و محیطی چه وقت تکمیل شده است و آیا این مطالعه بعد از تأیید وزارت معادن باعث بدست آوردن جواز استخراج شده است؟ چرا وزرات معادن سه سال دیگر را برای تفحص اضافه کرده بود؟ در حالیکه روس ها کار های دقیق انجام داده بودند و تثبیت کرده بودند که در آنجا طلا موجود است. آیا توجه لازم قبل از تفویض قرار داد شده بود؟

شورای وزیران هیچ سندی را که بتواند ثابت کند چرا این نهاد بازنگری و قرارداد جدید با شرکت ویست لند را تأیید کرد، ارائه نکرده است. منابع نزدیک به دفتر رئیس جمهور می گویند که وزیر اسبق معادن در اکثر مواقع میتوانست راه خود را در داخل شورای وزیران به دو دلیل بگشاید: اولا به شبکه ای قوی در داخل شورای وزیران تعلق داشت و ثانیا اکثر وزراء از معلومات و تجارب کافی درمورد مسایل سکتور معادن برخوردار نبودند. همچنان وزیر متذکره از حمایت جامعه تمویل کننده نیز برخوردار بود.

۴,۳ تناقضات و تخلفات

شرکت ویست لند گذشته سیاه ای در سکتور معادن دارد. این شرکت استخراج چندین معدن را انجام داده است و هیچ پولی به

[۱۳۱] قراداد معدن طلای نورآبه و سمتی.

دولت نپرداخته است. این شرکت فعلاً معدن طلای چاه آب در تخار را استخراج می کند و کار هایش در تناقض با بسیاری از قوانین ملی افغانستان قرار دارد. در ذیل مثال های از تخلفات و تخطی های این شرکت حین عملیات هایش در معادن طلای نورآبه و سمتی در قبال قوانین نافذه کشور درج گردیده است:

استخراج ازساحات غنی طلا: به گفته مفتش های که به محل سفر نموده اند، شرکت ویست لند از نقاط غنی طلا، مقادیر وسیعی طلا را استخراج نموده است. اجازه دادن همچو یک استخراج نادرست، یک مسلۀ جدی برای کشور میباشدچون این کار بدین معناست که در نقاطی که ذخیره طلا کم تر است استخراج آن غیر اقتصادی میباشد. مفتش ها این موضوع را با وزیر اسبق شریک ساختند و این نگرانی حد اقل توسط سه تن از کارمندان وزارت معادن در مواقع مختلف تکرار گردید. در حالیکه وزیر درین مورد آگاهی داشت اما وی هیچ عملی انجام نداد. توجه دولت در چنین حالات بیشتر این است که نقاط غنی معدن را اولاً شناسایی نماید، سپس پلان کاری شرکت را مطالعه کند و در اخیر آن را تأیید نماید. فعلا چنین به نظر میرسد که شرکت ویست لند نقاط غنی طلا را استفاده می کند و نقاط با فیصدی کم طلا را رها خواهد کرد.

عدم پرداخت بدیهی ها: شرکت در طول چندین سال گذشته طلا را از معدن استخراج می کند و هیچ حق الامتیازی به دولت نپرداخته است. این شرکت همچنان باید مطالعه امکان پذیری و پلان انکشافی خود را به دولت می سپرد. اما شرکت قبل از اجرای مطالعات و حتی نقشه برداری ساحه به استخراج مبادرت ورزیده است. قرارداد به شرکت حکم می کند که حق الامتیاز خود را بر اساس ارقام ارائه شده بپردازد. قرار داد میگوید که در سال اول شرکت باید ۱۷۰۰ کلوگرام تولید کند که تا سال نهم این مقدار باید به ۳۳۰۰ کلوگرام تولید در سال افزایش پیدا کند. قیمت پایه فلز بخاطر محاسبه حق الامتیاز بر اساس نرخ روز طلا مطابق به تبادله فلز لندن (**LME**) میباشد. به گفته کارمندان وزارت معادن و پطرولیم، حاجی کبیر در جریان محاسبه با استفاده از نفوذ خود توانسته است نرخ پایه محاسبه حق الامتیاز را ۸۵ درصد (۲۰۱۲) نسبت به نرخ طلای **LME** کاهش دهد. شرکت همچنان پلان کاری خویش را تهیه نکرده است. در سال ۲۰۱۲، این شرکت ۱۷۳ هزار دالر امریکایی حق الامتیاز به دولت پرداخته است اما در آن هیچ ذکری از تولید یا مقدار طلا در سال نیست.

استخراج و تفحصات: قراردادی که در سال ۲۰۰۹ با شرکت ویست لند امضاء گردیده است میگوید که مرحله مطالعات یک ساله میباشد، اما در قرارداد سال ۲۰۱۳ مرحله مطالعات برای ۳ سال تعیین گردیده است. اولین قرداد در سال ۲۰۰۹ امضاء شد و این مدت ٦ سال را در بر میگیرد و در این مدت شرکت متذکره هیچ حق الامتیازای به دولت نپرداخته است در حالیکه این شرکت مقدار زیادی طلا را استخراج نموده است. شرکت ویست لند این قرارداد را با وعدۀ سرمایه گذاری ٤٠ ملیون دالری بدست آورده بود. استخراج طلا نیز چندی پیش آغاز گردید.[۱۳۲] فعالیت های استخراجی شرکت متذکره توسط خبرگزاری پژواک نشر گردیده است. در این گزارش یکی از کارمندان اسبق شرکت ویست لند نذیر احمد امیری گفته است که راپور های ارائه شده توسط این شرکت کمتر از مقدار اصلی طلا استخراج شده در ساحه میباشد. امیری همچنان گفته است که در بین کارمندان این شرکت افراد روسی، ایرانی و پاکستانی نیز حضور داشتند که مشکوک به نظر می رسیدند. به گفته وی این شرکت در هر ماه ۱۰ الی ۱۳ کلوگرام طلا تولید می کند.[۱۳۳]حضور یک تن ایرانی، دو انجینر معدن روسی و یک خانم روسی بنام ولگا مورد تأیید کارمندان وزارت معادن که به این ساحه رفته اند قرار گرفته است.[۱۳٤] به گفته مفتشینی که به ساحه رفته اند ۱۲ تن نگهبانان در این محل حضور دارند که از دارایی ها نگهبانی میکنند. به گفته این مفتشین نگهبانان در زمان دیدار از ساحه ، حملۀکوچکی را در نزدیکی معدن صحنه سازی

[۱۳۲] دای بنندیسریگررنگ (۲۰۱۱) گزارش انکشافی افغانستان، دولت آلمان (۹ فبروری ۲۰۱۴).

[۱۳۳] گزارش خبرگزاری پژواک ۲۵ فبروری ۲۰۱٤.

[۱۳٤] مصاحبه مولف با یکی از کارمندان وزارت معادن که بدلایل امنیتی نخواست نامش افشاء گردد. بتاریخ ۲۰ آگست ۲۰۱٤.

نمودند تا کارمندان دولتی را هراسان نماید که گویا شورشیان در این ساحه حضور دارند.

معاون هیئت تفتیش چنین می گوید: "شرکت از ساحاتی که ذخایر غنی طلا در آن است، این فلز گرانبها را استخراج می کند. آنها پارچه های خالص طلارا نیز دریافت می کنند. این پارچه ها ضرورت به پروسس ندارد و میتوان فقط با پاک کردن خاک از روی آن پارچه ها، طلا بدست آورد." استخراج چنین طلای خالص از لحاظ اقتصادی و درازمدت به نفع دولت افغانستان نمیباشد. به گفته یکی از مفتشین وزارت معادن، در جریان اوج فعالیت های خود این شرکت به مقدار ۴۰۵۰ گرام طلا در روز استخراج نموده است. مفتش این ساحه می گوید: "در روزی که ما نظارت خود را آغاز نمودیم، آنها ۱۱۸۰ گرام طلا تولید داشتند و در روز دوم بالای یک انبار زباله فعالیت های استخراجی انجام می دادند تا به ما وانمود کند که در ساحه هیچ طلا وجود ندارد."[۱۳۵] این کارمند همچنان می گوید: « ما گزارش خود را به وزیر ارائه نمودیم اما هیچ اقدامی در قبال این شرکت روی دست گرفته نشد. من مطمئن هستم که شرکت توسط افراد قوی در وزارت معادن و کابل حمایت می گردد. شرکت در مورد گزارش ما نگران نبود. قرارداد مجددا به شرکت سپرده شد. به گفته یکی از منابع که از جمله کارمندان ارشد وزارت معادن است، شرکت ویست لند در جریان سه ماه گذشته ۱۲ کلوگرام طلا استخراج نموده است.[۱۳۶]

در جریان پژوهش نام های چندین تن از افراد با نفوذ مطرح شد. یکی از کارمندان وزارت معادن میگوید که رئیس پارلمان عبدالروف ابراهیمی با حاجی کبیر شریک میباشد. این شرکت متناسب با تولید خود به دولت حق الامتیاز نپرداخته است. کرایه ای که باید به دولت توسط شرکت پرداخته شود، پرداخته نشده است. بر اساس قرارداد تجدید شده ۲۰۱۳، شرکت سه سال زمان بیشتر در زمینه مطالعات به دست آورده است. منابعی که به گزارش تیم مفتشینی که ساحه را برای سه ماه نظارت نموده بودند میگویند که شرکت ویست لند در جریان یک مدت سه ماهه ۱۳ کیلوگرام طلا بدست آورده است. البته برای شرکت لازم است تا قبل از استخراج گزارش تفحصاتی خود را تقدیم کند اما با امضای قرارداد جدید چنین مکلفیتی از آن برداشته شده است.

وعده های انکشاف اجتماعی و فرار از آن: شرکت در قرارداد خود وعده سپرده بود تا ۵۰ هزار دالر امریکایی برای انکشاف اهالی محلی به مصرف برساند. این تعهد یک مرتبه ای باعث مایوسی اهالی محل شده آنانرا از پروژه منزوی می سازد. خبرگزاری پژواک ازسرمایه گذاری های نمایشی شرکت گزارش داده بود که شرکت روی یک دیوار استنادی در کنار دریا کار می کرد اما پس از مدت زمانی آن را نیز ترک نمود. شرکت همچنان بعضی از سرک ها را بازسازی نموده اما قیر ریزی نکرده است. هیچ نظارتی از اجرای قرارداد صورت نمیگیرد. شرکت میگوید که پول را به مصرف رسانیده، مگر سندی از آن موجود نیست.

منازعات با مردمان محلی: شرکت ویست لند با مردمان محلی نیز منازعاتی داشته است. این به آن دلیل بوده است که مردم خواهان پیشبرد پروژه های انکشاف اجتماعی و کار شده اند اما شرکت نتوانسته به تعهدات خود عمل کند. مقررات و استندرد های بین المللی معادن مانند "معدن کاری مسولانه"، اصول حق"، "اساس نامه منابع طبیعی"، "شورای بین المللی معدن و فلزات" بر این مسئله تأکید می کند که منازعات با مردم باید به شکل عادلانه و صلح آمیز آن حل و فصل گردد. البته شرکت ویست لند نه تنها این که قبل از شروع فعالیت با مردم مشوره ننموده بلکه در مقابل خواسته های آنها نیز از روش های صلح آمیز استفاده نکرده است. در واقع این شرکت با استفاده از پولیس محلی و شبکه های قدرتمند خواسته است تا مردم را سرکوب نماید.[۱۳۷] به گفتهٔ گزارشگری

---

[۱۳۵] مصاحبه با تفتیش گر ارشد وزارت معادن که نخواست نامش افشاء گردد. بتاریخ ١٤ دسامبر ۲۰۱۳.

[۱۳۶] مصاحبه با کارمند ارشد وزارت معادن که نخواست نامش افشاء گردد. ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳.

[۱۳۷] ماده ۲۰ قرارداد نورآبه و سمتی سال ۲۰۰۹/۲۰۰۸..

که موضوع را پیگیری میکند، اهالی محل از برخورد و فعالیت های شرکت راضی نیستند.[۱۳۸]

تغییر مقررات: در واقع شرکت ویست لند قبل از بدست آوردن قرارداد نورآبه و سمتی هیچ تجربه ای در زمینه استخراج طلا نداشته است. رئیس شرکت حاجی عبدالکبیر شریک تجارتی پهلوان یحیی در زمینه استخراج کرومایت در ولایت خوست بود اما ظاهرا بجای اینکه تجارت سالم انجام دهد در امر قاچاق سنگ ها شهرت یافته بود.

نقض مقررات، شرکت ویست لند هیچ تجربه در زمینه معدن کاری نداشت. قبل از اخذ قرارداد معدن نورآبه و سمتی، حاجی عبدالکبیر همراه پهلوان یحیی شریک شد. این شراکت در زمینه استخراج کرومایت در ولایت خوست بود. اما گزارش ها می رساند پهلوان یحیی بجای استخراج مشروع معدن، به استخراج غیر قانون دست می زد و همراه قاچاقبران این سنگ همدست شده بود.

این شرکت طلای نورآبه و سمتی را بدون پرداخت حق الامتیاز و مالیات دیگر استخراج نموده است. مولف در این مورد از کارمندان وزارت معادن و وزارت مالیه پرسش بعمل آورد. در پاسخ ، کارمندان اکثرا میگویند که شرکت فعلا در حال ضرر است. این در حالیست که گزارش های وزارت معادن نشانگر ادامهٔ استخراج در ساحه میباشد. شرکت در حالیکه به تعهدات خود عمل ننموده، قرارداد جدیدی با تمدید سه ساله دورهٔ مطالعات، بدست آورد. درین دوران شرکت به استخراج بدون تکمیل نمودن مطالعات ادامه داد. دولت این قرارداد ها را با شرکت متذکره با نیت بدست آوردن عواید عقد نموده است اما در واقع هیچ عایدی ازین مدرک دیده نشده است. در حالیکه عواید بالقوه غارت شده است.

به گفته منابع نزدیک به شرکت، حاجی کبیر طلا را از ساحه استخراج می نمود و سپس به کابل برای فروش انتقال میداد. وی همچنان تنازعاتی با شریک خود حاجی بصیر داشت که ملکیت ۱۰ درصد سهام در شرکت را با خود داشت و بعدا این شریک از شرکت اخراج گردید. ویست لند همچنان مشکلاتی با مردمان محلی داشته است و بسا اوقات این مشکلات را از طریق کارمندان محلی دولتی و یا فشار مستقیم حل و فصل کرده است.

۴,۴ نتیجه گیری

شرکت ویست لند از تجربه کافی در سکتور معادن برخوردار نیست تا طلا را در افغانستان استخراج و پروسس نماید. منابع نزدیک به این شرکت میگویند که این شرکت از حمایت یکی از جنگسالاران قدرتمند در شمال ،عبدالروف ابراهیمی رئیس پارلمان کشور، و شاکر کارگر وزیر اسبق تجارت و صنایع برخوردار است و همچنان بسیاری از اعضای ولسی جرگه از وی حمایت می کنند. برای سالیان زیادی شرکت از این ساحه طلا استخراج می نمود و بعدا قرارداد طوری تعدیل گردید که شرکت سه سال اضافی برای کار های مطالعاتی دریافت نماید.

در حالیکه شرکت ویست لند از نورآبه و سمتی طلا استخراج می کند اما این شرکت واجبات خود را به دولت نمی پردازد. این شرکت به مواردی از رشوه دهی به مفتشین بازدید کننده از ساحه نیز متهم شده است. بر علاوه، افراد و اعضای خانوادهٔ افراد کلیدی وزارت معادن در این شرکت حضور دارند تا ازین طریق بر چالش های اداری خود فایق آید. شرکت متذکره همچنان از اعضای ولسی جرگه استفاده نموده است تا وزارت معادن را وادار نماید به واجبات آنها نپردازد. شرکت وعده مصرف ۵۰ هزار دالر امریکایی برای انکشاف اجتماعی مردم را سپرده است اما در زمینه کاری انجام نداده است. شرکت همچنان ناظران را با اطلاعات نادرست گمراه ساخته است.

[۱۳۸] مصاحبه با گزارشگری که نخواست نامش افشا گردد. بتاریخ ۲ سپتامبر ۲۰۱۴.

حاجی عبدالکبیر در حالیکه در زمینه استخراج کرومایت عدم شایستگی خود را به اثبات رسانیده است اما هنوز هم میتواند بدون پرداخت به وقت واجبات، به امضا و عقد قرارداد های جدید بپردازد. شرکت در حالیکه مهلت۵ ساله مطالعاتی را از دولت گرفته است هیچ نوع معلومات در مورد حجم ذخیره معدن نسپرده است، که گمان میرود در مدت زمان مذکور شرکت در استخراج معدن مشغول بوده است.

حاجی عبدالکبیر چند قرارداد معدن دیگر نیز بدست آورده است. وی با استخراج غیر قانونی خود پول بدست می آورد اما واجبات خود را به دولت نمی پردازد. دولت نیز از راه های قانونی بخاطر اعمال فشار بر این شرکت استفاده ننموده است و هیچ نوع مجازات نیز برای این شرکت تعیین نگردیده است.

۵. ذغال سنگ گرمک غربی

قرارداد ذغال سنگ گرمک غربی میان وزارت معادن و شرکت برادران خوشک بتاریخ ۱۴ جولای ۲۰۱۲ امضاء گردید.[۱۳۹] برادران خوشک قبلا یک معدن ذغال سنگ دیگر را در ولایت هرات اداره می کردند.[۱۴۰] قرارداد گرمک غربی یک بستهٔ جواز مطالعاتی و استخراجی برای شرکت در ساحهٔ معادن میباشد. کاپی این قرارداد که در ویب سایت وزارت معادن قرار دارد و مدت آن را ۱۰ سال اعلام می کند.[۱۴۱] این قرارداد شرکت برادران خوشک را مکلف به طرح پلان مطالعاتی در جریان چهار ماه بعد از عقد قرارداد می کند که شامل پلان تخنیکی مطالعاتی، یک پلان مالی و یک پلان کاری محیط زیست میباشد. شرکت نمیتواند فعالیت های مطالعاتي خود را بدون تأیید پلان مطالعاتي توسط وزارت معادن آغاز نماید. به شرکت اجازه داده میشود که الی سه سال کار های مطالعاتي را انجام دهد. شرکت برادران خوشک مکلف است یک ESIR انجام دهد و سپس پلان حفاظت محیط زیست خود را بر اساس یافته های آن تهیه نماید. شرکت همچنان می پذیرد که فعالیت های استخراجی بعد از تکمیل مطالعات امکان سنجی و تأیید آن توسط وزارت معادن آغاز خواهد شد. انجام مطالعه امکان سنجی یکی از عناصر اصلی قرارداد است. قرارداد برای شرکت مقدار ۱۲۱۱ افغانی حق الامتیاز در هر تن تعیین می کند البته در جریان سروي مطالعاتي، شرکت باید ۵ دالر کرایه برای هر هکتار زمین بپردازد و این نرخ به ۲۵ دالر در مرحله استخراج بالا میرود. فصل ۳۲ قرارداد در مورد تنازعات بحث نموده زمان حل آن را به ۶۰ روز محدود می کند.

چارچوب مقرراتی معادن افغانستان چندین نقطه الزامي به آدرس شرکتهاي فعال در سکتور معادن دارد که عبارت اند از؛ توضیحات در مورد تجربه داوطلب و روند های قابل تطبیق در زمینه حفاظت از محیط زیست؛ وسایل جلوگیری، حد اقل سازی و از بین بردن آلودگی و تأثیر دیگر فعالیت های استخراجی؛ پروپوزل های در رابطه به آموزش افغانها و مصارفی که بالای آنها میاید؛ معلومات دیگر در رابطه به سایر انواع جواز ها و صلاحیت نامه ها[۱۴۲]؛ و شرایطی که بر اساس آن قرارداد میتواند لغو گردد و آنها عبارت اند از:

۱. قرارداد در صورت لغو می گردد که شرکت برادران خوشک و سایر یا بخشی از حقوق خود را بدون اجازه قبلی و تحریری حکومت به جناح دیگری واگذار کند.
۲. شرکت برادران خوشک آگاهانه معلومات نادرست به دولت ارائه نموده باشد. این معلومات داراي اهمیت زیاد در جریان داوطلبی، عقد و یا تطبیق پروژه ذغال سنگ باشد.
۳. نقض و یا عدم پیروی ملموس توسط شرکت برادران خوشک در زمینه شرایط، قواعد و یا مکلفیت های این قرارداد و یا قوانین دیگر افغانستان، مشاهده میشود.
۴. شرکت برادران خوشک در ضمن یک پلان مشرح مطالعاتي باید یك پلان مشرح سرمایه گذاری را نیز به وزارت معادن ارائه نماید. پلان مطالعاتی باید در ظرف چهار ماه بعد از تاریخ امضای این قرارداد به وزارت معادن ارائه گردد.[۱۴۳]

---

[۱۳۹] قرارداد معدن ذغال سنگ گرمک غربی. ۱۴ جولای ۲۰۱۲.
http://MoMP.gov.af/Content/files/Mineral%20Contracts/File_209_West_Garmak_Coal_Contract-English.pdf

[۱۴۰] قرارداد معدن سبزک. ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶. http://MoMP.gov.af/Content/files/Mineral%20Contracts/new_Sabzak_Coal_lr.pdf

[۱۴۱] بخشی از قرارداد گرمک غربی.

[۱۴۲] مقرره معادن ۲۰۱۰.

[۱۴۳] قرارداد ذغال سنگ گرمک غربی جولای ۲۰۱۲.

۵,۱ چارچوب قانونی و شایستگی

معدن ذغال سنگ گرمک غربی به شرکت برادران خوشک اعطاء شده است که مربوط به محمد رضا خوشک عضو فعلی ولسی جرگه از هرات میباشد. در کارت معرفت تجارتی محمد رضا خوشک وی بحیث رئیس شرکت برادران خوشک معرفی شده است و در قرارداد معدن نیز ایمیل و شماره موبایل این شخص دیده میشود.[۱۴۴]

این مسئله نشانگر نقض صریح و آشکار ماده ۱۴ قانون معادن (۲۰۱۰) افغانستان است. بر علاوه، مقررات داوطلبی و دعوت به داوطلبي در مراحل ابتدایی بشکل صریحی به نفع شرکت برادران خوشک تغییر داده شده اند.

۵,۲ تطبیق پروژه

گرمک غربی در ساحه ولسوالی دره صوف ولایت سمنگان قرار دارد. دره صوف یکی از غنی ترین نقاط کشور در زمینه ذغال سنگ میباشد. فعلا در حدود ۳۹۵ نقطه در سرتاسر این ولایت قرار دارد که در آنجا افراد متنفذ و جنگ سالاران محلی دست به استخراج غیر قانونی ذغال سنگ می زنند. مولف لستی از افرادی که در استخراج غیر قانونی زغال سنگ و دیگر معادن در این ساحه دست دارند را تهیه کرده است.

در نزدیکی این معدن شش قریه قرار دارد که عبارت اند از خیر آباد، بیرانگر، حسنی، حسنی برج، سرتنگی و جقرق. به گفته ولسوال دره صوف در حدود ٤۰۰ الی ۵۰۰ خانواده پراگنده در اطراف معدن ذغال سنگ زنده گی می کنند.[۱۴۵] جمعیت اینجا متشکل از سادات و هزاره هاست. در گذشته، اختلافات روی کنترول این ساحه وجود داشته است اما خوشبختانه دیگر چنین نیست.[۱۴۶] یک مکتب بنام حسنی در اینجا موجود است که در وقت های مختلف به متعلمین ذکور و اناث خدمات تعلیمی فراهم می کند. همچنان یک کلنیک در این منطقه موجود است.[۱۴۷] زمین های بسیاری للمی برای کشت گندم موجود است اما هیچ کس روی آن کار نمی کند. در این منطقه یک نوع نبات بنام انگیزه وجود دارد که مردم آن را جمع آوری نموده و می فروختند اما حاصلات آن در جریان چند سال گذشته کاهش یافته است.[۱۴۸]

معدن ذغال سنگ غربي قبل از اعطای آن به شرکت برادران خوشک در سال ۲۰۱۲، توسط ۲۰۰۰ تن از معدن کاران پیشه ور با امکانات ابتدایی مورد بهره برداری قرار می گرفت. این معدن کاران بر علیه شرکت تظاهرات نموده و ادعا نمودند که زمین مربوط آنهاست. البته شرکت توانست با استفاده از مذاکرات و فشار آنها را خاموش سازد.[۱۴۹]

---

[۱۴۴] همان.

[۱۴۵] مصاحبه با ولسوال دره صوف، سمنگان، تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۴.

[۱۴۶] مصاحبه با انجینیر بشیر احمد، کارمند شرکت برادران خوشک. تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱٤ در گرمک غربی.

[۱۴۷] مصاحبه با خان محمد، باشنده محل بتاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱٤ در گرمک غربی، دره صوف، سمنگان.

[۱۴۸] مصاحبه با سید امیر، باشنده گرمک غربی. بتاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱٤.

[۱۴۹] مصاحبه با باشنده محل که نخواست نامش افشاء گردد. ۱٦ جولای ۲۰۱٤.

۵,۳ تثبیت و استخراج

در این قرارداد شرکت مکلف به سروي مطالعاتي و استخراج میباشد. شرکت باید در مدت سه سال کار های تفحصاتي را انجام دهد تا تخمینی از ذخیره بدست آورده، مطالعه امکان سنجی را همراه با ارزیابی تأثیرات محیط زیستی و اجتماعی آماده کند و بعد از بازنگری اداره محیط زیست و بدست آوردن مجوز از سوی آن نهاد، کار های استخراجی را آغاز نماید. بخش ششم قرارداد با این شرکت چنین است که: "شرکت برادران خوشک می پذیرد که سایر فعالیت های مطالعاتي تا زمان تأیید پلان مطالعاتي توسط وزارت معادن و پطرولیم آغاز نمی گردد."[۱۵۰] مقرره معادن افغانستان (۲۰۱۰) داشتن موارد ذیل را براي دارندۀ جواز الزامی می داند:

۱. نقشه برداری جیولوژیکی باید تکمیل گردیده باشد
۲. تعداد نمونه های جیو شیمي اخذ شده
۳. نوع و مقدار کار جیو فزیکی
٤. حفریات در متر (کوبه ای / برمه ای)
٥. تعداد حفر های نمونه و خندق های حفر شده و طول خندق های حفر شده
٦. تعداد و حجم نمونه های گرفته شده
۷. تعداد و انواع تعیین خلوص / عیارگیری ها
۸. اینکه آیا آزمایش فلزشناسی صورت گرفته است یا خیر
۹. اینکه آیا مطالعات امکان سنجی (تخنیکی) معدن صورت گرفته است یا خیر

برادران خوشک هیچ نقشه، پلان تفحصاتي، بودیجه و یا پلان های حفاظت از محیط زیست را ارائه ننموده اند اما به کار های استخراجی خود دوام داده اند. ده ها نمونه تخطي و تخلف در قبال قواعد معادن کشور دیده میشوند.کارمندان این شرکت میگویند که تفحصات جریان دارد، اما مشاهدات در جریان کار های ساحوی نشان میدهد که هیچ حفریاتی تاکنون صورت نگرفته، این در حالیست که شرکت به خاموشی به کار های استخراجی ادامه می داد.[۱۵۱] شرکت همچنان هیچ کدام از مطالعات خود را با دولت شریک ننموده است. کارمندان ارشد وزارت معادن که به ساحه سفر نموده اند می گویند «شرکت برادران خوشک به استخراج آغاز نموده است. شرکت باید برای ۳٦ ماه کار های تثبیتی انجام می داد اما بر عکس این شرکت، ذغال استخراج نموده است. زمانیکه من به منطقه رفتم مردم بر علیه شرکت تظاهرات را براه انداخته بودند. شرکت فعلا ٦۰۰ تن ذغال را در زمین باز انبار نموده است.[۱۵۲]وزارت معادن و پطرولیم همچنان هیچ نوع نقشه ها و گزارشات تفحصاتی واقعی دریافت ننموده است، چیزی که بخاطر گرفتن جواز استخراج لازمی میباشند.

به گفته باشنده گان محلی، شرکت برادران خوشک در جریان سال گذشته به استخراج ذغال دست زده است (به تصویر مراجعه گردد).[۱۵۳] حدود ۲۳۰ تن کارگر در این محل همه روزه در استخراج معادن مصروف هستند که مطابق با استخراج پول دریافت می کنند. هر کارگر ماهانه حدود ۱۵ الی ۲۰ هزار افغانی دریافت می کند. در جریان ماه رمضان، این شرکت حدود ۱۵۰ الی ۲۰۰ تن ذغال استخراج می کند چون استخراج در جریان شب صورت میگیرد، و در مابقی ماه ها این شرکت بین ۲۰۰ الی ۳۰۰ تن ذغال در روز تولید دارد.

[۱۵۰] بخش ششم قرارداد، امضاء شده توسط وزارت معادن و پطرولیم.

[۱۵۱] مشاهدات در جریان سفر ساحوی به معدن ذغال سنگ، ١٦ جولای ۲۰۱۴

[۱۵۲] مصاحبه با کارمند ارشد وزارت معادن که بدلایل امنیتی نخواست نامش افشاء گردد، بتاریخ ۱ جون ۲۰۱٤.

[۱۵۳] مصاحبه با باشنده محلی در گرمک غربی که نخواست نامش افشاء گردد. بتاریخ ۱۷ جولای ۲۰۱۴.

تصویری از تونل داخل معدن با چهار کارگر (۱۷ جولای ۲۰۱٤)



تصویر: ج نورانی

مرحله مطالعات، بر اساس قرارداد هنوز هم ادامه دارد و به گفته یکی از کارمندان این شرکت مطالعات احتمالا ۵ سال طول خواهد کشید. مقدار استخراج بر اساس تخمین های محافظه کارانه در جریان یک سال (۳۳۰ روز) در حدود ۸۸ هزار تن میباشد (به جدول ٦ در پائین مراجعه کنید)

جدول ۵: استخراج تخمینی در یک سال، عواید، حق الامتیاز و کرایه

تعداد روز ها در سال	اوسط تن در روز	نرخ ذغال	عواید به دالر امریکایی	حق الامتیاز (US$21.5[۱۰٤] per Ton)	کرایه (US$25)
330[۱۵۵]	267[۱۵٦]	US$90[۱۵۷]	7,929,900	1,894,365	۳۱۲٦۲,۵

منبع: محاسبات مولف

به گفته یکی از مسئولین در وزارت معادن، این شرکت فقط ۱۵ ملیون افغانی حق الامتیاز برای استخراج معدن پرداخته است در

[۱۰٤]نرخ اصلی حق الامتیاز به افغانی میباشد اما بخاطر این تحقیق به دالر تبدیل گردیده است.

[۱۵۵]تعداد روز های کاری با در نظرداشت رخصتی های ملی.

[۱۵٦]اوسط تولید در جریان ماه رمضان ۲٦۷ تُن در روز میباشد.

[۱۵۷]بخاطر تسهیل محاسبه نرخ ذغال در تُن ۹۰ دالر در نظر گرفته شده است.

حالیکه این شرکت باید ۲۵ دالر در هکتار کرایه از بابت زمین استفاده شده در جریان مطالعات نیز بپردازد. مقدار ۱۵ ملیون افغانی بحیث حق الامتیاز بدون محاسبه دقیق استخراج پرداخته شده است. این موضوع توسط یکی از کارمندان ارشد دیگر در وزارت نیز تأیید گردیده و به گفته وی پرداخت ۱۵ ملیون افغانی نیز بخاطر گریز از مجازات قانونی و جریمه ها صورت گرفته است. شرکت همچنان از پرداخت کرایه و یا مالیات فروش تولیدات طفره رفته است. برادران خوشک مقدار ۱,۹ ملیون دالر امریکایی به دولت از بابت حق الامتیاز استخراج ذغال در یک سال بدهکار است[۱۵۸] و ۱٦۲۵۰ دالر سالانه از بابت کرایهٔ ٦۵۰ هکتار زمین شامل قرارداد مدیون میباشد.

۵,۴ تناقضات و تخلفات

بر علاوه استفاده از نفوذ سیاسی و قدرت دولتی بخاطر گرفتن مجوز معدن، این شرکت چندین تخلف را مرتکب شده است. این تخلفات ماهیت حقوقی، مالی و اجتماعی دارد. خطاء های برجسته که باید دولت به آن به سادگی می پرداخت عبارت اند از:

تخلفات حقوقی: این قرارداد به یک عضو برحال ولسی جرگه (محمد رضا خوشک) واگذار شده است در حالیکه بند ۲ ماده ١٤ قانون معادن افغانستان (۲۰۱۰) میگوید که اعضای ولسی جرگه مانند سایر مقامات ارشد دولتی نباید گیرنده قرارداد های معادن باشند. [۱۵۹] بر علاوه، یکی از مشکلات دیگر این قرارداد آن است که مدت باز بودن داوطلبی برای معدن ذغال سنگ گرمک غربی که به تاریخ ۱۰ نومبر ۲۰۱۰ اعلان گردید، فقط هفت روز بوده است که مخالف روند عادی داوطلبی است که حد اقل یکماه میباشد.[۱٦۰] این قرارداد به یک داوطلب – برادران خوشک – سپرده شده است که تنها شرکت داوطلب در این داوطلبی بوده است – این امر خود مخالف قانون معادن افغانستان است. [۱٦۱] کارمندان وزارت معادن که در این رابطه با ما گفتگو نمودند میگویند که وزیر اسبق معادن بعد از یک جلسه با محمد رضا خوشک این قرار داد را عقد کرد. [۱٦۲]

تخلفات مالی: بر اساس این قرارداد شرکت باید ۱۲۱۱ افغانی حق الامتیاز در مقابل هر یک تن ذغال استخراج شده از این معدن بپردازد.[۱٦۳] شرکت باید کرایه در مقابل هر هکتار زمین در جریان تثبیت ۵ دالر امریکایی بپردازد و این مقدار در جریان استخراج ۲۵ دالر خواهد بود. واجبات کرایه زمین و حق الامتیاز این شرکت فعلا قرار ذیل است:

- حق الامتیاز: ۱۸۹٤۳٦۵ ادالر امریکایی
- کرایه: ۳۲۵۰ دالر برای سال اول، ۱٦۲۵۰ دالر برای سال دوم که در مجموع ۱۹۵۰۰ دالر امریکایی می گردد.

چنانچه در بالا ذکر گردیده، شرکت فقط ۱۵ ملیون افغانی پرداخته است که مساوی است با ۲٦۵۵۰۰ دالر امریکایی در یک سال. در ضمن شرکت برادران خوشک مالیات برعایدات خود را نیز نپرداخته ها است که خود ملیون ها افغانی می شود.

نقض قانون محیط زیست: این یک حقیقت مسلم است که معادن ذغال سنگ دارای تاثیرات منفی بالای آب، خاک و هوا میباشد.

---

[۱۵۸] برادران خوشک بصورت اوسط برای ۳۳۰ روز در سال گذشته استخراج بعمل آوردند و حق الامتیاز هر تُن ذغال ۱۲۱۱ افغانی میباشد.

[۱۵۹] ماده ۱۴ قانون معادن افغانستان ۲۰۱۰.

[۱٦۰] روزنامه انیس ۳۰ اکتوبر ۲۰۱۱.

[۱٦۱] ماده ٢٤ قانون تدارکات افغانستان ۲۰۰۸

[۱٦۲] همان

[۱٦۳] صفحه ۹ قرارداد معدن ذغال سنگ گرمک غربی، ١٤ جولای ۲۰۱۲.

بطور مثال، گزارش زیست محیطی که توسط گروهی از کارشناسان تهیه شده است میگوید:

"تأثیرات زمین مورد استخراج زغال سنگ موجب تحولات نا خوشایندی بالای منطقه میشود. ضرر به نباتات، حیوانات و انسان در نتیجه تخریب و از بین بردن مسکن و آلوده شدن محیط بوجود می آید. کار معدن بر سطح زمین، زمین را از قابل استفاده بودن کاملا خارج میکند. استخراج معدن نه تنها ذخایر زیرزمینی آب آشامیدنی را بلکه دریاچه ها را نیز آلوده می سازد. معدن کاری زیر زمین باعث آلوده شدن و تغیر جریان دریاچه ها می گردد." [۱٦٤]

در نتیجه فعالیت های استخراجی معادن ذغال سنگ و شیوع پایرایت در آب و هوا، اسید سلفوریک آندیرون پدید می آید. تیزابیت این مواد در ذات خود تأثیرات بد صحی دارد اما یکی از خصوصیات دیگر آن حل نمودن مواد فلزی چون منگنیز، زِنک و نِکل است که بعدا شامل جریان آب میگردد.[۱٦٥] ازین رو فعالیت های این شرکت که در مغایرت با قانون محیط زیست افغانستان قرار دارد باعث ایجاد مشکلات شدید صحی و محیطی برای مردم این منطقه می گردد.

بر اساس پارامتر های مقرره ۲ ارزیابی تأثیرات محیطی، استخراج معادن میتوانند تأثیرات بسیاری منفی محیطی داشته باشد؛ ازینرو اداره ملی حفاظت از محیط زیست تنها اداره ایست که میتواند چنین جوازی را صادر نماید. [۱٦٦]

شرکت برادران خوشک گزارش تأثیرات محیط زیستی خود را ارائه ننموده است. مقرره ارزیابی تأثیرات محیط زیستی، ارائه گزارش ارزیابی تأثیرات محیطی را الزامی قلمداد می کند.[۱٦۷] این شرکت ذغال های استخراج شده را در فضای باز جمع می کند که باعث یکجا شدن آن با آب باران می گردد (به تصویر ذیل مراجعه گردد). [۱٦۸] یکجا شدن آن با آب باعث متأثِر شدن آب های زیر زمینی و سطحی میگردد. فلهذا اثرات منفی بالای زراعت داشته ، تهدیدی به زندگی انسان ها و محیط زیست میباشد.

نقض استندرد های صحی و بهداشتی: استخراج ذغال یک فعالیت خطرناک است و در نتیجه معدن کاران با خطرات جدی و مرگبار مواجه می گردند. لباس و وسایل استندرد برای استخراج ذغال عبارت اند از کلاه های چراغدار، عینک، ماسک، لباس ضد حریق، دستکش ها و موزه های معدن.

پلان مصئونیت معدن یکی از مهمترین عناصر یک قرارداد میباشد. مقررهٔ معدن افغانستان حکم می کند: «قبل از آغاز داوطلبی یک معدن، وزارت معادن در مورد لوازم[۱٦۹] شایستگی شرکت مانند مهارت های لازم مسلکی و تخنیکی و توانمند، منابع مالی، وسایل و دیگر تسهیلات فزیکی، ظرفیت اداری، تجارب، حیثیت تجارتی و پرسونل آن تصمیم می گیرد. »

با این حال، وزارت معادن در مورد این چنین نیازمندی ها انعطاف نشان داده و قرارداد ذغال سنگ را به شرکت متذکره اعطاء نمود. در سایر جا ها امراض مرگبار در میان کارگران معادن عام میباشد. یک گزارش خبری در هند می گوید: «در حدود ۳۲ تن از معدن کاران امسال در نتیجهٔ امراض قلبی از دنیا رفته اند که از آن میان ۱۱ تن در زمان کار نمودن در داخل معدن فوت نموده اند احتمالا

[۱٦٤] کیتینگ مارتا (۲۰۰۱) از گهواره تا گور: تأثیر محیطی ذغال سنگ، صفحه انترنتی.

[۱٦٥] انستیتوت تحقیق قوه برقی (۱۹۹۹). گزارش نهایی. جون.

[۱٦٦] بخش دوم مقرره ارزیابی تأثیرات محیط زیستی در افغانستان سال ۲۰۰۸.

[۱٦۷] ماده ۱۴ قانون محیط زیست افغانستان ۲۰۰۷.

[۱٦۸] مشاهده و تصاویر گرفته شده در جریان سفر ساحوی. ۱۷ جولای ۲۰۱۴.

[۱٦۹] ماده ۱۰ مقرره معادن افغانستان ۲۰۱۰.

بدلیل فشار های شدید در جریان کار در معادن. همچنان در معادن باز. یک مقاله روزنامۀ دی هندو در سپتامبر ۲۰۱٤ چنین حکایت می کند:

> *شواهد نشان میدهد که حد اقل ۱۵ مورد حمله قلبی در هر ماه در شفاخانه این منطقه رخ میدهد. تنفس هوای آلوده معدن دلیل اصلی امراضی چون نفس تنگی و توبرکلوز گردیده است. منبع این خبر نخواست نامش افشا شود.*[۱۷۰]

ذخیرۀ ذغال در نزدیکی معدن گرمک غربی (۱۷ جولای ۲۰۱٤)



تصویر : ج. نورانی

برادران خوشک تجارب مسلکی در سکتور معادن ندارند. تجارب قبلی آنها در استخراج ذغال از معدن سبزک بوده است که در آنجا آنها از ابزار سنتی استفاده نموده و اکثراً متهم به پرداخت نامکمل واجبات گردیده اند. این شرکت همچنان تفتیش نتوانسته است که سایر مقررات را در معدن گرمک غربی برآورده سازد.

این شرکت هیچ سیستم تهویه و یا وسایل اندازه گیری مقدار گاز میتان را بخاطر جلوگیری از انفجارات، تنظیم ننموده است. در چندین مورد در داخل صوف های معدن شکستگی پدید آمده است که باعث مرگ و زخمی شدن کارگران معدن شده است اما

[۱۷۰] دایا شنکر، سنگرانی. دی هندو ۲٤ سپتامبر ۲۰۱٤.

شرکت توجه لازم به جلوگیری از وقوع مکرر چنین رخداد ها ننموده است. به گفته یکی از منابع وی مرگ دو تن از کارگران را در نتیجهٔ انفجار، به چشم خود مشاهده نموده است که قبل از رساندن به شفاخانه، دو ساعت در محل باقی ماندند تا کارگران همکار شان موتر سایکل را آورده آنها را به شفاخانه شهر انتقال دادند. یکی از آنان قبل از رسیدن به شفاخانه جان باخت. قربانیان این انفجارات معاوضهٔ اندک دریافت کردند.

تصویر در زیر نشاندهندهٔ کارگران فعال در معدن ذغال سنگ گرمک غربی میباشند که با لباس های عادی در دهنهٔ صوف این معدن سگریت میکشند که در ذات خود کار غیر مصئون است.

فعالیت غیر مصئون در ساحه دخولی معدن (۱۷ جولای ۲۰۱۴)



تصویر: ج. نورانی

تحقیق همچنان دریافته است که تخلفات دو جانبه ای موجود میباشد. بطور مثال، یکی از تخلفات این است که در بخش ۸ قرارداد گفته شده است: «حق الامتیاز ۱۲۱۱ افغانی بالای شرکت در مقابل هر تن در جریان تثبیت و استخراج و در همه اوقات اعمال می گردد.»

قانون معادن افغانستان، تثبیت و استخراج را دو کار متفاوت از هم معرفی می کند. تعریف تثبیت شامل سایر فعالیت ها بخاطر

کشف معدن و مقدار و کیفیت ذخیره زیر زمینی است تا از آن طریق ارزیابی درست از امکان پذیری استخراج ارائه داده شود.[۱۷۱]

این قرارداد خط فاصل میان تثبیت و استخراج را مبهم می سازد که در نتیجه کار های غیر قانونی برای شرکت آسانتر می گردد و ذاتآ در تطابق با قانون معادن نیست. دلیل این که مسئولین دولتی دست به چنین امری بزنند، چیست؟ منابع در داخل وزارت معادن میگویند که پسر یکی از کارمندان ارشد ریاست تفتیش در شرکت برادران خوشک اجرای وظیفه می کند و ازینرو کارمند متذکره علاقه مندی به نظارت بر اعمال این شرکت نشان نمیدهد و هرگاه چنین اتفاقی رخ هم دهد وی گزارش را طوری تنظیم می کند که به نفع شرکت تمام شود.

۵،۵ نتیجه گیری

شرکت برادران خوشک مربوط به یکی از اعضای پارلمان کشور است که در مراحل مختلف از قبیل داوطلبی، ارزیابی و مذاکرات نهایی از نفوذ خود استفاده نموده است. همین شرکت یک قرارداد دیگر در سبزک هرات را نیز در اختیار دارد. منابع در داخل وزارت معادن میگویند که شرکت برادران خوشک بیشتر تولید می کند و کمتر پس می دهد.

شرکت در بسیاری از موارد نتوانسته است که واجبات خود را بر وقت اداء کند. شرکت در منطقه گرمک غربی در جریان مرحله تثبیت، ذغال را استخراج نموده است که خود امر غیر قانونی است. با این حال دولت نه شرکت را از این کار منع نموده است و نه هم آن را وادار به پرداخت واجباتش نموده است. شرکت تأثیرات محیطی و اجتماعی پروژه را ارزیابی ننموده است و حتی پلان های حفاظت محیط زیست خود را نیز تهیه نکرده است. کارگران این شرکت نیز با خطرات انفجار ها مواجه میباشند.

تهدیدات مرگ نیز در معدن وجود دارد بخصوص بخاطر غفلت شرکت، همچنان تنازعات با مردم نیز موجود بوده است. کارگرانی که در نتیجه فعالیت های غیر مسئولانه جان خود را از دست داده اند، مقدار بسیار اندک پول بحیث جبران خساره به فامیل های شان پرداخته شده است و حکومت نیز در واکنش به این عملکرد شرکت ناکام بوده است. شرکت مقدار متناسب حق الامتیاز ها و یا مالیات دیگر را نمی پردازد.

۵،٦ نظرات شرکت

در یک نامه به دیدبان شفافیت افغانستان در ماه جون ۲۰۱۵، رئیس شرکت برادران خوشک چنین نگاشته است:

- در صفحه ۵ گزارش شما ساحه قرارداد گرمک ٦۵۰ هکتار ذکر شده در حالیکه در قراداد (۱۲،۵) کیلومتر مربع معادل (۱۲۵۰،۵) هکتار زمین میباشد . اصلاح گردد.
- تذکر رفته که استخراج جریان دارد. از لحاظ نورم های معدن کاری در مرحله تفحص واکتشاف معدن که برای سه سال اول در قرارداد تعین گردیده سوف های اکتشافی ،شورف ها وجر های اکتشافی که به منظور دریافت رگه های معدنی وتثبیت ذخیره معدن حفرمیگردد وطبقات ذغال را قطع مینماید ذغال که بدست میاید به نام تولید یاد میشود نه استخراج ودر تمام معادن جهان معمول است، استخراج مواد معدنی یک پروسه مغلق و پیشرفته علمی بوده که به رویت پلان کاری قبلا" منظور شده در ختم مرحله تثبیت ذخیره واکتشاف معدن در صورت اقتصادی بودن معدن آغاز میشود .
- رئیس شرکت برادران خوشک محمد رضا خوشک ذکر شده در حالیکه رئیس شرکت الحاج دیدارعلی وطندوست و

[۱۷۱] ماده ۳، بند ۱۵ قانون معادن افغانستان ۲۰۱۰.

معاون شرکت علی آغا میباشد .

- معدن ذغال سنگ گرمک قبل از عقد قرارداد توسط افراد زورمند محل بشکل غیر قانونی استخراج میگردیه وهیچ نوع عواید به دولت نمی پرداختند بعد از عقد قرارداد دولت نتوانست الی یک سال ساحه معدن را به این شرکت تسلیم نماید که خود مانع تطبیق پلان های شرکت به موقع معینه گردیده است وتا فعلا" هم این مشکلات موجود است.
- این شرکت با وجود این همه مشکلات توانسته پلان امور تفحص ، اکتشاف وتثبیت ذخیره معدن مذکور را طی مدت دوسال تکمیل وراپور مکمل آنرا شامل مطالعات تخنیکی - اقتصادی معدن، نقشه ها ی جیولوجیکی ،توپوگرافی با مقاطع نقشه جر ها ،انلیز ومسیل محیط زیستی وایمنی معدن به ریاست محترم کادستر معادن وزارت محترم معادن وپترولیم به تاریخ ۹٤/۳/۹ ذریعه مکتوب شماره ۲۸۲ این شرکت غرض اخذ منظوری مقام محترم وزارت تسلیم گردیده است.
- شرکت برادران خوشک پلان مکمل پیشبینی تفحصاتی –اکتشافی خویش شامل شامل پلان تخنیکی ،مالی وسرمایه گزاری ،پلان محیط زیستی صحت وایمنی معدن را برای سال های ۱۳۹۲-۱۳۹۵ به موقع معین ترتیب وبه وزارت محترم معادن وپترولیم اریه نموده که بعد اخذ منظوری مقام وزارت پلان مذکور ذریع مکتوب نمبر ۳۲۳/٥٤۸ مورخ۱۳۹۲/٤/۹ آمریت قراردادها وجواز دهی معادن به این شرکت مواصلت نموده وشرکت مطابق آن عمل نموده است پلان مذکور به ریاست کادستر معاد ن ریاست تفتیش معادن و نزد شرکت موجود است .گذارش از اجرای فعالیت های معدن کاری به شمول نقشه ها راپور های یشرفت کار به طور ربع وار به ریاست محترم کادستر معدن ارایه کردیده وکاپی اسناد آن نزد شرکت موجود است .
- کرایه سطح زمین در سه سال اول قرارداد (دوره تفحص واکتشاف) ٥ دالر میباشد که توسط شرکت پرداخت گردیده و آویز تحویلی آن موجود است . برعلاوه بابت پرداخت رویالتی مقدار ذغال سنگ که در جریان تفحص واکتشاف تولید گردیده تافعلا" شرکت مبلغ ۳۸٤۰٦۱۲٤ سی هشت ملیون جهرصدو شش هزارویکصدوبیست چهار افغانی تحویل نموده آویز های آن موجود است ومتباقی ۳۷ ملیون افغانی آن به رویت اقساط به موقع معینه پرداخت میکردد در حالیکه شرکت تا فعلا" در معدن مزکور ۲۰۲۲٤۹٥۹۹ افغانی معادل بیش از سه ملیون دالر سرمایه گزاری نموده است مطلبق قراداد رویالتی هر تن ذغال سنگ مبلغ ۱۲۷۰ افغانی وکرایه سطح زمین در سه سال اول ٥ دالر میباشد مسایل حقوقی ومالی شرکت قبلا" توضیح گردید ضرورت به تکرار آن نمی بینیم .
- در ساحه کانتور معدن ،قریه جات زمین های زراعتی و چنگلات موجود نیست تا از فعالیت های معدن کاری ما متضرر گردد .
- شرکت به قدرکافی کلاه ،لباس موزه وچراغ معدنی خریداری وبالای معدن موجود دارد اما کارگران که اکثریت شان مربوط به افراد زورمند منطقه هستند با وجود تقاضا وفشار های مکرر شرکت، کارگران از پوشیدن لباس، عینک، دستکش وبوت خودداری مینمایند و چندین بار به همین خاطر انجینران شرکت توسط کارکران مورد لت وکوب وحتی از آمدن در معدن ممانعت گردیدند.
- شرکت برادران خوشک در سطح کشور یگانه شرکت پیشتاز در عرصه معدن کاری بوده ویگانه شرکت داخلی که توانسته امورتفحص اکتشاف وتثبیت ذخیر معدن سبزک هرات به کتگوری **C1** با اجرای ۱۳ چاه برمه به عمق هرچاه بیش از یکصدو پنجاه متر، ترتیب نقشه های جیولوژیکی ،توپوگرافیکی انلیز وتکمیل راپور مطالعات اقتصادی –تحنیکی معدن سبزک را به شکل علمی آن تکمیل ومورد منظوری مقام محترم وزارت معادن وپترولیم نیز قرار گرفت فعلا" تثبیت ذخیره معدن گرمک غربی را تکمیل وغرض منظوری به وزارت محترم معادن وپطرولیم ارایه نموده دو بار مفتخر به دریافت تقدیرنامه به خاطر تطبیق بهتر قرارداد واستندرد های معدن کاری وتحسین نامه به خاطر حفظ و رعایت مسایل زیست

محیطی وایمنی معدن کاری از طرف وزارت محترم معادن وپترولیم گردیده است.

- شرکت پروسه استخراج از معدن سبزک وتولید از معدن گرمک را تحت نظر هیئات دایمی وزارت معدن وپطرولیم انجام داده ومطابق راپور های ارایه شده هیت رویالتی آن به حساب وزارت معدن تحویل میگردد در معدن سبزک هرات در جریان ۹سال قرارداد تمام مکلفیت های مالی خویش را به جانب دولت عم از وزارت محترم معادن وزارت محترم مالیه پرداخت نموده ویک افغانی بدهکار نمیباشد. از معدن گرمک ، قسمت اعظم پول خودش را پرداخت نموده وقسمت کم باقی مانده آنرا به رویت قسط به موقع معین آن پرداخت میگردد در مورد تولید ویا استخراج ، پلان محیط زیست وتاثیرات اجتماعی آن در پراگراف های بالا تذکر به عمل آمده است.
- در اخیر یاد آور میشویم که این شرکت زیاد علاقه مند به پروسه شفافیت بوده زیرانبود شفافیت در پروسه معدن کاری این شرکت را زیاد متضرر نموده ناامنی ،اخاذی ها ،عدم همکاری نهاد های دولتی وجود زورمندان محل وتولید خودسر وغیر قانونی از معادن ذعال سنگ توسط این افراد سبب دلسردی سرمایه گزاران گردیده است.
- یاداشت: تمام موارد مذکور توسط شرکت درست و مستند است. شرکت آماده ارائه اسناد در هر وقت ضرورت می باشد.

تحلیل و تجزیه، نتیجه گیری و پیشنهادات

یافته های این تحقیق نشان میدهد که شرکت های برنده قراردادهای معدن از روابط قوی سیاسی و نفوذ خود در بخش داوطلبی و واگذاری قرارداد ها استفاده می کنند و در زمینهٔ اهدای قرارداد ها و مراعات، فشار شدید سیاسی دخیل میباشد. بطور مثال، مثال هایی از شریک سازی معلومات داخلی با شرکت ها دیده شده است. بعضی از شرکت های برنده در شراکت با وزیر و یا کارمندان ارشد وزارت معادن و پطرولیم کار کرده اند. سود جویی متقابل سیاسی که باعث نهادینه شدن نفع بردن ظاهری توسط شرکت ها شده در حالیکه اعضای برحال ولسی جرگه، وزرا، جنگ سالاران و سیاستمداران افراد ذی نفع واقعی می باشند، تعاملات و روابط را تعریف می نماید.

نمایندگان دولت به منفعت افراد و شرکت های قدرتمند سیاسی اولویت میدهند. اسناد قرارداد ها دارای خلا هایی هستند که شرکت ها میتوانند از آنها بخاطر پوشاندن فعالیت های غیر قانونی خود استفاده کنند. پروسه داوطلبی در تمام موارد که در این تحقیق تحت پوشش قرار گرفته، به شکل سیستماتیک طراحی شده تا نخبه های سیاسی به آسانی بتوانند قرارداد ها را بدست آرند.

شرکت های که قرارداد ها را گرفته اند، هیچ نوع تجارب مسلکی معادن را در گذشته نداشته اند. با این حال، آنها در رقابت با شرکت هایی که دارای بهترین و با تجربه ترین سابقه کاری بودند، برنده اعلام گردیده اند. شرکت ها در مراحل پروپوزل وعده های بسیار دل پسند ارائه نموده اند تا به مرحلهٔ بعدی راه پیدا کنند. در مراحل مذاکرات، تأثیر واضح نفوذ سیاسی جدی در حمایت از شرکت های برنده دیده میشود.

تناقضات متعددی در مراحل تطبیق دیده شده است. قرارداد ها بشکل بسته ای داده میشود که در آن مراحل تثبیت و استخراج نگاشته میشود. کمپنی ها در مرحله تثبیت حجم معدن، به استخراج نیز دست می زنند. نمونه هایی از منازعه با مردمان محل نیز دیده شده است بشمول یک برخورد خشونت آمیز میان مردمان محلی و مسئولین شرکت استخراجی. پروژه معدن کوه صافی باعث ایجاد تفرقه در میان مردم گردید که در نتیجهٔ خشونت های ناشی ازین تفرقه ۱۹ تن جان خود را از دست دادند. همچنان توطهٔ اختلافات و خشونت در بین مردم منطقه قره زاغان که منتج به تهدید مردم محل و یک واقعهٔ قتل یک متنفذ گردید، از مثال های دیگر میباشد .

نقض قوانین، مقررات و مواد قرارداد نیز در جریان داو طلبی و اهدای قرارداد ها دیده شده است. در عین حال، ادارات در وزارت معادن و اداره محیط زیست یا مسئولیت های خود را واضحا از یاد برده اند و یا هم با استفاده از موقف رسمی در مقابل فشار های وارده و تطمیع توسط شرکت به نفع آنها کار کرده اند.

نفوذ سیاسی و روابط همچنان باعث گردیده است تا شرکت ها در مرحله تطبیق پروژه در مقابل قانون و سایر مقرره ها مصئون بمانند. کادستر که بر اساس ماده ۸ قانون معادن سال ۲۰۱۰، مسئول ارزیابی و جمع آوری واجبات مانند حق الامتیاز و کرایه زمین میباشد، در چندین مورد نتوانسته این مسئولیت را به انجام برساند. ریاست تفتیش نیز نتوانسته است وظایف نظارتی خود را بدرستی انجام دهد، حتا در مناطق امن. سوء استفاده ادارات دولتی نه تنها در مرحلهٔ واگذاری مشاهده شده است، بلکه این مسئله تا به مراحل فعالیت، استخراج، پاک سازی و صادرات تولیدات نیز پیش رفته است.

این پنج قرارداد عواید چندین صد ملیون دالری برای شرکت های متذکره در سال داشته است اما اکثریت آنها حق الامتیاز، کرایه

زمین و یا مالیات و واجبات دیگر را به دولت نپرداخته اند. محاسبه غیر دقیق خساره به دولت بدلیل عدم پرداخت کرایه و حق الامتیاز را میتوان در جدول **6** مشاهده کرد.

جدول 6: واجبات تخمینی سالانه حق الامتیاز و کرایه ذمت هر یک از شرکت ها[۱۷۲]

شرکت	تولید احتمالی/تعهده داده شده	حق الامتیاز واجب در دالر	کرایه زمین در دالر
برادران هیواد (کرومایت)	130,000تن	7,098,000	67,500
شرکت سرمایه گذاری افغان (ذغال)[۱۷۳]	1,000,000تن	8,000,000	300,000
شرکت سرمایه گذاری افغان (سمنت)	438,000تن	455,520	1,000,000
شرکت افغان کریستال (طلا)	1,628کلوگرا	17,883,898	31,425
برادران خوشک (ذغال)[۱۷۴]	88,110تن	1,894,365	۳۱۲٦۲
شرکت تجارتی ویست لند (طلا)	1,700کلوگرام	15,591,040	15,000
مجموع		**53,663,572**	**۱٬٤۳۰٬۱۷۵**

یاداشت:

جمع بندی مولف بر اساس معلومات موجود در هر قرارداد است (بشمول نرخ های حق الامتیاز در جدول ۱)، میزان تولید وعده داده شده یا تخمینات شرکت در پروپوزل های داوطلبی و ویب سایت های بین المللی است. نرخ طلا در این محاسبات ٤٥ هزار و ٨٥٦ دالر در کلوگرام گرفته شده است. و نرخ ذغال ۹۰ دالر در تن (بر اساس گفته تاجران مشغول در خرید و فروش ذغال).

منبع: مطالعات موردی

حق الامتیاز تعیین شده برای هر ۱۲۰۰ تن سمنت تولید شده در روز توسط شرکت سرمایه گذاری افغان است، در حالیکه اگر این شرکت قرارداد را به شکل درست آن تطبیق می کرد و ٤٤۰۰ تن در روز تولید میداشت، دولت افغانستان الی ۱٦۷۰۲٤۰ دالر امریکایی در سال عاید میداشت. با این حال، گزارش **EITI** برای ۲۰۱۱ نشان دهنده آن است که شرکت سرمایه گذاری افغان فقط ۳۳٥۹٥ دالر در سال می پردازد. بر علاوه، این گزارش هیچ معلوماتی در مورد کرایه و یا حق الامتیاز ذغال های که این شرکت مصرف می کند ارائه نمی کند.[۱۷٥] گزارش همچنان نشان میدهد که شرکت ویست لند ۱۷۲۰۳۲ دالر امریکایی حق الامتیاز در سال ۲۰۱۱ پرداخته است. این شرکت جواز استخراج و مطالعات را بدست آورده بود اما همین شرکت قرارداد جدیدی را برای همان معدن در سال ۲۰۱۲ بدست آورد که اجازه دو سال بیشتر در زمینه مطالعات را برای آن داد.[۱۷٦] سه شرکت دیگر تحت الزامات گزارشدهی **EITI** مکلف به گزارشدهی نیستند[۱۷۷].

---

[۱۷۲] مولف این معلومات را با استفاده از قرارداد ها و ویب سایت های بین المللی تهیه نموده است. قیمت هر کیلوگرام طلا در این محاسبات ٤٥٨٥٦ دالر بر اساس استندرد طلای امریکا گرفته شده است. http://www.usagold.com/dailyquotes.html (9:30 PM, July 28th 2014); price of coal used is US$ 90 per ton (taken from traders who are involved in the coal trade)

[۱۷۳] شرکت سرمایه گزاری افغان

[۱۷٤] شرکت برادران خوشک

[۱۷٥] گزارش **EITI** افغانستان برای سال ۲۰۱۲.

[۱۷٦] قرارداد معدن طلای نورآبه و سمتی ۲۰۱۲.

[۱۷۷] گزارش **EITI** برای سال ۲۰۱۲

بدلیل مشکلات و فساد در ادارات گمرکات و عواید وزارت مالیه و بعضی از ادارات وزارت معادن دولت نمیتواند عواید کامل این شرکت ها را جمع آوری کند. ۳۱۰ قرارداد معادن توسط وزارت معادن در کابل اهدا شده است در حالیکه ریاست های معادن تعداد نامشخصی از قرارداد های دیگر را در ولایات به شرکت ها واگذار نموده اند. فرار از پرداخت واجبات مالیاتی و غیر مالیاتی در سرتاسر کشور عمومیت دارد. تولید ناخالص داخلی افغانستان در سال ۲۰۱۳ بیشتر از ۱۱۰۰ ملیارد افغانی در حالیکه عواید جمع آوری شده از همه سکتور ها در همین سال ۱۰۹ ملیارد افغانی بود.[۱۷۸] خسارات وارده به دولت از دو ناحیه توسط این پنج شرکت به ۲,۲ ملیارد افغانی می رسد. ارزش افزودۀ حقیقی در سکتور معادن به آسانی میتواند ۱۰۰ ملیارد افغانی به تولید ناخالص داخلی علاوه کند، که این رقم تقریباً با مجموع عواید کشور در سال ۲۰۱۳ برابر خواهد بود.

در اکثر موارد دولت به شرکت های استخراجی وعده تامین امنیت را میدهد در حالیکه تعداد افراد پولیس در تناسب با سرانۀ نفوس کشور برای انجام امور عادی امنیتی، پائین است. شرکت ها عمدتا افراد خود را به وزارت داخله جهت تامین امنیت معرفی می کنند. پرسونل امنیتی در ساحات معادن عمدتا به ترویج ترس در میان مردم و یا علیه ناظران کادستر می پردازند تا نتوانند عواید را جمع آوری نمایند.

شواهد و تحقیق در مورد تطبیق این پروژه ها نشان میدهد که تخلفات آشکاری در قبال قوانین، قرارداد ها و استندرد های بین المللی رخ داده است. جدول ۷ نشانگر وضعیت هر پروژه میباشد.

سیستم حکومتداری در افغانستان مبتنی بر فساد است و ذهنیت عامه همین است که دولت با خوش ساختن جنگ سالاران و نخبه گان سیاسی به حیات خود ادامه میدهد. با استفاده از شبکه های خود، این بازیگران سیاسی در هستۀ کشور فعالیت می کنند و توانسته اند حمایت اقشار پایین جامعه را با سیاست اعمال ترس و یا تطمیع سیاسی بدست آرند. شرکت های فعال در این سکتور در بسیاری از موارد تحت حمایت بالاترین مقام های دولتی قرار دارند. در مجموع این یک ساختار لاینفک قدرت سیاسی و منافع اقتصادی میباشد ؛ ازیک سو افراد قدرتمند سیاسی شرکت ها را حمایت می کنند و از سوی دیگر پول بدست آمده از طریق این شرکت ها باعث قدرتمند تر شدن اولیگارک های (گروه سالاران) هستۀ قدرت می گردند. این افراد در آینده از لحاظ مالی چنان قدرتمند خواهند شد که قدرت را در مرکز حکومت بدست بگیرند و قوانین و مقررات را مطابق میل شان تعیین کنند. همچنان شهروندان کشور که غرق در بحران، فقر، تبعیض، ناامنی، بیکاری و عدم امکانات برای انکشاف هستند و بیرون از حکومت نیز قراردارند از ترس اینکه به خشونت های گذشته بر نگردند در دام سیاسی این افراد گرفتار می مانند و هیچگاه وضعیت شان تغییر نخواهد کرد. ممکن است گروه از مردم در مقابل این بد عدالتی اقدام کند اما این گروه منابع محدود غرض بسیج و سازماندهی خود را پیدا خواهند کرد چون متمسک به اصل شفافیت و حسابدهی خواهند بود.

[۱۷۸] اعلامیه بودیجه ملی افغانستان برای سال ۲۰۱۴.

جدول ۷: مقایسه مراحل مختلف تطبیق پروژه در معادن پنجگانه[۱۷۹]

اسم شرکت	سند قرارداد	روند قرارداد	ارزیابی داوطلبی	قرارداد و تناقضات	شرایط حقوقی	تطبیق قرارداد	تغییرات در قرارداد ها	نظارت	حسابدهی بخاطر عدم پیروی
AIC[۱۸۰]	به نفع برنده	اعمال نفوذ و غیر شفاف	اعمال نفوذ و غیر شفاف	تخلفات جدی قوانین و مقررات	ESIR، پلان تثبیت ذخیره، مطالعه امکان سنجی و گزارش حفاظت از محیط زیست	عدم پیروی از شرایط پذیرفته شده قرارداد	بله	ناموفق	بله، اما اقدام نشده است
AKNR[۱۸۱]	به نفع برنده	اعمال نفوذ و غیر شفاف	اعمال نفوذ و غیر شفاف	تخلفات و تناقض با قانون	ESIR، پلان تثبیت ذخیره، مطالعه امکان سنجی و گزارش حفاظت از محیط زیست	عدم پیروی از شرایط پذیرفته شده قرارداد	بله	ناموفق	بله، اما اقدام نشده است
HB[۱۸۲]	به نفع برنده	اعمال نفوذ و غیر شفاف	اعمال نفوذ و غیر شفاف	تخلفات جدی/ نقض/ مرگ	ESIR، پلان تثبیت ذخیره، مطالعه امکان سنجی و گزارش حفاظت از محیط زیست	تخلفات و نقض قرارداد	بله	ناموفق	بله، اما اقدام نشده است
WLGT[۱۸۳]	به نفع برنده	اعمال نفوذ و غیر شفاف	اعمال نفوذ و غیر شفاف	تخلفات و تناقض با قانون	ESIR، پلان تثبیت ذخیره، مطالعه امکان سنجی و گزارش حفاظت از محیط زیست	عدم پیروی از شرایط پذیرفته شده قرارداد	بله	ناموفق	بله، اما اقدام نشده است
KBC[۱۸۴]	به نفع برنده	اعمال نفوذ و غیر شفاف	اعمال نفوذ و غیر شفاف	تخلفات و تناقض با قانون	ESIR، پلان تثبیت ذخیره، مطالعه امکان سنجی و گزارش حفاظت از محیط زیست	عدم پیروی از شرایط پذیرفته شده قرارداد	نخیر	ناموفق	بله، اما اقدام نشده است

نتیجه گیری

تقسیم قدرت در دولت و حکومت بر اساس خطوط قومی و گروهی بوده وتوام با منافع بزرگ مالی و اقتصادی میباشد. افراد و شبکه ها خود را نماینده گان گروه های مختلف افغانستان انتصاب نموده اند، در حالیکه اکثر شهروندان افغان زنده گی های فقیرانه و در حاشیه دارند. تعداد ادارات دولتی توسط این افراد و شبکه ها "غصب شده" وبا استفاده از آن حکومت و رهبری سیاسی را تطمیع و یا تهدید مینمایند تا معادن و دیگر پروژه های عایداتی را بدست آرند. به عبارت دیگر، این افراد خود را بسیاری از اوقات نماینده گان اقشار محروم تاریخی قلمداد می کنند. بعضی از افراد قدرتمند از صلاحیت های خاصی در دولت برخوردار بوده و آن را بخاطر بدست آوردن منفعت های مالی استفاده می کنند. بحث برابری در تقسیم منابع سخن درست است، اما منفعت این تقسیم بندی به عده ای محدودی در رأس قدرت رسیده است. امروزه بیشتر از ۵۰ تن از اعضای پارلمان، یا معادن را در اختیار دارند و یا

[۱۷۹] معلومات و مراحل معدن مختلف

[۱۸۰] شرکت سرمایه گذاری افغان.

[۱۸۱] شرکت افغان کریستال.

[۱۸۲] شرکت برادران هیواد.

[۱۸۳] شرکت تجارتی ویست لند.

[۱۸۴] شرکت برادران خوشک.

هم شرکای پروژه های مهم معدن میباشند. بدست آوردن قرارداد های بزرگ در سکتور معادن به تقویهٔ موقعیت این افراد و شبکه ها انجامیده است و آنها خود را چهره های حقیقی مردمان محلی قلمداد می کنند.

بسیاری از افرادی که در معادن افغانستان تشبث نموده اند بشکل عمودی و افقی ارتباط با عالی ترین رهبری دولت دارند. تئوری مایکل مان در مورد قدرت و شبکه یکی از ابزار مفید بخاطر توضیح وضعیت افغانستان و روش نخبه گان این کشور میباشد (به چوکات ۱ مراجعه کنید).

نخبه گانی که امروزه سکتور معادن را در چنگال خود در آورده اند در گذشته اعضای شبکه های شبه نظامی و ایدیولوژیکی بودند. بعد از سقوط طالبان و آمدن ناتو به افغانستان، جامعهٔ بین المللی تمایل همکاری با نخبگان موجوده سیاسی نشان داد.این افراد که فعالین سکتور خصوصی نیز گردیدند دسترسی قدرت اقتصادی را از طریق بدست آوردن پروژه های بزرگ ساختمانی پیدا نمودند. قدرت سیاسی و اقتصادی موجود (بر علاوه قدرت نظامی) این افراد باعث گردید تا آنها سکتور معادن را نیز در کنترول خود درآورده قبضهٔ خویش را بالای قدرت حفظ نمایند. پال کالیور میگوید که تیل و دیگر مواد دارای ارزش در فشار ایجاد شده توسط مسابقات انتخاباتی، غیر مناسب بوده است.این شبکه ها چهار بعد قدرت که عبارت اند از قدرت ایدیولوژیک، اجتماعی، نظامی و اقتصادی را در اختیار خود در آوردند. این افراد مراکز قدرت در کابل را در اختیار دارند و یا نمایندگان خود را در هر اداره داخل کردند. آنها خود را بحیث نماینده گان مردم افغانستان به جامعه جهانی معرفی کرده اند و در شکل دهی و تغییر آرای جامعه جهانی راجع به اقتصاد، امنیت، و امور جامعه نقش تعیین کننده داشته اند.

چوکات ۱: نخبه گان، شبکه ها و قدرت

مایکل مان شرح تاریخی و تئوری قدرت را میدهد. وی میگوید که جوامع یکدست نبوده متشکل از گروه های ذیلی میباشد که یک نمای عمومی را شکل داده و میتواند در واکنش به بعضی از واقعات متحول گردد. جوامع یکدست نمیباشد. هیچ سیستم اجتماعی (باز یا بسته) وجود ندارد؛ اینها همگانی نیستند. ما هیچ جامعهٔ بسته در فضای اجتماعی یا جغرافیایی دریافت نمیتوانیم. بخاطر اینکه سیستمی وجود ندارد، همگانیت وجود ندارد ازینرو "سیستم های ذیلی"، "ابعاد" یا "لایه های" همگانی نیز امکان پذیر نیست. وی سپس به پدیدهٔ قدرت اجتماعی میپردازد و میگوید که این پدیده شامل قدرت ایدیولوژیکی، اقتصادی، نظامی و سیاسی می گردد. وی باور دارد که این ابعاد واقعیت اجتماعی تا حد زیادی واحد های مستقلی از نهاد ها و روند ها میباشد که باعث ایجاد منبع قدرت برای افراد و گروه های مختلف اما همنوا در یک دولت یا جامعه میگردد.

منبع: مایکل مان (۱۹۸٦) «منابع قدرت اجتماعی»، جلد ۳ «امپراطوری ها و انقلابات جهانی ۱۸۹۰ الی ۱۹٤٥ .

امروزه در افغانستان سکتور معادن طوری توسط نخبه گان سیاسی اداره می گردد که اکثر عایدات این سکتور در جیب خویشاوندان و وابستگان این افراد می ریزد. پول دار شدن افراد مرتبط است به سیستم واسطه که جزء فرهنگ سیاسی کشور شده است. ده ها تن از اعضای ولسی جرگه، مشرانو جرگه و کارمندان دولتی قرارداد های معادن را برای خود شان، خویشاوندان شان و افراد وابسته به خود بدست آورده اند. برادر و پسران کاکای رئیس جمهور اسبق و برادر معاون رئیس جمهور اسبق هر کدام قرارداد های معادن را در اختیار دارند و به استخراج غیر قانونی دست می زنند. چندین عضو قدرتمند ولسی جرگه یا مستقیماً در بخش معادن فعال هستند یا هم از عواید آن نفع میبرند. لابی های قدرتمند در افغانستان و دوبی قرار دارند که نه تنها توانایی گرفتن قرارداد ها را دارند بلکه میتوانند مواد قرارداد را مطابق میل مشتریان خود تنظیم نمایند. اولیگارکی (گروه سالاران) معادن شامل شخصیت های مطرح سیاسی، دیپلومات ها و کارمندان استخبارات اسبق میباشند که آگاهی خوب از کشور و چینل های فساد دارند؛ همچنان

کارمندان افغان سایر وزارتخانه ها در این امر دخیل اند. بطور مثال، کارمندان اسبق استخبارات که در جهاد افغانستان در سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ فعال بودند اکنون شرکت های مشوره دهی در این زمینه دارند. بطور مثال، سید طیب جواد و برنا کریمی که هر کدام بالترتیب سفرای کبیر افغانستان در امریکا و کانادا بودند فعلا شرکت های مشوره دهی در این سکتور را ایجاد نموده

از جمله وظایف اصلی دولت کشور جنگ زده افغانستان همانا حمایت از مردم در مقابل فقر و پشتیبانی و توسعهٔ آرمان های مردم میباشد زیرا تعداد کثیری از مردمان افغانستان زیر خط فقر قرار دارند. دولت همچنان باید در راستای ایجاد اعتماد میان مردم و حکومت تلاش ورزد. همچنان تا حدی حفاظت محروم ترین قشر جامعه و بیجا شده گان از اثر جنگها و آفات طبیعی مهم میباشد. آزاد سازی اقتصادی افغانستان با پیروی از روش های ساده غربی (بدون در نظرداشت اقتصاد سیاسی و ابعاد بحران) باعث گردیده است تا یک گروه محدودی از افراد، خانواده ها و شبکه هاییکه در جریان جنگ قدرت و ثروت یافتند، نفع ببرند. وجود این چنین شبکه ها از رشد دموکراسی موثر نیز جلوگیری خواهد کرد زیرا اشتراک افغانهای شایسته را در سیاست و تصمیم گیری های دولتی مشکل خواهد ساخت . دولت در اختیار یک عده محدود خواهد ماند و مردم ازین وضعیت بیزار خواهند شد. رشد اختلافات شدید میان نخبه گان و عامه مردم بر سر سهم در منابع و همچنان نزاع بین نخبگان سیاسی که فعلا نیز وجود دارد، تشدید خواهید یافت.

خصوصی سازی معادن در افغانستان که به منظور تولید عایدات برای دولت و کار برای مردم بوده است، ظاهرا ناکام مانده است زیرا افراد و شرکت های خصوصی که معادن را بدست آورده اند خود را بالاتر از سایر قوانین و مقررات قرار داده اند. این مسئله تأثیر منفی بالای دولت افغانستان نیز گذاشته است زیرا مردم خواهان دولتی هستند که باعث پیشرفت و امنیت شان گردد اما بر عکس دولت فعلا ابزار پیشرفت یک عدهٔ محدودی از افراد گردیده است. بر علاوه موضوع مهم دیگر این است که ملیون ها دالر کمک خارجی نیز زیر نام انکشاف سکتور معادن هدر رفته است. کارمندان سمنت غوری خیلی خوشحال و راضی بودند زمانی که برای دولت کار می کردند چون معاش و مسکن خوب در مقابل کار شان در یافت می کردند. اما بعد از خصوی سازی این اعانه برای شان داده نمی شود. خصوصی سازی زمانی انجام شده است که مردم افغانستان فقیر اند و نمی تواند قیمت مصارف طبی و دیگر ضرورت زندگی خود را پرداخت کنند. زندگی این مردم تغییر نخواهد کرد چون دیگر قوه خارجی بری تغییر زندگی شان وجود ندارد.

میراث جنگ های گذشته افغانستان زنده است و باعث ادامه ساختار قدرت نخبگان در کابل و ولایات گردیده است. ساختار قدرت در مرکز و ولایت نشان دهنده ادامه میراث گذشته است. کشف و استخراج معادن و دیگر راه های آسان حصول پول، باعث آن شده است که نخبگان سیاسی برای بدست آوردن چنین مزایایی نهاد های دولتی را فاسد کنند. پول بدست آمده از معادن باعث تقویه هر چه بیشتر نخبگان سیاسی و قدرتمندان در کابل و ولایات گردیده است. این افراد منابع دولتی را میان خود شان و پیروان شان تقسیم می کنند و در بعضی موارد حتی اگر ضرورت به خشونت هم باشد با هم رقابت می کنند. در بدترین حالت ممکن، این نیرو ها عناصر نظامی خود را جهت اشغال معادن خواهند فرستاد که در بدو خروج نیرو های خارجی امکان جنگ داخلی قومی را افزایش می دهد.

هر چند تلاش هایی مانند EITI و افشای مکمل قرارداد بخاطر آوردن شفافیت بیشتر در این زمینه روی دست گرفته شده اند اما آنها کافی نبوده اند. این مطالعه نشان میدهد که گفتمان انکشاف در زمینه معادن باعث ایجاد یک نوع تعصب ملی گرایانه میشود که به رکود سرمایه گذاری خصوصی خارجی در کشور کمک کرده است و راه را برای گرفتن معادن توسط نخبگان سیاسی و پیروانشان باز کرده است. نخبگان که هیچ تجاربی در زمینه معادن ندارند عمدتا با استفاده از روابط سیاسی شان این قرارداد های

[۱۸۵] مصاحبه با یکی از تاجرانی که در داوطلبی معدن آهن در پشتون زرغون اشتراک نموده بود (۱٤ اکتوبر ۲۰۱٤).

پر منفعت را بدست می آورند. این مسایل در صورتیکه ریشه بگیرد سوال هایی را در مورد چگونگی تقسیم ثروت نیز بوجود خواهد آورد.

دکتورین آزاد سازی اقتصادی استوار بر استفادۀ موثر از منابع محدود و ازدیاد تولید توسط ذوات اصلی سکتور خصوصی در افغانستان بیشتر به یک نوع اولگارکی (گروه سالاری) مرتبط سیاسی انجامیده است. برای رشد و پیشرفت لیبرال دموکراسی در افغانستان وجود ادارۀ موثر شایسته سالار مهم است. نخبگان افغانستان ریشه دوانده اند و با گذشت زمان تغییر شکل می دهند. برای از بین بردن از الگارشی ممکن است نیاز به مداخلات داخلی و خارجی باشد تا وضعیت تغییر و بهبود بخشد.

پیشنهادات

پیشنهادات ذیل جوانب ذیدخل کلیدی مختلف را که با استخراج منابع معدنی زیرزمینی سروکار دارند، مخاطب قرار میدهد. اینها مبتنی بر تحلیل و یافته های گزارش شده در بخش های مختلف مطالعات موردی است که قبلاً نیز در این بخش خلاصه گردیده است. امید میرود که این پیشنهادات بتواند زمینه تسهیل یک گفتمان موثر در باره بهبود سکتور معادن را فراهم سازد بخصوص در مورد اینکه عواید دولتی از بین نرفته به جیب های شخصی واریز نگردد.

وزارت معادن و پطرولیم: دولت باید یک دیدگاه استراتیژیک برای انکشاف سکتور معادن داشته باشد و تلاش کند تا در دام ذهنیت عواید سریع بدون ایجاد نهاد های موثر و مقررات لازم نیافتد. بدون چنین دیدگاه دراز مدت دولت افغانستان نمیتواند سکتور معادن و جامعه را انکشاف دهد و به مردم افغانستان خدمت نماید. جامعه جهانی میتواند در این زمینه همکار باشد.

وزارت معادن باید قانون معادن را تعدیل کند که قبلا توسط ولسی جرگه تأیید و توسط رئیس جمهور توشیح گردیده است. قانون جدید معادن ضعیف بوده و توانایی جلوگیری از فساد را ندارد و همچنان نمیتواند باعث ایجاد ثبات در وضعیت بحرانی سکتور معادن در کشور گردد. قانون و مقررات معادن باید مجازات مشخصی را برای شرکت ها و افرادی که به کار های غیر قانونی از قبیل استخراج غیر مجاز یا عدول از شرایط قرارداد دست می زنند، پیش بینی کند همچنان برای کسانی که حق الامتیاز ها و دیگر واجبات را نمی پردازند. این مسودۀ قانون باید قبل از ارسال به کابینه و ولسی جرگه مورد موشگافی و مطالعه عمیق و دقیق قرار گیرد.

دولت افغانستان باید اعطای مجوز های معادن را متمرکز کند زیرا پلان وزیر اسبق مبنی بر غیر متمرکز ساختن صدور جواز باعث بروز فساد و ایجاد محرمیت گسترده در این سکتور گردیده است که در نتیجۀ قراداد های اعطا شده هیچ عوایدی به دولت نیامده است. بیشتر از ۵۰ مورد در ولایات مشاهده شده است که جواز ها به افراد مربوط به اعضای پارلمان، جنگسالاران و دیگر سیاستمداران داده شده است. دولت باید استخراج غیر قانونی کرومایت، ذغال سنگ و احجار کریمه و نیمه کریمه را جُرم و قابل مجازات اعلام نماید.

در قرارداد های باید نام مستفید شوندگان اصلی شرکت ها ذکر گردد و این مسئله باید الزامی قرار گیرد. این امر در جلوگیری از پدیدۀ صاحبان ،شرکاء، ذی نفعان، بشمول مسئولین دولتی و عناصر رهبری سیاسی پنهان که دخالت شان در شرکتهای مربوطه بوضوح مظهر جانبداری غیر عادلانه میباشد، کمک میکند.

باید شرکت های داوطلب قبل از درج در لست فشرده مورد مطالعۀ دقیق و عینی قرار گیرند. از جمله باید به گذشتۀ شرکت در زمینه معادن، ظرفیت تخنیکی و مالی شرکت، تجارب کار در معادن ، هویت سهامداران، تمامیت اخلاقی آنها و دسترسی به تکنالوژی،

توجه خاص صورت گیرد. باید به سرمایه گذاری مشکوک بشمول شرکت های خارجی بخصوص شرکت های کشور های همسایه اجازه فعالیت در این سکتور داده نشود.

مراحل مختلف داوطلبی، ارزیابی و مذاکرات باید توسط یک تیمی از متخصصین انجام شود البته با در نظر داشت اصل وضاحت، شفافیت و در فضای عاری از مداخلات سیاسی . باید مرحلۀ داوطلبی شفاف باشد و معلومات باید با شهروندان افغانستان در ظرف ده روز بعد از امضای قرارداد شریک ساخته شود.

باید تعریف واضحی از فعالیت های مختلف در سکتور معادن ارائه گردد (بطور مثال تفاوت میان تثبیت و استخراج) و شرکت ها باید بطور متداوم در مورد اینکه کدام فعالیت را مطابق به کدام اجازه نامه ها انجام میدهند مورد نظارت و ارزیابی قرار بگیرند. خصوصآ زمانیکه شرکت از مرحلۀ تثبیت به مرحلۀ استخراج قدم میگذارد ، در آن زمان باید دیده شود که آیا پیش شرطهای لازم را طوریکه در قانون، مقررات و قرارداد تذکر رفته است، بر آورده شده است یا خیر.

ارتباطات درست و مناسبات درست با مردمان محل باید یکی از شرایط الزامی باشد. شرکت ها و دولت باید با مردم در ارتباط باشند و آنها را از کار های استخراجی به شکل درست آن آگاه بسازند.

وزارت مالیه در همکاری با وزارت معادن: این دو وزارت باید میکانیزم مشترکی را برای جمع آوری عواید در زمان مشخص آن از شرکت ها ایجاد کنند و معلومات این جمع آوری را با مردم شریک سازند. این مسئله باعث می گردد تا واجبات به درستی جمع گردد و مردم نیز در مورد آن باخبر شوند.

وزارت های مالیه و معادن باید تیم مشترکی را برای ارزیابی و نظارت بر فعالیت های هر شرکت در هر مرحله کار ایجاد نمایند. بطور مثال وزارت معادن جدول زمانی شرکت را چنانچه در قرارداد ذکر شده است بازنگری نموده مورد ارزیابی قرار دهد و ببیند که آیا فعالیت های این شرکت مطابق زمان پیشنهاد شده پیش می رود یا خیر. این مسئله باعث می گردد تا شرکت بیش از حد لازمه استخراج بعمل نیاورد و مالیات و واجبات دیگر بروقت جمع آوری گردد.

ریاست گمرکات وزارت مالیه باید کاپی هر قرارداد معدن را بدست آورد و صادرات هر شرکت را پیگیری کند تا آن را با مواد قرارداد و مقررات مقایسه کند. این مسئله کمک می کند تا فهمیده شود چه مقدار از معادن افغانستان توسط کی هر ساله به خارج صادر می گردد. همچنان این امر در تثبیت مقدار سالانۀ صادرات افغانستان از مدرک معادن کمک نموده آسیب پذیری در مقابل فساد اداری را کاهش خواهد داد.

این دو وزارت باید بصورت مشترک روی میکانیزمی کار کند که انعکاس دهندۀ عواید متوقعه از معادن باشد (مطابق به شروط قراداد) همچنان تصویری از جمع آوری واقعی معادن نیز ارائه گردد. با عملی نمودن این طرح کاستی ها و تاخیرات در جمع آوری عواید مورد بازنگری قرار گرفته میتواند.

اداره ملی محیط زیست: این نهاد باید بصورت مستقل از شرکت ها بخواهد تا گزارش تأثیرات اجتماعی و محیطی را ارائه نماید و این اداره باید گزارش را قبل از صدور اجازه نامۀ استخراج ارزیابی نماید. تصمیمات در مورد هر قضیه باید در ویب سایت این اداره نشر گردد. این مسئله دسترسی به اطلاعات و آگاهی شهروندان را افزایش می دهد بخصوص برای مردمانی که در اطراف معادن زندگی می کنند.

ریاست تفتیش این اداره باید روند های دخیل در فعالیت های استخراجی را تعریف کند و نظارت خود را مطابق به مقتضیات

پیشنهاد شده بطور منظم انجام دهد. نظارت های این شرکت باید به شکل استندرد و مطابق مقتضیات مسلکی آن صورت بگیرند.

این اداره همچنان باید مطالعات بنیادی در مورد محیط زیست اطراف معادن را انجام دهد تا این معلومات در ارزیابی پلان های مدیریت زیست محیطی شرکت ها به شکل آگاهانۀ آن مفید واقع گردد.

وزارت فواید عامه و وزارت کار و امور اجتماعی: این وزارت ها باید پروسیجر های واضحی برای چگونگی برخورد شرکت ها با کارگران را طرح ریزی کند و شرایط حد اقلی برای سطوح کاری را مشخص کند. این وزارت ها همچنان باید استندرد های حد اقلی برای مصئونیت کاری و استفاده از آب را نیز مهیا سازد.

وزارت داخله: نیرو های امنیتی افغانستان باید معادن را در مقابل افراد شورشی محافظت کنند و نباید در اختلافات فی مابین مردم و شرکت ها روی مسایل حقوقی مداخله کنند. پولیس های اطراف معادن باید در زمینه مسایل حقوق بشر و استندرد های بین المللی قبل از توظیف، تربیه گردند.

وزارت امور زنان: زنان در سرتاسر کشور آسیب پذیر هستند و در مواقع اقتصادی نقشی ندارند. خشونت علیه زنان گسترده است و در بسیاری از موارد ثبت نمی گردد. وزارت امور زنان باید ارزیابی ای در مورد تأثیر کار معادن بالای زنان، اجراء کند تا در مقابل تأثیرات منفی آن ایستادگی صورت گیرد. و همچنان اینکه از جوانب مثبت آن چگونه میتوان نفع برد.

جامعه مدنی افغانستان: جامعه مدنی باید خود را در زمینه مدیریت منابع طبیعی، مدیریت عواید و تأثیرات اجتماعی و محیطی معادن مطلع سازد تا در راستای کار های معلوماتی، تبلیغی، بسیج مردم و دفاع از حقوق مردم در برابر کار های معدن فعال باشد. تغییرات در این سکتور نیازمند کار گروهی و متداوم میباشد. ازین رو باید جامعه مدنی تحقیق بیشتر انجام دهد چه در سطح معادن انفرادی و چه در سطح بزرگ یعنی اعطای قرارداد، مرحله اجرای آن، جمع آوری عواید و مدیریت آن. این مسئله میتواند در راستای آوردن تغییرات در پالیسی موثر باشد.

جامعه بین المللی: جامعه بین المللی باید کمک های هدفمند به وزارت معادن کند. بطور مثال، آنها باید بالای تفحصاتی که در تثبیت ذخایر معدنی کمک کند توجه نمایند. کار های تفحصاتی توسط سکتور دولتی می تواند کمک کند تا جلو شرکت هاییکه به بهانه تثبیت به استخراج می پردازند گرفته شود. این مسئله همچنان کمک می کند تا شرکت های شفاف معادن، بجای ضیاع پول شان در فعالیت های مبهم تفحصاتی، روی انکشاف معادن کار نمایند.

جامعه جهانی باید دولت را کمک کند تا این سکتور را انکشاف دهد بجای اینکه دولت را تشویق نماید تا به استخراج سریع در مدت کوتاه دست بزند. ایجاد حکومتداری خوب میتواند در این زمینه کمک کند. بر علاوه، جامعه جهانی در طرح استراتیژی خوب برای مدیریت این سکتور و فراهمی حمایت تخنیکی و مالی برای ظرفیت سازی و تطبیق استراتیژی میتواند کمک کند.

مآخذ

مایکل، من (۱۹۸٦) منبع قدرت اجتماعی: امپراتوری و انقلاب جهانی ۱۸۹۰ – ۱۹۴۵. ؛ مطبوعه پوهنتون کامبریج

وزارت مالیه ؛ بیانیه مالی ماه قوس (نومبر ۲۱ – دیسمبر ۲۱، ۲۰۱۳) وزارت مالیه، ۲۰۱۳

وزارت مالیه، بیانیه بودیجه ملی افغانستان برای سال ۲۰۱۴، وزارت مالیه ۲۰۱۴

وزارت مالیه، ارزیابی مقررات و تاثیرات محیط زیستی افغانستان، وزارت عدلیه ۲۰۰۸.

وزارت عدلیه، قانون تدارکات افغانستان، وزارت عدلیه، ۲۰۰۹

وزارت عدلیه، مقررات پراسس مواد معدن، وزارت عدلیه ۲۰۰۹

http://moj.gov.af/content/files/OfficialGazett/01001/OG_01007.pdf.

وزارت عدلیه، قانون محیط افغانستان، وزارت عدلیه ۲۰۰۷.

وزارت معدن و پطرولیم. [قرار داد معدن طلا قره ذغان] پروسه قرار داد برای اکتشاف، بهره برداری معدن طلا قره ذغان در ولسوالی دوشی ولایت بغلان، فی مابین وزارت معدن و پطرولیم افغانستان و شرکت نیچرل کرستال. وزارت معدن و پطرولیم.

http://MoMP.gov.af/content/files/Summary-of-QaraZaghan-Gold-Contract-En-16012011.pdf.

وزارت معدن و پطرولیم، قرار داد طلا نورابه و سمتی، وزارت معدن و پطرولیم.

http://MoMP.gov.af/Content/files/Mineral%20Contracts/new_Noraba_%20samti_Gold_Ir.pdf.

وزارت معدن و پطرولیم، معدن زغال سنگ سبزک، وزارت معدن و پطرولیم،

http://MoMP.gov.af/Content/files/Mineral%20contracts/new_sabzak_coal_Ir.pdf

وزارت معدن و پطرولیم، قرار داد کرومیت گداخیل، وزارت معدن و پطرولیم.

http://MoMP.gov.af/Content/files/Mineral%20contracts/files_206_Gahah_khail_chromite.pdf.

وزارت معدن و پطورولیم، قرار داد زغال سنگ ویسټرن گرمک، وزارت معدن و پطرولیم،

http://MoMP.gov.af/Content/files/Mineral%20contracts/file_209_west_Garmak_coal_contract-English.pdf.

پال، کولیر(۲۰۰۷). ملیارد پایین. مطبوعه پوهنتون اکسفورد.

دیدبان شفافیت افغانستان
کلوله پشته
کابل، افغانستان
info@iwaweb.org
www.iwaweb.org